

# رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

کابل - قوس ۱۳۹۴ خورشیدی

AISS-P-006-2015





# رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

کابل - قوس 1394 خورشیدی





---

## رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

نویسندگان: نعمت‌الله ابراهیمی، مصعب عمر و محمد عرفانی

ویراستار: غلامرضا ابراهیمی

قوس 1394 خورشیدی

آدرس: قلعه 9 برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

[www.aiss.af](http://www.aiss.af)

## رسانه‌های اجتماعی و بیان روایت‌های افراطی در افغانستان

نویسندگان: نعمت‌الله ابراهیمی، مصعب عمر و محمد عرفانی

هماهنگ‌کننده پروژه: مصعب عمر

طرح تحقیق و بازنگری:

- پروفیسور شهرام اکبرزاده: استاد تحقیق دانشکده هنرها و تحصیلات، موسسه دیکین آلفرد، دانشگاه دیکین استرالیا، ملبورن، استرالیا
- داکتر سارا لوگان: محقق همکار، «دولت، جامعه و حکومت در برنامه ملانزی»، دانشگاه ملی استرالیا، کانبرا، استرالیا

پژوهشگران ساحوی:

- خالد یوسف‌زی
- فاضل عبید
- بصیر محب
- بشیر احمد عثمانی

با حمایت USIP

نوامبر 2015، کابل، افغانستان



## فهرست مطالب

1	..... سپاس‌گزاری
2	..... علائم اختصاری
3	..... واژه‌نامه
5	..... خلاصه گزارش
6	..... یافته‌های اصلی
9	..... پیشنهادات
9	..... به دولت جمهوری اسلامی افغانستان
9	..... به جامعه بین‌المللی
11	..... 1. مقدمه
12	..... 2. چارچوب مفهومی: رسانه‌های اجتماعی و افراط‌گرایی
14	..... 2.1. افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند ارتباطی
19	..... 2.2. رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک ابزار سریع و فوری، تعاملی و شخصی ارتباطی
21	..... 3. رویکرد و روش‌شناسی تحقیق
23	..... 3.1. بررسی و تحلیل مطالب رسانه‌های اجتماعی
24	..... 3.2. جمع‌آوری و تحلیل شمار منتخبی از ترانه‌های طالبان
24	..... 3.3. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته
24	..... 4. یافته‌های مطالعه
24	..... 4.1. اهداف و تاکتیک‌های گروه‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی شناسایی شدند
28	..... 4.2. روایت‌های اصلی که از طریق رسانه‌های اجتماعی در افغانستان بیان می‌شوند
30	..... 4.2.1. مشروعیت و اعتبار دولت افغانستان
33	..... 4.2.2. دخالت خارجی و توافق‌نامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده
36	..... 4.2.3. نگرانی‌های اجتماعی - فرهنگی
41	..... 4.2.4. استراتژی‌ها برای کنش سیاسی و اجتماعی و دیدگاه‌ها
48	..... 4.2.5. امور امت اسلامی
50	..... 4.3. نقش ترانه‌ها و آهنگ‌های طالبان در روند افراط‌گرایی در افغانستان
51	..... 4.3.1. موعظه مردم برای پذیرفتن دین
53	..... 4.3.2. انتشار پیام‌هایی در رابطه با جنگ علیه دولت

- 53..... 3.3.4. جذب نیروی جوان بیشتر
- 56..... 4.3.4. نفوذ در نیروهای امنیتی
- 57..... 5.3.4. افزایش خودنمایی میان مردم و جامعه بین‌المللی
- 58..... 6.3.4. یادآوری و تجلیل از کسانی که مرده‌اند
- 60..... 4.4. درک مردم در مورد روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی
- 60..... 1.4.4. استفاده از رسانه‌های اجتماعی در افغانستان
- 62..... 2.4.4. استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط عناصر افراطی
- 63..... 3.4.4. مواجهه پاسخ‌دهندگان با روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی
- 67..... 4.4.4. واکنش جامعه مدنی و مردم به پیام‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی
- 72..... 5.4.4. واکنش دولت به روایت‌های افراط‌گرایانه و رویکرد ضد افراط‌گرایی
- 75..... 6.4.4. دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد سیاست‌های دولت برای مقابله با افراط‌گرایی
- 77..... 5. نتیجه‌گیری
- 80..... منابع و مأخذ:
- 84..... ضمیمه‌ها
- 84..... ضمیمه 1: پرسش‌نامه
- 86..... ضمیمه 2: معرفی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)
- 87..... معرفی نویسندگان



## فهرست تصاویر

26.....	تصویر 1
28.....	تصویر 2
30.....	تصویر 3
34.....	تصویر 4
35.....	تصویر 5
36.....	تصویر 6
38.....	تصویر 7
40.....	تصویر 8
43.....	تصویر 9
46.....	تصویر 10
50.....	تصویر 11
60.....	تصویر 12
65.....	تصویر 13
69.....	تصویر 14
70.....	تصویر 15

## فهرست جداول

17.....	جدول 1: سطوح و مکانیسم‌های منشأ افراط‌گرایی: مک‌کالی و موسکالنکو، 2008
18.....	جدول 2: سطوح و ویژگی‌های افراط‌گرایی در افغانستان پس از سال 2001



## سپاس‌گزاری

نویسندگان از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) برای پشتیبانی لجیستیکی و از موسسه ایالات متحده برای صلح (USIP) برای کمک مالی سخاوتمندانه خود به این پروژه سپاس‌گزار هستند.

ما از همکاران ناظرمان، پروفسور شهرام اکبرزاده و داکتر سارا لوگان، برای نظرات اندیشمندانه و کارشناسانه‌شان در طی آماده‌سازی این مقاله تشکر می‌کنیم. از پروفسور شهربانو تاج‌بخش برای توصیه‌هایش در مراحل اولیه این تحقیق و آقای بلال سروری برای تحقیقاتش در رابطه با سرودهای طالبان در افغانستان سپاس‌گزاریم.

ما همچنین سپاس‌گزار تمام پژوهشگران ساحوی‌مان برای کمک‌های خستگی‌ناپذیرشان هستیم: آقای بصیر محب، آقای فاضل عبید، آقای خالد یوسف‌زی و آقای بشیراحمد عثمانی.

## علائم اختصاری

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان	AISS
نیروهای امنیت ملی و نیروهای امنیتی افغان	ANSF
دولت افغانستان	GoA
حزب اسلامی افغانستان	HIA
نیروی بین‌المللی کمک به امنیت (آیساف)	ISAF
دولت اسلامی عراق و شام	ISIS
وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی	MCIT
وزارت اطلاعات و فرهنگ	MoIC
وزارت دفاع	MoD
وزارت معارف	MoE
وزارت امور داخله	Mol
سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)	NATO
ریاست امنیت ملی	NDS
مؤسسه ایالات متحده آمریکا برای صلح	USIP

## واژه‌نامه

**عالم:** در جمع علما، محقق و تحصیل‌کرده در هر یک از علوم اسلامی، مانند: تفسیر قرآن، حدیث، فلسفه و غیره.

**اهل سنت:** مشتق‌شده از کلمه عربی سنت، با اشاره به سخنان و اقدامات حضرت محمد آن‌گونه که در احادیث ثبت شده است. کسانی که از زندگی حضرت محمد پیروی می‌کنند، اهل سنت نامیده می‌شوند.

**برقع / چادری:** پوشش بیرونی کامل که در بعضی از سنت‌های اسلامی توسط زنان استفاده می‌شود تا بدن خود را در بین مردم بپوشانند.

**دعوت:** هدف از دعوت در الهیات اسلامی، دعوت مردم، مسلمانان و غیرمسلمانان به درک و پذیرش پیام خداوند در قرآن، آموزه‌های حضرت محمد و اطلاع‌رسانی به آنها در مورد اسلام است.

**فقه:** قوانین مربوط به رعایت قواعد اجتماعی در اسلام، و همچنین اجرای تشریفات مذهبی.

**حدیث:** مجموعه‌ای از روایت‌ها که حاوی سخنان حضرت محمد و اعمال روزانه او (سنت) است. حدیث، منبع اصلی راهنما برای مسلمانان بعد از قرآن است.

**حجاب:** پوشش زنان مسلمان برای پوشاندن سر که نشان‌دهنده حیا، حفظ حریم خصوصی و اخلاق است.

**حزب اسلامی:** حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار غالباً برای مبارزه با حکومت کمونیستی افغانستان و متحد نزدیک آن، اتحاد جماهیر شوروی، شناخته می‌شود.

**امام:** فردی که نقش رهبری در جامعه اسلامی به او سپرده شده است، هم در نمازخواندن در مسجد و هم به عنوان رهبر جامعه.

**امارت اسلامی:** دولتی که در سال 1996 توسط طالبان تأسیس شد. این دولت با سقوط طالبان در 2001 به پایان رسید.

**جمعیت اصلاح:** سازمانی ثبت‌شده در وزارت عدلیه در کابل، با تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی.

**جهاد:** با ترجمه تحت‌اللفظی «مبارزه» که نزدیک‌ترین واژه به «جنگ مقدس» است. این اصطلاح می‌تواند در رابطه با درگیری‌های درونی یک فرد باایمان باشد، یا مبارزه برای حفظ و دفاع جامعه مسلمانان و اسلام.

**خطیب:** فردی که در طول نماز و عبادت روز جمعه، خطبه یا سخنرانی ارائه می‌کند.

**کفار:** جمع کافر (به زبان عربی) که در اسلام برای ناباوران به دین به کار می‌رود.

**مدرسه:** کلمه‌ای عربی است که برای مؤسسات آموزشی استفاده می‌شود. با این حال، استفاده معاصر این اصطلاح، به مدارس مذهبی اسلامی اشاره دارد.

**مفتی:** متخصص حقوقی اسلامی که قدرت بیان احکام و مسایل دینی را دارد.

**مجاهدین:** جمع مجاهد، اصطلاحی که به طور کل برای کسانی که جهاد می‌کنند، استفاده می‌شود.

**ملا:** برگرفته از واژه عربی «مولی» به معنای استاد یا قیم. در بخش‌های بزرگی از جهان اسلام، این اصطلاح به افراد مذهبی محلی یا رهبران مساجد اشاره می‌کند.

**نوروز:** روز اول بهار یا سال جدید خورشیدی، زمانی که مردم از جوامع قومی متنوع گرد هم آمده و جشن می‌گیرند.

**قرآن:** کتاب مقدس اسلام که از طرف خداوند بر حضرت محمد نازل شد. این کتاب شامل 114 سوره بوده و در اصل به زبان عربی نوشته شده است.

**شریعت:** قوانین اسلامی که بر پایه قرآن و حدیث بنا شده، اما تمام قواعد مربوط به وظایف مذهبی و غیرمذهبی و مجازات‌ها را در بر می‌گیرد.

**شیعه:** شیعیان در اسلام به جانشینی و ولایت امام علی، پس از وفات حضرت محمد پیامبر اسلام معتقدند.

**امت:** کلمه عربی به معنای «ملت» یا اجتماع. در قرآن، امت معمولاً به گروه واحدی که اعتقادات مشترک مذهبی دارند، اشاره می‌شود.

## خلاصه گزارش

این مطالعه به بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزار بیان و انتشار ایدئولوژی‌ها و روایت‌های افراطی در افغانستان می‌پردازد. به طور خاص، هدف این مقاله بررسی این مسأله است که شبکه‌های اجتماعی تا چه میزان برای انتشار و ترویج روایت‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی الهام‌گرفته از مذهب استفاده می‌شوند. اصطلاح «افراط‌گرایی» در این متن، برای اشاره به فرایندهای ظهور و تکامل گرایش‌های ایدئولوژیک و تمایلات رفتاری استفاده می‌شود که با تغییری به سمت عدم بردباری و سطوح مختلفی از تمایلات به رفتارهای خشونت‌آمیز مشخص می‌شود. افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند، در سه سطح رخ می‌دهد: این فرایند از پندار (تغییر در عقیده) آغاز شده، در ادامه به گفتار (بیان و انتشار دیدگاه‌های متعصب و خشونت‌آمیز) رسیده، و در نهایت ممکن است منجر به کردار (اعمال خشونت‌آمیز) گردد. این مطالعه نقش رسانه‌های اجتماعی در سطح «گفتار» در این روند را بررسی می‌کند.

این مطالعه رویکرد کیفی دارد و از روش‌ها و رهیافت‌های ذیل استفاده می‌کند:

1) بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب آنلاین پروفایل‌های رسمی گروه‌های شبه‌نظامی و صلح‌طلب الهام‌گرفته از مذهب که در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند. هدف این گزارش شناسایی روایت‌های اصلی و گرایش‌های ایدئولوژیک هستند که توسط فعالان، گروه‌های شبه‌نظامی و افراد اسلام‌گرا منتشر می‌شوند.

2) توصیف کلی و تجزیه و تحلیل چند نمونه انتخابی از ترانه‌های طالبان که توسط مردم به عنوان زنگ موبایل استفاده می‌شوند. این آهنگ‌های زنگ به عنوان شکلی از رسانه‌های اجتماعی تحلیل می‌شوند که جنبه افراط‌گرایی آن هنوز بررسی نشده است.

3) 72 مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی از چهار ولایت کابل، جلال‌آباد، هرات و مزار شریف افغانستان. این مصاحبه‌ها بررسی مطالب آنلاین را با آرایه جزئیات در زمینه به طور خاص جغرافیایی، از شیوه مواجهه کاربران رسانه‌های اجتماعی با مطالب دارای محتویات افراطی در فضای آنلاین، تکمیل کرده است. این مصاحبه‌ها به محققان اجازه داد تا روایت‌هایی روشن که توسط هر دو گروه ستیزه‌جو و صلح‌طلب در افغانستان تبلیغ می‌شوند را استخراج کنند.

## یافته‌های اصلی

اول) گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، حزب اسلامی و دولت اسلامی (داعش)، به طور گسترده از رسانه‌های اجتماعی برای جنگ اطلاعاتی گسترده خود در برابر دولت افغانستان و متحدان آن استفاده می‌کنند. به نظر می‌آید گروه‌های ستیزه‌جو در افغانستان، از مهارت‌های رسانه‌ای داعش و دقت این گروه برای جانداختن رسانه‌های اجتماعی در استراتژی‌های مربوط به مبارزات اطلاعاتی گسترده خود، تقلید می‌کنند. افزایش مبارزات آنلاین، با رقابت روبه‌رشد میان این گروه‌ها پس از ورود داعش به افغانستان در طول نیمه نخست سال 2015 همراه شد.

دوم) همان گونه که سقوط ولایت شمالی قندوز به دست طالبان در 28 سپتامبر 2015 نشان داد، رسانه‌های اجتماعی به طور گسترده توسط شورشیان به عنوان یک ابزار جنگی در مبارزات‌شان در برابر دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی آن استفاده می‌شود. در طی چند ساعت پس از عقب‌نشینی نیروهای دولتی از این ولایت، اخبار و تصاویر شبه‌نظامیان طالبان که بلافاصله شروع به عکس‌گرفتن در مرکز ولایت کردند، در سراسر شبکه‌های اجتماعی در افغانستان منتشر شد. علاوه بر بیانیه سخنگوی طالبان، طالبان محلی به شکل گسترده از صفحات محبوبی مانند فیسبوک، برای ارسال عکس‌های سلفی با شهروندان عادی و به اشتراک گذاشتن ویدیوی نیروهای جنگی‌شان در حال به‌دست‌گرفتن کنترل ساختمان‌های اصلی شهر استفاده نمودند. تغییر در کانون توجه شورشیان به سمت مراکز شهری، جایی که اکثریت قریب به اتفاق کاربران رسانه‌های اجتماعی در آن قرار دارند، اهمیت شبکه‌های اجتماعی را در جنگ اطلاعاتی جاری میان دولت و شورشیان برجسته می‌کند.

سوم) شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه جنبه‌هایی از آن که ارسال پیام‌های فوری و تصاویر را تسهیل می‌کنند، نقش مهمی در بیان و انتشار جهان‌بینی ایدئولوژیک و روایت‌های سیاسی در مورد افغانستان پس از طالبان بازی می‌کنند. با وجود تفاوت‌های قابل توجه در روایات و استراتژی‌ها، هر دو گروه اسلام‌گرای صلح‌طلب و ستیزه‌جو، اثر متقابلی در تقویت یکدیگر داشته و در برخی از جنبه‌های مهم دیدگاه‌های ایدئولوژیک و روایات سیاسی‌شان در رابطه با افغانستان پس از 2001، هم‌گرایی دارند. نکته مرکزی روایت‌های گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، حزب اسلامی و داعش، این دیدگاه است که در طول این دوره، افغانستان یک کشور «اشغال‌شده»، و دولت افغانستان یک «دست‌نشانده»، «مهاجمان»، «صلیبیون» یا «اشغال‌گران» خارجی بوده



است. آنچه از چنین روایت‌هایی برداشت می‌شود، استراتژی خشونت‌بار و تخریب برای سرنگونی دولت افغانستان و اخراج نیروهای بین‌المللی از این کشور است. همچنین این گروه‌ها مواضع ایدئولوژیک خود را با تفسیرهایی از سرخوردگی‌های رایج نسبت به دولت افغانستان، مانند نگرانی‌ها از حکومت‌داری ضعیف و فساد اداری، ترکیب می‌کنند. تجزیه و تحلیل محتوایی نشان می‌دهد که در مقابل روایت و استراتژی گروه‌های ستیزه‌جو، تعدادی گروه‌های فعال صلح‌طلب نیز وجود دارند که شبکه‌های اجتماعی را برای انتشار روایت‌های استراتژیکی که به گسترده‌شدن فرایندهای افراطی کمک می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌دهند. این روایت‌ها بر نگرانی‌های اجتماعی و فرهنگی مانند تأثیرات فرهنگ خارجی از جمله آزادسازی اجتماعی و فرهنگی و وضعیت و حقوق زنان پس از 2001 تمرکز دارند. اگرچه این گروه‌ها مستقیماً از استراتژی‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه جانب‌داری نمی‌کنند، اما با انتشار روایتی از تصور رایج که افغانستان مورد «تهاجم فرهنگی» قرار دارد، و نیز محکوم‌نکردن تاکتیک‌های خشونت‌آمیز و استراتژی‌های گروه‌های شبه‌نظامی، به فرایند گسترده‌تر افراط‌گرایی کمک می‌کنند.

چهارم) در حالی که تمرکز این مطالعه بر روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی الهام‌گرفته از مذهب است، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به دیگر اشکال افراط‌گرایی، به‌ویژه افراط‌گرایان قومی - ملی و تعدادی از گروه‌های سکولار اشاره کردند که از رسانه‌های اجتماعی برای انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های متعصبانه و نفرت‌آمیز استفاده می‌کنند. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به افزایش روایت‌ها و دیدگاه‌های افراطی قومی - ملی گرایانه با قطب‌بندی‌های سیاسی در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهوری 2014 اشاره کردند.

پنجم) هر دو گروه ستیزه‌جو و صلح‌طلب، از تاکتیک‌های ویژه‌ای در مبارزات رسانه‌های اجتماعی‌شان برای تقویت روایت‌های استراتژیکی خود استفاده می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ناشناس ماندن و کلیشه‌های جنسیتی، از رایج‌ترین تاکتیک‌هایی هستند که توسط این گروه‌ها استفاده می‌شود. برای مثال، علاوه بر روایت‌های رسمی که ظاهراً توسط حساب‌های رسمی سازمان‌ها منتشر و اداره می‌شود، بسیاری از اعضا و هواداران این گروه‌ها، از فرصت‌های فراهم‌آمده توسط اینترنت، برای ایجاد حساب‌های ناشناس استفاده می‌کنند؛ که از طریق آن می‌توانند محتوای روایت‌های رسمی خود را به‌اشتراک گذاشته، حمایت و پشتیبانی کنند. کلیشه‌های جنسیتی نیز به طور گسترده در صفحات شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود. برای مثال، طالبان در ترانه‌ها یا سرودهای خود که در مناطق روستایی افغانستان به عنوان زنگ موبایل استفاده می‌شود، کلیشه‌های جنسیتی را به عنوان ابزاری برای مبارزات ارتباطات اجتماعی به کار

می‌گیرند. این ترانه‌ها بر شجاعت و دیگر ویژگی‌های مردانه برای دفاع از کشور تأکید کرده و کسانی که از پیوستن به صفوف آنها خودداری می‌کنند را با زنان مقایسه می‌کند که با خصوصیتی چون ضعف و ترس تعریف می‌شوند.

ششم) پاسخ کاربران رسانه‌های اجتماعی به روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی، به چهار شکل ارائه می‌گردد:

1) گروهی از پاسخ‌دهندگان تصمیم گرفته‌اند تا آشکارا همراه و در مقابل گروه‌ها و اشخاص در شبکه‌های اجتماعی وارد بحث شوند.

2) گروهی دیگر از پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند تا تنها در مقابل پیام‌هایی که از حساب‌های واقعی و افراد قابل شناسایی دریافت می‌کنند، گفتگو کنند. آنها خطرات پاسخ‌دادن به افراد و گروه‌های افراط‌گرا با حساب‌های ناشناس را تذکر دادند.

3) یک گروه متفاوت از پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند تا تمام مطالب افراطی را نادیده بگیرند و اعتقاد دارند چشم‌پوشی از این مطالب، محبوبیت گروه‌های افراط‌گرا را در رسانه‌های اجتماعی کاهش می‌دهد.

4) گروه چهارم، با برجسته‌ساختن خطرات افراط‌گرایی و ارائه شواهد تخریب کشور در جریان جنگ، و با ترویج دیدگاه‌های معتدل در رابطه با مذهب، یکپارچگی و بردباری میان گروه‌های قومی کشور و فرقه‌های مذهبی با پیام‌های افراطی مقابله می‌کنند.

هفتم) انتشار روایت‌های افراط‌گرایانه در نبود یک سیاست ضد افراط‌گرایی سیستماتیک از جانب دولت افغانستان، رخ می‌دهد. در حالی که ابتکاراتی از اشخاص برجسته و جامعه مدنی وجود دارد که هدفشان مقابله با گرایش‌های افراطی و ترویج روایتی جامع‌تر و روادارانه‌تر است؛ افغانستان هنوز به سیاستی برای مقابله با افراط‌گرایی در کل و به طور خاص افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی، دست نیافته است.

## پیشنهادات

### به دولت جمهوری اسلامی افغانستان

1) آغاز یک مشورت گسترده با تمام طرف‌های ذی‌نفع مربوط، شامل جامعه مدنی افغانستان و گروه‌های فعال اسلام‌گرا، رهبران مذهبی، و مؤسسات آموزشی، با هدف تدوین یک رویکرد و سیاست ضد افراط‌گرایی. سیاست‌های آینده مقابله با افراط‌گرایی باید علاوه بر آسیب‌پذیری افراد و آمادگی آنها برای جذب و بسیج‌شدن توسط گروه‌های افراطی، روایت‌های راهبردی گسترده‌ای که از افراط‌گرایی حمایت می‌کنند را مورد توجه قرار بدهد.

2) گسترش دامنه بحث جاری در رابطه با قانون‌مندساختن شبکه‌های اجتماعی با همکاری جامعه مدنی، مؤسسات آموزشی، گروه‌های فعال اسلام‌گرا و سازمان‌های رسانه‌ای. یک چارچوب نظارتی و قانونی در مورد شبکه‌های اجتماعی، باید میان مقررات رسانه‌های اجتماعی و نگرانی‌های مرتبط با محدودیت آزادی بیان، توازن برقرار کند.

3) بررسی روند فعلی ثبت تمام سیم‌کارت‌های موبایل توسط سازمان‌های دولتی مربوطه، به منظور تسهیل پی‌گیری کاربران جعلی رسانه‌های اجتماعی که روایت‌های افراط‌گرانه را در فضای آنلاین ترویج می‌کنند. به این منظور، همکاری‌های بیشتر و هماهنگی‌های بهتری باید میان دولت افغانستان و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی در افغانستان انجام پذیرد.

4) اقدامات فوری و هماهنگ برای مقابله با روایت‌های افراط‌گرایانه قومی و قطب‌بندی‌های سیاسی که در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهوری 2014 شدت گرفت. این اقدامات باید از جانب هر دو ائتلاف سیاسی که حکومت وحدت ملی را در سپتامبر سال 2014 تشکیل دادند، و همچنین از سوی گروه‌های جامعه مدنی و رسانه‌های افغانستان عملی شود.

### به جامعه بین‌المللی

1) پشتیبانی از دولت افغانستان در تدوین سیاست مقابله با افراط‌گرایی از طریق:

الف) به‌اشتراک‌گذاری تجربه‌های سیاست‌های افراط‌زدایی در جوامع شکننده و جنگ‌زده مانند افغانستان

ب) ارایه مشورت در رابطه با بهترین روش مقابله با افراط‌گرایی در فضای آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، بدون به‌خطر انداختن آزادی بیان شهروندان.

2) حمایت از تحقیقات آینده در رابطه با جنبه‌های خاص‌تر فرایندهای افراط‌گرایی در افغانستان. این جنبه‌ها هم شامل تأثیر روایت‌ها در سطح کلان توسط گروه‌های اصلی افراط‌گرا و هم فرایندهای سطح خرد مانند استخدام افراد به‌ویژه جوانان، توسط این گروه‌ها می‌باشد.

3) پشتیبانی از ابتکارات افراد مستقل و جامعه مدنی با هدف مقابله با افراط‌گرایی و افزایش هم‌گرایی میان گروه‌های مذهبی و قومی در افغانستان. به‌طور خاص‌تر، حمایت از اقداماتی که می‌توانند به عنوان پلی میان گروه‌های فعالان اسلام‌گرا و سازمان‌های سکولارتر جامعه مدنی عمل کنند.

## 1. مقدمه

در سال‌های اخیر، افغانستان گسترش چشمگیر در شبکه‌های اجتماعی را تجربه کرده است. افزایش امکان دسترسی به اینترنت در سراسر کشور، فضای جدید و روش‌های تازه‌ای برای برقراری ارتباط و اتصال با یکدیگر و جهان خارج و بیان دیدگاه‌های خود در رابطه با طیف گسترده‌ای از مسایل اجتماعی، سیاسی و امنیتی را فراهم آورده است. طبیعت شخصی و فوری بودن ارتباطات اینترنتی به طور کل و رسانه‌های اجتماعی به طور خاص، به احتمال زیاد پیامدهای گسترده‌ای برای آینده امور سیاسی، اجتماعی و امنیتی کشور دارد. از بعد کنترلی، برخی محققان، تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی مدرن را یک پتانسیل رهایی‌بخش می‌بینند که «می‌تواند آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را گسترش بدهد».<sup>1</sup> صفحات اینترنتی مانند فیسبوک و تویتر، می‌توانند گروه‌های به حاشیه رانده‌شده اجتماعی و سیاسی، مانند جوانان و زنان را توانمند ساخته و جامعه را در معرض نیروهای قدرتمند جهانی‌سازی قرار دهد. گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن، همچنین می‌تواند خطرات قابل ملاحظه اجتماعی، سیاسی و امنیتی با خود داشته باشد؛ همچنان که به‌کارگیری این تکنولوژی‌های ارتباطی توسط گروه‌های افراط‌گرا و ستیزه‌جو مانند طالبان و داعش نشان می‌دهد.

---

1. Larry Diamond, 'Liberation of Technology', Journal of Democracy, 2010, Volume 21, Issue 3, Pages 69-83.

این مقاله نقش رسانه‌های اجتماعی را در فرایندهای افراط‌گرایی در افغانستان نشان می‌دهد. تمرکز آن به طور خاص بر نقش رسانه‌های اجتماعی در بیان و انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و افراطی در افغانستان است. این مطالعه به ویژگی‌های شخصی‌سازی و تعاملی تکنولوژی‌های شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه به عنوان ابزارهای ارتباطی پرداخته و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا / چگونه این ویژگی‌ها به ترویج و پذیرش ایدئولوژی‌های افراطی و خشونت‌آمیز کمک می‌کند؟ علاوه بر تکنولوژی‌های مبتنی بر اینترنت، این تحقیق همچنین محتویات نمونه‌هایی از سرودهای طالبان را مورد بررسی قرار داده است که کارکرد ارتباطی قابل توجهی به عنوان زنگ موبایل در برخی نقاط افغانستان دارد. در حالی که این تحقیق رویکرد گسترده‌ای به سمت افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند سیاسی و اجتماعی ارتباطی دارد، تمرکز ویژه آن بر گروه‌های افراطی الهام‌گرفته از مذهب است.

این مقاله به پنج بخش تقسیم شده است. اولین بحث در رابطه با چارچوب مفهومی این تحقیق، توضیح می‌دهد که چگونه ممکن است رسانه‌های اجتماعی به رشد افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند اجتماعی کمک کند. در بخش دوم، روش‌های تحقیق استفاده‌شده در این مطالعه معرفی شده‌اند. در بخش سوم، نمونه‌هایی از محتویات رسانه‌های اجتماعی در افغانستان و سرودهای طالبان که به عنوان زنگ موبایل کاربرد دارند، تجزیه و تحلیل شده‌اند. بخش چهارم شواهد و تصورات عمومی از نقش رسانه‌های اجتماعی بر افراط‌گرایی در افغانستان را مورد بحث قرار می‌دهد. و بخش نهایی، یافته‌های اصلی این تحقیق را با چند نکته اصلی پایانی بازبینی می‌کند.

## 2. چارچوب مفهومی: رسانه‌های اجتماعی و افراط‌گرایی

این پژوهش با تأیید اینکه تعریف دقیق رسانه‌های اجتماعی همچنان مورد بحث قرار دارد<sup>1</sup>، استفاده پایگاه‌های تکنولوژیک طراحی شده برای تسهیل روابط اجتماعی از طریق ارتباطات شخصی و به اشتراک‌گذاری و توزیع اطلاعات را به عنوان ابزارهای رسانه‌های اجتماعی در نظر می‌گیرد. علاوه بر صفحات اینترنتی مانند فیسبوک، گوگل پلاس، تویتر، یوتیوب و اینستاگرام، اصطلاح «رسانه اجتماعی» در این مطالعه، برای اشاره به تکنولوژی‌های موبایل، مانند زنگ موبایل و بلوتوث نیز استفاده شده است؛ چراکه در افغانستان آنها نیز مانند رسانه‌های اجتماعی، برای به اشتراک‌گذاشتن اطلاعات و مضمون‌های مختلف کاربرد دارند. تمرکز این تحقیق بر محتوای ترانه‌های طالبان است که در سال‌های اخیر به عنوان زنگ موبایل

---

1. Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayesa, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>

مورد استفاده قرار گرفته و از طریق بلوتوث به اشتراک گذاشته می‌شوند که آنها را به عنوان رسانه‌ای مهم و جایگزین برای برقراری ارتباطات و به اشتراک‌گذاری تبدیل می‌کند. یوتیوب، تویتر، فیسبوک و غیره بیشتر توسط گروه‌های شهری و تحصیل‌کرده‌تر استفاده می‌شوند؛ در حالی که آهنگ زنگ و بلوتوث اغلب برای گروه‌های اجتماعی کاربرد دارد که دسترسی محدودی به موبایل‌های پیشرفته و اینترنت دارند. آهنگ زنگ و بلوتوث، به طور خاص برای گروه‌های اجتماعی همواره در حرکت، مانند مسافران دایمی و راننده‌ها کاربرد دارند و در بسیاری از بخش‌های افغانستان ابزارهای مهم ارتباطی در نظر گرفته می‌شوند.

گسترش اخیر دسترسی به تکنولوژی‌های مدرن و اینترنت، یک «فضای مجازی» جدید برای مردم کشور برای بیان دیدگاه‌هایشان و برقراری ارتباط با یکدیگر و سایر نقاط جهان فراهم کرده است. در سال 2001، این کشور دارای 15000 تلفن آنالوگ بود که تنها برای 3 درصد از جمعیت کشور قابل دسترس بود. تا پایان سال 2014، به گفته وزارت مخابرات افغانستان، 23.21 میلیون کاربر موبایل در این کشور وجود داشت و 3 میلیون نفر (حدود 10 درصد از کل جمعیت) به اینترنت دسترسی داشتند که شامل 697000 کاربر مشترک خدمات 3G می‌شد.<sup>1</sup> با گسترش بیشتر خدمات موبایل 3G در سال 2015، احتمال دارد که تعداد کاربران اینترنت افزایش بیشتری داشته باشد.

بازار رسانه‌های اجتماعی رو به گسترش در افغانستان، تحت سلطه فیسبوک قرار دارد. مطالعه اخیر توسط GIZ، آژانس توسعه بین‌المللی آلمانی، تخمین زده است که در کابل و شش ولایت شمالی تحت پوشش این مطالعه، 87.8 درصد کاربران دارای پروفایل‌های فیسبوک هستند که این رقم با 12.9 درصد در گوگل پلاس، 5.8 درصد در یوتیوب و 3.8 درصد در تویتر دنبال می‌شود.<sup>2</sup> این مطالعه همچنین به پروفایل کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی در کشور نگاه کرده است. از گروه نمونه تحت پوشش این مطالعه، 9.67 درصد درجه دانشگاهی داشتند و 62.1 درصد انگلیسی صحبت می‌کردند. بعلاوه اکثریت کاربران، کارمند (63.4 درصد) و بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموز (21.6 درصد) بودند. یک مسأله مهم این بود که رایج‌ترین زبان ارتباطی، زبان انگلیسی بود با 62.1 درصد، و زبان‌های فارسی (30.1 درصد) و پشتو (3.3 درصد) در ادامه قرار داشتند.<sup>3</sup> اگرچه رقم کلی کاربران رسانه‌های اجتماعی همچنان در اقلیت است (حدود 9 درصد از جمعیت)، به احتمال

1. Telecom Sector's Recent Achievements, Official Website of the Ministry of Telecommunication and Information Technology (MCIT): <http://mcit.gov.af/en/page/4876/6005>, Accessed on October 27, 2015

2. Social Media in Afghanistan: Measuring the Usage & Perceptions of the Afghan Population, GIZ, Kabul, 2014: [http://ez-afghanistan.de/fileadmin/content/news/Social\\_Media\\_251114.pdf](http://ez-afghanistan.de/fileadmin/content/news/Social_Media_251114.pdf)

3. Ibid

زیاد، کاربران فعال، افرادی بهتر تحصیل کرده، به لحاظ سیاسی آگاه، و اشخاصی با زندگی اجتماعی فعال و ظرفیت بیشتر برای شکل دادن به عقاید سایر اعضای جامعه هستند.

در نتیجه، شبکه‌های اجتماعی به عنوان واسطه‌های ارتباطی عمده، ابزاری برای بسیج اجتماعی و سیاسی نیز هستند. برای مثال، در ماه مارچ 2015، زنی جوان به نام فرخنده پس از درگیری لفظی با یک مقام مذهبی مسجد شاه دوشمشیره در مرکز کابل، بدون محاکمه اعدام شد. مرگ او تقریباً بلافاصله توسط برخی از مقامات دولتی در رسانه‌های اجتماعی توجیه شد. اما یک روز بعد و پس از روشن شدن جزئیات مرگ او، صدها شهروند به نشانه اعتراض به خیابان‌های کابل ریختند که شامل تعداد زیادی از زنان می‌شد. سرعت این بسیج نسبتاً غیرمعمول، و نقش زنان و مقامات دولتی در گفتمان‌های فیسبوک‌محور در رابطه با این موضوع، نشان می‌دهد که تأثیر رسانه‌های اجتماعی در این رویداد قابل توجه بوده است. به طور مشابه، در طول انتخابات ریاست‌جمهوری 2014، رسانه‌های اجتماعی برای نخستین بار نقش مهمی به عنوان مکان مجازی مبارزات انتخاباتی و بحث‌های داغ میان حامیان نامزدان پیشرو داشتند.

رونق چشمگیر رسانه‌های اجتماعی در افغانستان، با واکنش‌های متفاوتی مواجه شده است. برخی به تأثیر توانمندسازی رسانه‌های اجتماعی برای گروه‌های اجتماعی به حاشیه رانده شده مانند جوانان و زنان اشاره داشته‌اند.<sup>1</sup> دیگران، نگرانی‌های خود را در مورد تأثیرات منفی اجتماعی و سیاسی فضای مجازی ابراز کرده‌اند که مهم‌ترین آن بهره‌برداری گروه‌های افراطی و شبه‌نظامی است. ما در این مطالعه نقش رسانه‌های اجتماعی را در بیان و انتشار ایدئولوژی‌ها و روایت‌های خشونت‌آمیز در افغانستان بررسی می‌کنیم. این مقاله با آرایه تصویری کلی از بحث‌های جاری در این زمینه آغاز شده و رویکرد خود نسبت به افراط‌گرایی و رسانه‌های اجتماعی را توضیح می‌دهد.

## 1.2. افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند ارتباطی

واژه «افراط‌گر» برای توصیف گروهی از افراد، و واژه «افراط‌گرایی» برای توصیف روندی استفاده می‌شود که افراد به عنوان موضوع آن در نظر گرفته می‌شود. چنین کاربردی می‌تواند معانی و پیامدهای بالقوه جنجال‌برانگیزی را به همراه داشته باشد.<sup>2</sup> در دوران پس از حملات تروریستی سپتامبر 2001 در ایالات

1. Joshi Herrmann, How Social Media is Empowering Young Afghan Women: The Facebook Effect, The Independent, February 10, 2015: <http://www.independent.co.uk/life-style/gadgets-and-tech/features/how-social-media-is-empowering-young-afghan-women-the-facebook-effect-10375022.html>

2. Peter R. Neumann, The Trouble with Radicalization, Chatham House, July 2013: <https://www.chathamhouse.org/publications/ia/archive/view/193091>



متحده، این عبارت به کلمه راهنما در مطالعات تروریسم و سیاست‌های مبارزه با تروریسم با تمرکز بر گروه‌ها و افراد اسلام‌گرای افراطی تبدیل شد. طبق گفته‌های کوندنانی،<sup>1</sup> در جوامع غربی «مفهوم افراط‌گرایی به مهم‌ترین مشخصه «جنگ با ترور» در سال‌های اخیر تبدیل شده و چشم‌انداز جدیدی برای مشاهده اقلیت‌های مسلمان فراهم آورده است». چنین استفاده انحصاری از این مفهوم برای گروه‌های نظامی خاص اسلام‌گرا، می‌تواند بالقوه درک از فرایندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری که افراد و گروه‌ها را به سمت ایدئولوژی‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز می‌کشاند، محدود کند.

با توجه به آنچه گفته شد، افراط‌گرایی را می‌توان برای توصیف تمایلات رفتاری و ایدئولوژی‌های متعدد در سراسر جهان به کار برد که مشخصه آنها تغییرات به سمت عدم رواداری و سطوح مختلفی از تمایل به خشونت است. در این تحقیق، افراط‌گرایی به عنوان تغییرات رفتاری و ایدئولوژیکی فعال در نظر گرفته شده است که در روابط میان افراد و گروه‌ها و در رقابت و تعامل با یکدیگر و محیط اجتماعی و سیاسی‌شان رخ می‌دهد. در نتیجه، تأکید این مقاله بر ابعاد درون‌گروهی افراط‌گرایی است و قسماً از کارهای دلا پورتا<sup>2</sup> برای بررسی افراط‌گرایی به عنوان یک «فرایند ارتباطی» که بر چگونگی نگرش افراد و گروه‌ها به یکدیگر تأثیر می‌گذارد، استفاده شده است. افراط‌گرایی یک «فرایند ارتباطی» است؛ چراکه همیشه حداقل دو عامل در نوعی از «روابط ناسازگار» در آن دخیل هستند. بنابراین، افراط‌گرایی به عنوان توصیفی از «روابط ناسازگار»، زمانی رخ می‌دهد که طرف‌های درگیر به شکلی فزاینده نسبت به یکدیگر ناپردبار و متعصب شده، رویکردهایی غیر قابل انعطاف را توسعه داده، و برای دفاع از موضع خودشان آماده انجام رفتارهای خشونت‌آمیز باشند.

در این رهیافت گسترده، تمامی اشکال گروه‌ها و کنش‌گران - شامل بازیگران دولتی و غیردولتی، چپ، لیبرال، محافظه‌کار و همچنین گروه‌های سکولار و مذهبی - ممکن است افراط‌گرایی را در روابط و تعاملات خود با یکدیگر و محیط سیاسی و اجتماعی گسترده‌ترشان تجربه کنند. یک برداشت کلیدی از این رویکرد، این است که گروه‌های تندرو با انگیزه‌های مذهبی، تنها یکی از انواع این پدیده‌اند؛ اگرچه این گروه‌ها موضوع عمده مباحث سیاسی و دانشگاهی جاری هستند. بنابراین، در حالی که تمرکز ما بر جریان‌های افراط‌گرایی است که ادعا می‌کنند انگیزه‌های دینی دارند، تعریفی که ما پذیرفته‌ایم می‌تواند به دیگر

---

1. Arun Kundnani, 'Radicalization: The Journey of a Concept', *Race & Class*, 2012:

<http://rac.sagepub.com/content/54/2/3.short?rss=1&ssource=mfr>

2. Della Porta, 'Guest Editorial: Processes of Radicalization and De-Radicalization', *International Journal of Conflict and Violence*, 2012: <http://ijcv.uni-bielefeld.de/index.php/ijcv/article/view/266>

گروه‌هایی که انگیزه‌هایشان از دیگر انواع جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها برخاسته است نیز توسعه یابد.

فرایندها و مسیرهای مشخصی که منتهی به افراط‌گرایی می‌شوند، هنوز مورد بحث و بررسی قرار دارند. با این وجود، افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند، مستلزم برخی از ویژگی‌های مشترک فراگیر است. این فرایند با «تغییری شناختی» آغاز می‌شود که به معنای جذب افراد و گروه‌ها به دیدگاه‌های افراطی، ناروادار و خشن است که می‌تواند به تغییراتی رفتاری بیانجامد که مشخصه آن گرایش به سمت روش‌ها و استراتژی‌های خشن است. به عبارت دیگر، این فرایند با تغییر در پندار (تغییر عقیده) آغاز شده، با تغییر در گفتار (بیان و تبلیغات) ادامه یافته و ممکن است به کردار (رفتارهای خشونت‌آمیز) ختم شود. برای مثال، افراط‌گرایی در میان دانشجویان افغانستان با تغییر مباحث معمول دانشگاهی در کلاس درس به سوی انواع فعالیت‌ها و اعتراضات به عنوان گروه‌های دانشجویی در تعامل با یکدیگر، اعضای هیئت مدیره و هیئت عملی دانشگاه، و محیط اجتماعی و سیاسی وسیع‌تر در کشور توصیف می‌شود.<sup>1</sup>

افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند، در سه سطح اتفاق می‌افتد: فرد، گروه، توده‌ها. این سطوح مختلف افراط‌گرایی در ترکیب با یکدیگر هرمی را تشکیل می‌دهند که در قسمت پایین آن ممکن است گروه‌ها و افراد زیادی با پندار، به معنای اعتقادات و احساسات مشترک وجود داشته باشند؛ اما تعداد نسبتاً اندکی از آنها به رأس هرم می‌رسند؛ جایی که آنها آمادگی اقدامات لازم برای حمایت از اعتقادات مشترکشان را پیدا می‌کنند. از این رو، جنبه‌های کردار و پندار افراط‌گرایی، رأس و پایه هرم را تشکیل می‌دهند و تعداد زیادی از گروه‌ها و افراد در بخش میانی قرار دارند که افراط‌گرایی را در سطح گفتار یا تنها واژه‌ها تجربه می‌کنند. نکته اصلی آنجاست که افراط‌گرایی یک خصوصیت ذاتی، ضروری و دایمی در افراد و گروه‌ها نیست و آنها ممکن است از طریق تعاملات با محیط اطرافشان، افراط‌گرا یا غیرافراط‌گرا شوند و به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های دیگر گروه‌ها واکنش نشان بدهند.

بنابراین، سؤال اصلی این است که چه چیزی افراد را برای حرکت از پایه هرم تا رأس آن، یعنی حرکت از پندار افراطی به کردار افراطی، برمی‌انگیزد. مک کالی و موسکالکو<sup>2</sup> تعدادی از مکانیسم‌های تاثیرگذار در این حرکت را نشان می‌دهند:

- 
1. Robert Zaman & Abdul Ahad Mohammadi, Trends in Student Radicalization across University Campuses in Afghanistan, Afghan Institute for Strategic Studies, Kabul, 2014: <http://www.aiss.af/wp-content/uploads/2015/09/English-version-Trends-in-Radicalization-across-Unregistered-Madrassas-in-Afghanistan.pdf>
  2. Clark McCauley & Sophia Moskalenko, 'Mechanisms of Political Radicalization: Pathways towards Terrorism', Taylor Francis Online, 2008: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550802073367>

جدول 1: سطوح و مکانیسم‌های منشأ افراط‌گرایی (مک کالی و موسکالنکو، 2008)

مکانیسم‌ها	سطوح افراط‌گرایی
1. قربانی‌سازی شخصی	فرد
2. نارضایتی‌های سیاسی	
3. پیوستن به یک گروه رادیکال - شیب لغزنده	
4. یک گروه رادیکال - قدرت عشق	
5. تغییر نهایی در گروه‌های هم‌فکر	گروه
6. حداکثر انسجام تحت انزوا و تهدید	
7. رقابت برای حفظ پایگاه پشتیبانی	
8. رقابت با تراکم قدرت دولت	توده‌ها
9. رقابت‌های درون‌گروهی	
10. سیاست جوجیتسو	
11. نفرت	

در سطح ابتدایی، افراط‌گرایی احساس قربانی شدن و نارضایتی سیاسی در پی دارد که تصور می‌شود افراد و گروه‌های دیگر مسئول آن باشند. بالقوه‌گی (دینامیک) این روند زمانی تغییر می‌کند که افراد به گروه‌های افراطی می‌پیوندند یا گروه‌های جدیدی تشکیل می‌دهند. زمانی که گروه‌ها شکل می‌گیرند، بالقوه‌گی‌های (دینامیک‌های) جدیدی روند افراط‌گرایی را پیش می‌برند. عضویت در گروه بخشی از هویت اعضا و منبع عشق و احساس تعلق جمعی می‌شود. گروه‌ها بر اعضا برای هم‌نوایی و پیروی از هنجارها و آرمان‌های خود و غلبه بر رقابت‌ها و شکاف‌های داخلی فشار می‌آورند. ظاهراً گروه‌ها ممکن است در واکنش به تهدیدات از سوی دولت یا کنش‌گران دیگر نیز به افراط‌گرایی رو بیاورند. گاهی گروه‌ها ممکن است در سیاست مبارزه «جوجیتسو» درگیر شوند که بر اساس آن، عمداً دولت را به واکنشی برمی‌انگیزند که در بخش‌های وسیعی از جامعه ناراحتی ایجاد کند؛ و در نتیجه تعداد هواداران و طرفداران گروه را افزایش می‌دهند. گروه‌ها در افراطی‌ترین حالت آن، به ایدئولوژی‌های نفرت و از خودگذشتگی متوسل می‌شوند؛ همان طور که افزایش اخیر در حملات انتحاری توسط بسیاری افراد گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، القاعده و داعش نشان داده است.

در شرایط افغانستان، ترکیب‌های مختلفی از این مکانیسم‌ها می‌تواند در موج جدیدی از افراط‌گرایی و

خشونت‌های افراطی که پس از حمله به رهبری آمریکا در سال 2001 رخ داد، به کار گرفته شود. این تحقیق در درجه اول متمرکز بر گفتار و جنبه استدلالی افراط‌گرایی و بیان روایت‌های گسترده استراتژیک شامل شناسایی نارضایتی‌ها و مشکلات و نیز اقدامات پیشنهادی از جمله افراطی‌ترین اشکال رفتارهای رادیکال مانند حملات انتحاری می‌شود. روایت‌های استراتژیکی که ایدئولوژی‌های با انگیزه مذهبی را با نارضایتی‌ها و سرخوردگی‌های فردی و جمعی نسبت به دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی‌اش ترکیب می‌کنند؛ برای مقاومت نیروهای شبه‌نظامی در افغانستان پس از 2001 و توانایی آنها برای حفظ یک پایگاه پشتیبانی اهمیت مرکزی دارند. همان‌طور که در جدول 2 آمده است، در این مقاله میان گفتار و کردار افراط‌گرایانه، تمایزی وجود دارد. کردار افراطی با شورش‌های مسلحانه گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، شبکه حقانی و جناح ستیزه‌جوی حزب اسلامی در برابر دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین‌المللی‌اش نشان داده شده است. در سطح گفتار، افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند، توسط روایت‌های سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیک بیان‌شده از سوی دیگر گروه‌ها و اشخاصی که مستقیماً در شورش‌های مسلحانه دخالت ندارند، تسهیل می‌شود.

جدول 2: سطوح و ویژگی‌های افراط‌گرایی در افغانستان پس از سال 2001

ویژگی‌های رفتارها و روایت‌های افراط‌گرایانه	درجه‌های افراط‌گرایی
<ul style="list-style-type: none"> <li>✓ مخالفت ایدئولوژیکی با روندهای سیاسی صلح‌آمیز و دموکراتیک مدرج در قانون اساسی 2004</li> <li>✓ روایت‌هایی از قربانی شدن مردم افغانستان توسط نیروهای نظامی بین‌المللی و دولت افغانستان</li> <li>✓ آمادگی‌های رفتاری برای انجام اقدامات خشونت‌آمیز و خراب‌کارانه برای براندازی نظم سیاسی در کشور</li> <li>✓ عدم رواداری نسبت به وجود و ابراز دیدگاه‌های جایگزین توسط دیگر گروه‌های اجتماعی و سیاسی که روایت‌های شورشیان را به اشتراک نمی‌گذارند.</li> </ul>	<p>گفتار افراطی (گسترش و تبیین یک ایدئولوژی افراطی)</p> <p>رفتار افراطی (آمادگی برای عمل خشن)</p>

در نتیجه، در رأس هرم افراط‌گرایی افغانستان پس از 2001، طالبان، حزب اسلامی، القاعده و اخیراً داعش قرار دارند. با این حال، ممکن است دیگر گروه‌ها و افراد نیز با ترویج دیدگاه‌های خشونت‌آمیز، افراطی و ناروادارانه و بدون دخالت مستقیم در شورش مسلحانه، به فرایند افراط‌گرایی کمک کنند. از این رو، افراط‌گرایی همچنین می‌تواند از کار گروه‌هایی در پایین هرم که باعث افزایش همدردی و حمایت مردم نسبت به گروه‌های ستیزه‌جو و مسلح هستند نیز بهره‌مند شود.

## 2.2. رسانه‌های اجتماعی به عنوان یک ابزار سریع و فوری، تعاملی و شخصی ارتباطی

مدت‌های طولانی است که گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، در فضای مجازی به عنوان یک میدان جنگ جدید دخیل شده‌اند. در افغانستان، طالبان از فرصتی که در سال‌های اخیر با گسترش دسترسی به اینترنت فراهم آمد برای ایجاد حضور موثر در فضای مجازی بهره جستند. ارتباطات آنلاین ایشان به حدی تأثیرگذار بود که در سال 2012 این باور وجود داشت که «آنها در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، بر نیروهای ناتو و ایالات متحده پیشی گرفته‌اند».<sup>1</sup> طالبان حتی مشخصاً یک «کمیسیون رسانه‌ها» ایجاد کرد که وظیفه نظارت و هماهنگی مبارزات اطلاعاتی آنلاین این گروه را که شامل چندین وبسایت، حساب‌های فیسبوک و تویتر و کانال‌های یوتیوب است، بر عهده دارد.<sup>2</sup>

اخیراً گروه شبه‌نظامی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، استراتژی ارتباطی مجازی اتخاذ کرده است که به شکل ویژه‌ای تهاجمی و پیچیده است. بر اساس گزارشی در رابطه با راهبرد تهاجمی مجازی این گروه که بر اساس ارزیابی داخلی توسط وزارت امور خارجه آمریکا در جون 2015 انجام شده است، «روایت‌های خشونت‌آمیز «دولت اسلامی» - که روزانه از طریق هزاران پیام اعلام می‌شود - به شکل قابل توجهی از تلاش‌های برخی از ثروتمندترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان «سبقت گرفته است».<sup>3</sup> مرکز بروکینگز برای سیاست شرق میانه، تخمین زده است که بین 4 اکتبر و 27 نوامبر 2014، داعش حداقل 46000 حساب در تویتر داشته است.<sup>4</sup>

بسیاری از ابراز نگرانی‌ها در مورد استفاده گروه‌های شبه‌نظامی از رسانه‌های اجتماعی، اغلب در انعکاس ویژگی‌های خاص استراتژی‌های سایبری ستیزه‌جویان، و اینکه آیا/ چگونه گروه‌های شبه‌نظامیان در بهره‌برداری از پایگاه‌های مجازی بر دیگران برتری دارند، ناکام می‌مانند. در حالی که رایه تعریف دقیقی از رسانه‌های اجتماعی همچنان مورد بحث قرار دارد،<sup>5</sup> ما بر جنبه‌های فوری، تعاملی و شخصی بودن آن به عنوان مجرای ارتباطات جمعی تأکید داریم. به نظر اعوان<sup>6</sup>، رسانه‌های مجازی جهادی‌ها، چهار عملکرد

---

1. Bill Gertz, Inside the Ring: Taliban infiltrate social media, The Washington Times, August 22, 2012:

<http://www.washingtontimes.com/news/2012/aug/22/inside-the-ring-taliban-inflate-social-media/?page=all>

2. Bashir Ahmad Gwakh, The Taliban's Internet Strategy, Radio Free Europe Radio Liberty, September 9, 2011:

[http://www.rferl.org/content/the\\_talibans\\_internet\\_strategy/24323901.html](http://www.rferl.org/content/the_talibans_internet_strategy/24323901.html)

3. Mark Mazzetti & Michael R. Gordon, ISIS Is Winning the Social Media War, U.S. Concludes, The New York Times, June 12, 2015: [http://www.nytimes.com/2015/06/13/world/middleeast/isis-is-winning-message-war-us-concludes.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2015/06/13/world/middleeast/isis-is-winning-message-war-us-concludes.html?_r=0)

4. J. M. Berger & Jonathan Morgan, The ISIS Twitter Census: Defining and Describing the Population of ISIS Supporters on Twitter, Brookings, March 2015: <http://www.brookings.edu/research/papers/2015/03/isis-twitter-census-berger-morgan>

5. Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayes, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>

6. Akil N. Awan, Radicalization on the Internet? The Virtual Propagation of Jihadist Media and its Effects, RUSI, June 2007: <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A46728254DE4AE/#.VhzkAuyqpHw>

مرتبط با یکدیگر دارند: اخبار، تبلیغات، آموزش و بیان. گروه‌های جهادی از پایگاه‌های مجازی برای انتشار اخبار فعالیت‌هایشان، گسترش ایدئولوژی‌شان و به اشتراک گذاشتن دستورالعمل‌های سازمانی و آموزشی‌شان استفاده می‌کنند. در نهایت، پایگاه‌های آنلاین همچنین به عنوان مجریایی برای بیان غیرخشنوت‌آمیز خشم و سرخوردگی نیز کاربرد دارد.

اینگرام<sup>1</sup> نیز روایت تحلیلی مشابهی از اینکه چگونه جنگ اطلاعاتی داعش ارتباط تنگاتنگ و هم‌راستایی با فعالیت‌های سیاسی و نظامی آن دارد، ارائه می‌کند. او سه ویژگی خاص عملیات اطلاعاتی این گروه را شناسایی کرده است:

اول) داعش رویکردی چندبعدی نسبت به انتشار اطلاعاتش اتخاذ کرده است تا دسترسی، ارتباط و انعکاس خود را برای مخاطبان محلی، منطقه‌ای و جهانی به حداکثر برساند.

دوم) جنگ اطلاعاتی گروه داعش، هماهنگی نزدیکی با اقدامات سیاسی و نظامی واقعی آن دارد.

سوم) این عملیات اطلاعاتی به صورت استراتژیک بیانگر عمقی نمادین از روایت‌ها و اعمال گروه بوده است.<sup>2</sup>

به نظر می‌آید تمرکز بر گروه‌های خشن آگاه از تکنولوژی، دیدگاه خوش‌بینانه‌تر نسبت به تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن را که از مطالعات جنبش‌های اجتماعی مرفقی و صلح‌طلب ناشی می‌شود به حاشیه رانده است. برخلاف دیدگاه تاریخی که مطالعات سیاست‌های تروریسم و ضد تروریسم ارائه می‌دهد، محققان جنبش‌های اجتماعی بر کارکردهای توانمندسازی و رهایی‌بخش تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن تمرکز می‌کنند. برای مثال، میلان<sup>3</sup> در تکنولوژی مدرن «آتش سرقت‌شده» را که پرومته از خدایان سرقت کرد، می‌بیند که پتانسیل رهایی‌بخشی برای ایجاد «راه‌های جدید سازماندهی اجتماعی به منظور خلق جایگزین‌هایی برای رسانه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی موجود» دارد.<sup>4</sup>

چگونه می‌توان این دو دیدگاه را با هم سازگار کرد؟ یک نقطه شروع مهم این است که مکانیسم‌های غیررسمی تأثیرات اینترنت در سیاست را کشف کنیم. فارل<sup>5</sup> سه نمونه از چنین مکانیسم‌های غیررسمی گسترده را شناسایی می‌کند که از طریق آن اینترنت به شکل گسترده‌ای به قطب‌بندی‌های سیاسی در ایالات

1. Haroro J. Ingram, 'Three Traits of the Islamic State's Information Warfare', RUSI, December 2014:

<https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A54AAAB6F80360/#.VhznIOyqpHw>

2. Ibid., p. 8

3. Stefania Milan, 'Social Movements and Their Technologies Wiring Social Change', Palgrave Macmillan, London, November 2013: <http://www.palgrave.com/page/detail/social-movements-and-their-technologies-stefania-milan/?K=9780230309180>

4. Ibid, p. 9.

5. Henry Farrell, 'The Consequences of the Internet for Politics', *Annual Reviews*, 2012:

<http://www.annualreviews.org/doi/full/10.1146/annurev-polisci-030810-110815>

متحدہ کمک می‌کند: «کاهش هزینه‌های معامله»، «طبقه‌بندی هم‌رنگ» (homophilous sorting)، و «مشتبه‌سازی ترجیحات». چنین مکانیسم‌هایی همچنین می‌تواند در هر دو گروه افراطی و ستیزه‌جو و نیز صلح‌طلب و مترقی به کار گرفته شود. گسترش جهانی اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن تا حد زیادی هزینه‌های تعاملات اجتماعی را پایین آورده و برقراری ارتباط با دیگران را ارزان‌تر و سریع‌تر و سازمان‌دهی را فوری کرده است. دوم، همان گونه که در زندگی اجتماعی به طور کل دیده می‌شود، در میان کاربران اینترنت تمایل به همراه شدن در گروه‌هایی از هم‌فکران وجود دارد. این بدان معناست که اینترنت امکان تماس با یکدیگر و به اشتراک گذاشتن اطلاعات و عقاید از طریق پایگاه‌های آنلاین را برای افرادی که علایق مشترکی دارند، آسان‌تر می‌سازد. سوم اینکه اینترنت احتمال «مشتبه‌سازی ترجیحات» را که حاکی از تمایل افراد برای پنهان کردن ترجیحات واقعی خود است، کاهش می‌دهد. از آنجا که اینترنت انواع حوزه‌ها برای ابراز وجود و تسهیل جریان سریع‌تر اطلاعات را فراهم می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که افراد ترجیحات اجتماعی و سیاسی حقیقی خود را بیان کنند.

### 3. رویکرد و روش‌شناسی تحقیق

در این مطالعه، ما نقش رسانه‌های اجتماعی را به عنوان ابزار بیان و انتشار روایت‌ها و ایدئولوژی‌های افراطی بررسی کرده‌ایم. مشخصه تمایز رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزار ارتباطی، توانایی آن برای تسهیل جریان سریع، شخصی و کم‌هزینه اطلاعات است. در نتیجه، گروه‌های شبه‌نظامی و افراط‌گرا ممکن است انگیزه مهمی برای بهره‌برداری از این ویژگی‌های رسانه‌های اجتماعی برای نادیده گرفتن کنترل مقررات رسمی، و انتقال پیام‌هایشان به مخاطبان گسترده‌تر داشته باشند.

این تحقیق در 15 فروری 2015 آغاز شده و در 31 جولای 2015 به پایان رسید. این مطالعه در ابتدا با یک‌سری از مشورت‌های فردی و گروهی با مشاوران علمی AISS و تحصیل‌کردگان، سازمان‌های جامعه مدنی و پژوهش‌گران افغانستان شروع شد. مهم‌ترین آنها دو میزگردی بودند که در کابل برگزار شدند. نخستین میزگرد در 15 مارچ 2015 در کابل برگزار شد که هدف اصلی آن، رایه مفاهیم و روش‌های اولیه تحقیق به گروهی از کارشناسان افغان و بین‌المللی و دریافت نقطه‌نظرات آنان در رابطه با جهت کلی و رویکرد روش‌شناختی این تحقیق بود. نقطه‌نظرات و پیشنهادات ارائه‌شده توسط شرکت‌کنندگان برای روشن‌سازی و بهبود بخشیدن به مفهوم کلی تحقیق استفاده شدند. میزگرد دوم در تاریخ 20 سپتامبر 2015 در کابل برگزار شد. در جریان این میزگرد، تیم تحقیقاتی یافته‌های تحقیق را ارائه کرده و از شرکت‌کنندگان درخواست کردند تا با

نگاهی نقادانه جنبه‌های مختلف این یافته‌ها را مورد بررسی قرار داده و نظرات بیشتری در رابطه با اینکه این یافته‌ها چگونه تفسیر می‌شوند، ارایه دهند. تیم پروژه همچنین از این فرصت برای پرسیدن سؤالاتی از شرکت‌کنندگان و تحلیل‌گران اجتماعی در رابطه با کمبودها و نقاط مبهم این تحقیق استفاده کردند. در ابتدا، تیم تحقیق ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را در نظر گرفت؛ اما پس از پروسه‌های مشورتی تصمیم گرفته شد تا به دو دلیل، رویکردی کیفی روی دست گرفته شود:

اول) از آنجا که این اولین مطالعه از نوع خود در افغانستان است، معلوم شد که هیچ آمار و ارقام قابل اعتمادی از کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد که ما بتوانیم نمونه‌ای برای تحقیق خود برگزینیم. از این رو، در انتخاب یک نمونه مناسب برای مطالعه کمی، ما به مشکلات معمول در پژوهش‌های آنلاین برخوردیم که نتیجه عدم «سرشماری جمعیت» است.<sup>1</sup> مشکل انتخاب یک نمونه الگو در بررسی‌های اولیه ما از حساب‌های شبکه‌های اجتماعی گروه‌های افراط‌گرا آشکار شد؛ چراکه یا امکان ارتباط دادن بیشتر حساب‌ها به گروه‌های مشخص وجود نداشت یا صفحات به طور منظم حذف می‌شدند؛ یا بار دیگر زیر نام‌های مختلفی ایجاد می‌گردیدند.

دوم) همچنان فیصله شد که یک مطالعه کیفی اولیه می‌تواند به شناسایی گرایش‌ها و موضوعات اصلی که در نتیجه می‌توانند در مطالعات کمی مورد استفاده قرار گیرند، کمک کند. در نتیجه، این مطالعه به دنبال تولید ارقام کمی جدیدی در مورد افراط‌گرایی و رسانه‌های اجتماعی در افغانستان نیست؛ بلکه هدف آن دستیابی به دو هدف مشخص است: نخست اینکه آیا / چگونه روایت‌های افراطی از طریق رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و دوم اینکه چگونه کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی به این روایات پاسخ می‌دهند. ما برای دستیابی به این اهداف از روش‌های ذیل استفاده کردیم:

الف) نظارت و بررسی شماری از حساب‌های رسمی گروه‌های افراطی ملهم از مذهب در رسانه‌های اجتماعی.

ب) جمع‌آوری و تحلیل شمار منتخبی از ترانه‌های طالبان که در بین مردم به عنوان زنگ تلفن همراه استفاده شده است.

ج) 72 مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی به شمول خبرنگاران، فعالان رسانه اجتماعی، مقامات دولتی، محققان، اساتید دانشگاه، دانشجویان و دیگر مقامات مربوطه، در چهار شهر کابل، جلال‌آباد، هرات و مزار شریف. در بخش بعدی جزئیات بیشتر درمورد این روش‌ها ارائه می‌شود.

---

1. Jennifer Earl, 'Studying Online Activism: The Effects of Sampling Design on Findings', Mobilization, 2013: <http://www.mobilization.sdsu.edu/articleabstracts/184Earl.html>



### 1.3. بررسی و تحلیل مطالب رسانه‌های اجتماعی

بین 15 فروری 2015 تا 31 جولای 2015، تیم تحقیق بر محتوای تعدادی از پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی در افغانستان نظارت کرده است. بنا بر تمرکز خاص این پروژه بر محرک‌های افراط‌گرایی اسلامی، این تیم بر پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی افراد و گروه‌های الهام‌گرفته از مذهب تمرکز کرد، مانند: طالبان (فیسبوک، تویتر، یوتیوب)؛ حزب اسلامی افغانستان (فیسبوک، تویتر، یوتیوب)؛ حزب‌التحریر (فیسبوک، تویتر، یوتیوب)؛ جمعیت اصلاح (فیسبوک، تویتر، یوتیوب)؛ و علما (پیام فیلم، راشد مسلم، خراسان طاغوت‌شکن (یوتیوب)).

تیم تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری «گلوله برفی»، با انتخاب هدفمند حساب‌های رسانه‌های اجتماعی از اشخاص و سازمان‌های فعال و برجسته آغاز کرد. لیست اولیه با دنبال کردن محتویات به اشتراک گذاشته‌شده و ارتباطات در پایگاه‌های آنلاین برای شناسایی و پی‌گیری حساب‌های رسانه‌های اجتماعی گروهی از دیگر سازمان‌ها و اشخاص مورد استفاده قرار گرفت.

فهرست ابتدایی شامل حساب‌های رسمی رسانه‌های اجتماعی طالبان، حزب اسلامی، جمعیت اصلاح، حزب‌التحریر افغانستان و تعدادی دیگر از افراد و سازمان‌های کمتر شناخته شده بود؛ این مهم است که تأکید کنیم جناح نظامی حزب اسلامی و طالبان به طور فعال در شورش‌های مسلحانه علیه دولت افغانستان درگیر هستند. در مقابل، جمعیت اصلاح سازمانی است که به طور رسمی در دولت افغانستان ثبت شده و هیچ ارتباط شناخته‌شده‌ای با شورشیان ندارد. حزب‌التحریر افغانستان یک نهاد قانونی نیست، اما بر تعهد خود نسبت به اقدام‌های سیاسی و اجتماعی غیرخشونت‌آمیز تأکید دارد. همان گونه که در ادامه نشان داده خواهد شد، اگرچه این سازمان‌ها به شکل قابل‌ملاحظه‌ای در طیف گسترده‌ای از مسایل به شمول دیدگاه‌شان نسبت به شورش‌های مسلحانه تفاوت دارند؛ با این حال آنها همچنان در روایت‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود شباهت‌های مهمی با یکدیگر دارند.

در طی روند بررسی، مشاهده شد که چگونه این گروه‌ها و فعالان به مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جاری در افغانستان و خارج از آن پاسخ می‌دهند یا سکوت اختیار می‌کنند. تیم تحقیق، صفحات فیسبوک، حساب‌های تویتر و کانال‌های یوتیوب گروه‌های فعال برجسته اسلام‌گرا را دنبال کرده است. این بررسی با سؤال مشخص هدایت شده است. نخست، تیم تحقیق صفحات آنها را به طور روزمره برای شناسایی مسایل مذهبی، سیاسی یا اجتماعی یا حوادث جاری که مورد بحث قرار می‌گیرند و روایت‌های ایدئولوژیک و

سیاسی که مطرح و تبلیغ می‌شوند، پی‌گیری کرد. دوم، تیم تحقیق به این پرسش پرداخت که آیا راهکارها و استراتژی‌های پیشنهاد شده آنها برای مقابله با مشکلات، از خشونت طرفداری می‌کند؟

### **3.2. جمع‌آوری و تحلیل شمار منتخبی از ترانه‌های طالبان که به عنوان زنگ تلفن همراه استفاده شده است**

در این بخش از تحقیق، نمونه‌ای از ترانه‌های محبوب طالبان که اکثراً در مناطق روستایی افغانستان به عنوان زنگ تلفن موبایل استفاده شده اند، بررسی شده است. این ترانه‌ها در این مناطق به صورت بلوتوث اشتراک‌گذاری شده اما همچنان در صفحات متعدد رسانه‌های اجتماعی نیز در دسترس اند. در این بخش به این سؤال پرداخته می‌شود که چگونه طالبان از این ترانه‌ها برای تبلیغ علیه دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی‌اش و نیز برای افزایش همدلی نسبت به جنبش خود در بین مردم استفاده می‌کند.

### **3.3. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته**

برای تکمیل تجزیه و تحلیل محتویات مطالب آنلاین و آهنگ‌های زنگ، 72 مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در شهرهای کابل، مزار شریف، هرات و جلال‌آباد انجام دادیم. این مصاحبه‌ها در طول ماه اگست و جولای 2015 انجام شدند و هدف آنها جمع‌آوری نمونه جامعی از برداشت‌ها و دیدگاه‌ها در رابطه با محتویات و نقش رسانه‌های اجتماعی در افغانستان بود. سوالات مصاحبه در مشورت با مشاوران علمی AISS طرح شده بودند و پیش از آنکه به پژوهش‌گران ساحوی AISS فرستاده شوند، در 10 مصاحبه اولیه در کابل و جلال‌آباد آزمایش شده بودند. پاسخ‌دهندگان از میان کاربران فعال شناخته‌شده رسانه‌های اجتماعی، مقامات دولت افغانستان، دانشگاهیان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و فعالان جامعه مدنی انتخاب شده بودند.

### **4. یافته‌های مطالعه**

#### **4.1. اهداف و تاکتیک‌های گروه‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی شناسایی شدند.**

به طور کل، گروه‌ها و افراد از رسانه‌های اجتماعی به دو شیوه استفاده می‌کنند:

اول) آنها از رسانه‌های اجتماعی برای توزیع و به‌اشتراک‌گذاری موادی از منابع قدیمی‌تر آنلاین مانند وبسایت‌ها که توسط گروه‌های سازمان‌یافته اداره می‌شوند، استفاده می‌کنند. مقالات و تفسیرهای منتشرشده توسط فعالان و وبسایت‌های گروه‌های شبه‌نظامی از طریق پروفایل‌های رسمی آن سازمان‌ها در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شوند.

دوم) اعضای منفرد یا هواداران این سازمان‌ها از حساب‌های شخصی خود برای به اشتراک گذاری مطالب سازمان‌های‌شان استفاده می‌کنند و اغلب اظهار نظرهای شخصی خود را نیز شامل می‌کنند.

پی‌گیری گروه اول ساده‌تر است؛ چراکه آنها دیدگاه‌ها و مواضع سازمان‌ها را به شکلی منظم ارایه می‌دهند. با این حال، به نظر می‌آید به اشتراک گذاری مطالب آنلاین توسط اعضا یا هواداران، تأثیر دوجانبه‌ای داشته باشد: از یک سو باعث می‌شود تا آن مطالب در دسترس مخاطبان گسترده‌تری قرار داده شود؛ اما از سوی دیگر، نشان‌دهنده هوادارانی است که تعهد ضعیف یا اندکی با سازمان‌های اصلی دارند. برای منظور این مطالعه، این امر می‌تواند بدان معنا باشد که تعداد قابل توجهی از کاربران رسانه‌های اجتماعی ممکن است گاهی اوقات برخی از مطالب سازمان‌های ستیزه‌جو را بدون تعهد فعال و طولانی‌مدت به اهداف گسترده‌تر و ایدئولوژی‌های آنان، به اشتراک بگذارند.

در نتیجه، مهم است که تمایزی میان اهداف و انگیزه‌های سازمان‌های شبه‌نظامی و سازمان‌ها و فعالان صلح‌جو در استفاده‌های‌شان از رسانه‌های اجتماعی قایل شویم. گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان، از رسانه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از استراتژی‌های نظامی و سیاسی‌شان استفاده می‌کنند؛ در حالی که سازمان‌های صلح‌طلبی مانند جمعیت اصلاح، رسانه‌های اجتماعی را به عنوان بخشی از استراتژی‌های خود برای تغییرات اجتماعی و فرهنگی صلح‌آمیز به کار می‌گیرند. در مجموع، یافته‌های این تحقیق حاکی است که گروه‌های شبه‌نظامی، رسانه‌های اجتماعی را برای طیف گسترده‌ای از اهداف، شامل انتشار خبرهای مبارزات سیاسی و نظامی، تضعیف روحیه و مشروعیت‌زدایی از دولت افغانستان و دیگر رقبای غیردولتی، تجلیل از جهاد و مجاهدین و انتشار روایت‌هایی از قربانی شدن مسلمان‌ها به طور کل و مردم افغانستان به طور خاص، استفاده می‌کنند.

شیوه‌ها و اهدافی که این گروه‌های شبه‌نظامی در رسانه‌های اجتماعی به کار می‌برند، در طول اشغال شهر شمالی قندوز توسط طالبان در 28 سپتامبر 2015، آشکارتر شد. بیشتر از یک هفته قبل از حمله، طالبان از رسانه‌های اجتماعی برای پخش اخبار یک «پیروزی بزرگ» و یک «غافل‌گیری» بزرگ استفاده می‌کردند. طبق گزارش‌ها، پس از آنکه طالبان کنترل شهر را به دست گرفتند، یکی از فرماندهان طالبان از رسانه‌های اجتماعی برای صدور دستورالعمل‌ها به زیردستانش در رابطه با اشغال بیمارستان‌ها در این منطقه، استفاده کرده بود.<sup>1</sup> اخبار سقوط شهر نیز در ابتدا از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. شبه‌نظامیان طالبان

---

1. Borhan Osman, The Fall of Kunduz: What does this tell us about the strength of post-Omar Taliban?, Afghanistan

عکس‌های سلفی خود با داکتران بیمارستان‌های شهر و در میدان‌ها و ساختمان‌های بزرگ منتشر کردند. اخبار سقوط شهر فوراً با عکس‌های منتشرشده از طریق رسانه‌های اجتماعی، در کشور پخش شد؛ و غلبه طالبان بر شهر قندوز را برای جمعیت شهری این کشور، تبدیل به یک حقیقت کرد.<sup>1</sup> انتشار جهانی عکس‌ها و متن‌های مربوط به فروپاشی یک شهر بزرگ افغانستان از طریق فیسبوک و تویتر، نقش مهمی در انتقال مواد منبع اولیه مرتبط با این رویداد داشت. اخبار سقوط قندوز با پیام‌های فوری از طریق رسانه‌های اجتماعی گسترش یافته و برای جمعیت شهری این کشور ثابت شد که سقوط مراکز اصلی این شهر به دست طالبان، یک واقعیت بوده است.



تصویر 1: یک توییت پست‌شده توسط ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در رابطه با اشغال شهر قندوز توسط طالبان

یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد که گروه‌های شبه‌نظامی از تاکتیک‌های خاصی در مبارزات خود در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. این تاکتیک‌ها، استفاده از کلیشه‌های جنسیتی، ایجاد حساب‌های ناشناس متعدد و به‌رسمیت‌شناسی فردی برای مشارکت اعضا در عملیات‌های نظامی را شامل می‌شود.

Analysts Network, September 30, 2015, <https://www.afghanistan-analysts.org/the-fall-of-kunduz-what-does-it-tell-us-about-the-strength-of-the-post-omar-taliban/>

1. آصف معروف، جبهه جنگ تبلیغاتی طالبان، بی‌بی‌سی فارسی، 2 اکتبر 2015  
[http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/10/151002\\_taliban\\_propaganda\\_war\\_asif\\_marooof](http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/10/151002_taliban_propaganda_war_asif_marooof)

مشخص شد که گروه‌های شبه‌نظامی (در بخش ترانه‌های طالبان ببینید) بر ویژگی‌های کلیشه‌ای مردانه مانند شجاعت و فداکاری با هدف استخدام نیرو استفاده کرده؛ و کسانی که پیوستن به صفوف آنها را رد می‌کنند، به صفت‌های کلیشه‌ای زنانه مانند بزدلی ارتباط می‌دهند. در مقایسه، گروه‌های غیرستیزه‌جو مانند جمعیت اصلاح، بیشتر نگران تأثیرات فرهنگی سکولار و غربی هستند که ممکن است روابط جنسیتی را در کشور تغییر بدهد (زیر عنوان «نگرانی‌های اجتماعی - فرهنگی» ببینید).

در جریان این تحقیق معلوم شد که شبه‌نظامیان و نیز گروه‌های غیرستیزه‌جو به طور گسترده‌ای از ناشناس‌بودن به عنوان یک تاکتیک استفاده می‌کنند. حساب‌های ناشناس که توسط پاسخ‌دهندگان به عنوان حساب‌های «جعلی» نیز توصیف شدند، عمدتاً به دو صورت هستند:

اول) کاربر، حسابی تحت یک نام معمولی و بدون عکس یا دیگر اطلاعات شخصی ایجاد می‌کند.

دوم) بسیاری از کاربران از عناوین کلی، مبهم و غیر قابل شناسایی، استفاده می‌کنند؛ مانند صفحه فیسبوک «خواهران مسلمان»<sup>1</sup> که پیام‌های اسلامی را با تمرکز بر تفسیر خاصی از زن مسلمان ایده آل، منتشر می‌کند.

نمونه‌های دیگری از این حساب‌ها: «تنظیم اسلامی زنان افغانستان»<sup>2</sup> یا «مجاهد افغان»<sup>3</sup> هستند. برخی از حساب‌ها از عناوینی استفاده می‌کنند که در واقع اظهار نظرهایی ایدئولوژیک هستند؛ مانند صفحه فیسبوک «دموکراسی نظام کفری» که ظاهراً توسط حامیان حزب التحریر در افغانستان اداره می‌شود.<sup>4</sup> در سپتامبر 2015، تعدادی از سیاست‌مداران افغانستان مدعی شدند که عناصر خارجی با منافع ملی افغانستان بازی می‌کنند. یکی از سناتوران ادعا کرد که 8000 حساب جعلی در رسانه اجتماعی به منظور ترویج تفرقه‌افکنی و مناقشه قومی و مذهبی در افغانستان ایجاد شده است.<sup>5</sup>

سومین تاکتیک مهم، مربوط به استفاده یکی از ویژگی‌های رسانه‌های اجتماعی یعنی اشتراک‌گذاری تصاویر می‌شود، چنانکه تصاویر اعضای برجسته سازمان یا کسانی که در نبرد با نیروهای امنیتی افغان و بین‌المللی کشته می‌شوند همراه با یادداشت‌های ضمیمه، به منظور به رسمیت‌شناساندن آنها به عنوان قهرمان به اشتراک گذاشته می‌شود (به مورد عظیم‌خان در ادامه ببینید). در حالی که فرایند انگیزه‌بخشی به افراد برای

1. خواهر مسلمان، صفحه فیسبوک، دیده‌شده در 6 اکتبر 2015.

2. تنظیم اسلامی زنان افغانستان، صفحه فیسبوک، دیده‌شده در 6 اکتبر 2015.

3. مجاهد افغان، صفحه توئیتر، (دیده‌شده در 6 اکتبر 2015)

4. دموکراسی نظام کفری، صفحه فیسبوک، دیده‌شده در 22 جولای 2015.

5. نداء، مخالفان با ایجاد صفحات جعلی در فیسبوک میان افغان‌ها تفرقه‌اندازی می‌کنند، رادیو آزادی، 7 اکتبر 2015.

<http://da.azadiradio.org/content/article/27292802.html>

پیوستن به گروه‌های شبه‌نظامی شامل عوامل شخصی و اجتماعی متعددی می‌شود، معرفی شخصی و به‌رسمیت‌شناختن قهرمانان و ارزش قایل‌شدن برای فداکاری اعضا، به معنای ایجاد نقش نمونه‌ای است که دیگر اعضا می‌توانند به شیوه‌ای شخصی با آن رابطه برقرار کنند.



تصویر 2: یک حساب جعلی فیسبوک به نام «دموکراسی نظامی کفری» که بیان می‌کند جنگ امریکا علیه اسلام است نه تروریسم

#### 4.2. روایت‌های اصلی که از طریق رسانه‌های اجتماعی در افغانستان بیان می‌شوند

نقش رسانه‌های اجتماعی محدود به جنگ اطلاعاتی در جریان یک واقعه مشخص از درگیری‌های مسلحانه مانند اشغال قندوز توسط طالبان در 28 سپتامبر نمی‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی است که رسانه‌های اجتماعی برای بیان روایت‌های گسترده سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی فرهنگی نیز استفاده می‌شود که حمایت اخلاقی و توجیه سیاسی مورد نیاز را برای شورش و دیگر اشکال خشونت فراهم می‌کند. در بررسی این روایت‌های گسترده، شباهت‌ها و تفاوت‌های مهمی میان گروه‌های اسلام‌گرای صلح‌طلب و ستیزه‌جو مشاهده شد. برعکس تمرکز نظامی گروه‌هایی مانند طالبان، گروه‌های صلح‌طلب بیشتر بر روایت‌هایی از تأثیرات اجتماعی و فرهنگی خارجی در دوره پس از 2001 تمرکز دارند. هر دو گروه به روایت مشابهی تأکید می‌کنند؛ اما تمرکز اولی بر نفوذ سیاسی و نظامی خارجی‌ها است، در حالی که دومی از تأثیرات منفی فرهنگ‌های بیگانه می‌گوید.

بررسی حساب‌های رسانه‌های اجتماعی، مسایل مهم و امور جاری که بیشتر در افغانستان مورد بحث قرار می‌گیرند را مشخص کرد. در مجموع، 124 گزاره که طیفی گسترده از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و

اجتماعی جامعه افغانستان را پوشش می دهند، استخراج شدند. 5 دسته بندی که در ادامه می آید، مضمون غالب مباحث در حساب های مورد بررسی را تشکیل می دهند:

1. مشروعیت و اعتبار دولت افغانستان.
2. حضور نیروهای خارجی در افغانستان، توافق نامه امنیتی دوجانبه (BSA) با ایالات متحده و تلفات افراد ملکی.
3. مسایل اجتماعی - فرهنگی: تأثیر فرهنگ خارجی، نقش زنان و ماهیت جامعه مدنی در افغانستان.
4. استراتژی ها برای کنش نظامی و سیاسی: جنگ، جهاد و بمب گذاری های انتحاری.
5. امور امت اسلامی.

تحلیل مطالب آنلاین، به کشف روایت های افراطی عمده ای که جنبه های گفتاری یا استدلالی افراط گرایی را تشکیل می دهند، کمک کرد. این روایات در رابطه با جنبه های مشخصی از حوادث و مسایل جاری بیان شده اند. اگرچه تمرکز اولیه تحلیل این مطالب، جنبه های گفتاری افراط گرایی بود، اما این بررسی به فهم جنبه های رفتاری افراط گرایی با اشاره به راه حل ها و استراتژی های پیشنهاد شده توسط این گروه ها برای مقابله با مشکلاتی که بیش از همه آنها را نگران کرده است، کمک کرده است. این تحقیق به طور خاص در پی پاسخ این سؤال است که مشکلات مذکور چگونه شناسایی شدند و بر کدام جنبه های مشکلات تأکید شده است و به طور خاص، کدام اقدامات سیاسی و اجتماعی - خشونت آمیز یا صلح آمیز - به عنوان ابزار پاسخ گویی به آن نارضایتی ها مطرح شده اند؟ شناسایی مشکلات، هسته اصلی روایت های ایدئولوژیکی و سیاسی افراطی است. در حالی که بسیاری از گروه ها، نارضایتی های مشترکی را در میان می گذارند و مشکلات و نگرانی های مشابه یا یکسان (مانند عدم مشروعیت دولت افغانستان یا دموکراسی انتخاباتی) را شناسایی می کنند، آنها بر سر استراتژی های مورد نیاز برای پاسخ گویی به این مشکلات اختلاف دارند. از این رو، تنها برخی از گروه ها به مرحله سوم افراط گرایی یعنی «کردار افراطی» می رسند که با میل به پیوستن به شورش های مسلحانه علیه دولت توصیف می شود. همچنان که توسط مک کالی و موسکالنکو (2008) تذکر داده شده است،<sup>1</sup> گروه های افراطی در هر کدام از این سه مرحله مختلف هرم افراط گرایی، ممکن است با انتشار و تدوین روایت ها و ایدئولوژی های افراطی در تلاش برای برتری یافتن نسبت به گروه های دیگر

---

1. Clark McCauley & Sophia Moskalenko, 'Mechanisms of Political Radicalization: Pathways towards Terrorism', Taylor Francis Online, 2008, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550802073367>

رقیب، به فرایند گسترده‌تر افراط‌گرایی کمک کنند. با توجه به این مسأله، بخش‌های بعدی، تحلیلی از پنج مضمون اصلی است که بیشتر به آنها اشاره شد.

#### 4.2.1. مشروعیت و اعتبار دولت افغانستان

گروه‌های شبه‌نظامی مانند طالبان و جناح مسلح حزب اسلامی که شورش‌های کنونی را در افغانستان هدایت می‌کنند، دیدگاه روشن و منسجمی نسبت به روند سیاسی در افغانستان پس از 2001 دارند؛ این کشور توسط مهاجمان خارجی اشغال شده و دولت افغانستان، یک رژیم دست‌نشانده است؛ و این ضرورت یک استراتژی شورش مسلحانه برای سرنگونی دولت افغانستان و اخراج نیروهای خارجی را نشان می‌دهد. با این وجود، دسته بزرگی از دیگر گروه‌های فعال اسلام‌گرا وجود دارند که در هر دو تعریف کشور به عنوان «اشغال‌شده» و دولت افغانستان به عنوان «دست‌نشانده» و یا در توافق با شورش مسلحانه برای سرنگونی دولت و یا در هر دوی این موارد، از شورشیان متفاوت هستند. این گوناگونی دیدگاه‌ها به طور گسترده‌ای در محتوای صفحات رسانه‌های اجتماعی گروه‌های فعال شبه‌نظامی و غیرستیزه‌جو انعکاس داده شده است.



تصویر 3: پست فیسبوکی یکی از هواداران طالبان با پیام «ارتش ملی افغانستان برای آمریکا کار می‌کند».

در موارد خاص، تعدادی از حساب‌های مورد مطالعه، خواستار استعفای اعضا و هوادارانشان از همکاری با دولت افغانستان شدند. برای مثال، در تاریخ 23 جون 2015، حزب اسلامی مطلبی را در فیسبوک منتشر کرده و پرسیده بود: «آیا اعضای حزب اسلامی در مناصب دولتی استعفا می‌دهند؟». نویسنده با اشاره به اعضای



مهم حزب اسلامی که با دولت افغانستان کار می‌کنند،<sup>1</sup> استدلال می‌کند: «من اعضای حزب اسلامی را به خلاص شدن از این دولت بی‌ثبات و ناکارآمد فرامی‌خوانم. این فقط نام‌های شما است که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد؛ در حالی که شما در تصمیم‌گیری دخیل نیستید و آنها به نظرات شما اهمیت نمی‌دهند ... این یک دولت فاسد است؛ فاسدترین دولت در جهان که از خاینان، منافقان و دزدان تشکیل شده است».<sup>2</sup>

حزب التحریر تنها گروه مهمی است که در رابطه با اعتبار و مشروعیت دولت افغانستان دیدگاه مشابه با طالبان و شاخه نظامی حزب اسلامی دارد، اما در استراتژی خود برای ایجاد تغییر از آنها متفاوت است. این سازمان چندملیتی از سال 2003 در افغانستان فعال بوده است. این سازمان به شکل علنی اظهار می‌کند که استراتژی غیرخسونسونت‌آمیزی را برای احیای خلافت فراملی در سراسر جهان اسلام دنبال می‌کند. در نتیجه، این سازمان به شدت مخالف ملی‌گرایی و ایده بنیادین دولت - ملت است. این گروه دولت را برای همکاری با دولت‌های غربی سرزنش کرده و آنها را متهم می‌کند که برنامه‌های استعماری و سرمایه‌داری را در جهان اسلام به اجرا درمی‌آورند. اگرچه حزب التحریر دعوت به مبارزات مسلحانه نمی‌کند، اما گاهی به روشنی با طالبان و سایر سازمان‌های نظامی هم‌نوایی نشان می‌دهد. در تاریخ 10 مارچ 2015، حزب التحریر در واکنش به گزارشی از موافقت طالبان نسبت به مذاکرات صلح با دولت افغانستان، مقاله‌ای در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد با عنوان: «فرایند صلح در افغانستان، خودکشی سیاسی است».<sup>3</sup> در این مقاله آمده بود: «با توجه به این واقعیت که امت مسلمان، دولت مشروعی ندارد که از آرمان‌های امت نمایندگی کند، هر گونه مذاکرات صلح با کفار استعمارگر و متخاصم، در هر دو سطح فردی و سازمانی، در هر کدام از بخش‌های اشغال‌شده سرزمین‌های اسلامی، ممنوع است. در واقع، این خیانتی به اصول شریعت است؛ و بنابراین، این عمل، خودکشی سیاسی محسوب می‌شود».<sup>3</sup>

مخالفت گروه‌های اسلامی با دولت افغانستان، صرفاً ایدئولوژیک نیست. این گروه‌ها پیام‌های خود را با ارجاعات واقعی به سرخوردگی عمومی نسبت به فساد و ناکارآمدی نهادهای دولتی و دوره‌های بحران سیاسی مانند آنچه در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری 2014 اتفاق افتاد، ترکیب می‌کنند. برای مثال، در 3 اپریل 2015، حزب اسلامی به مناسبت چهل‌وششمین سالگرد تأسیس آن پیامی را از رهبرش گلبدین

1. قطب‌الدین هلال، یکی از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری سال 2014؛ محمدخان، معاون رییس اجرائیه حکومت وحدت ملی؛ هادی ارغندبول، وزیر سابق اقتصاد؛ و خالد فاروقی، رییس جناح ثبت‌شده حزب اسلامی از جمله افرادی اند که نویسنده از آنها نام می‌برد.

2. عابد، آیا حزب اسلامی ته منصوب نور دولتی مامورین با استعفا ورکری؟ (آیا اعضای حزب اسلامی در مناصب دولتی استعفا می‌دهند؟)، شهادت، افغانستان، 23 جون 2015  
[http://www.dailyshahadat.com/site/lekani\\_details/1106](http://www.dailyshahadat.com/site/lekani_details/1106)

3. Saifullah Mustanir, The Peace Process in Afghanistan is a Political Suicide, The Khilafah, March 9, 2015:  
<http://www.khilafah.com/the-peace-process-in-afghanistan-is-political-suicide>,

حکمتیار، در فیسبوک منتشر کرد. در این پیام با اشاره به بحران انتخابات 2014 بیان شده است:

«ما شاهد انتخاباتی بودیم که با تقلب برگزار شده بود و این نشان می‌دهد که اشغال‌گران قادر به ایجاد یک دولت پایدار نیستند. نظام دموکراتیک نمی‌تواند مشکلات افغان‌ها را حل کند یا منجر به رفاه مردم افغانستان شود. من از تمامی مجاهدین می‌خواهم که متحد شده و سازمان‌دهی بهتر از قبل داشته باشند ... مردم افغانستان باید مطمئن باشند که انشاءالله تمام نیروهای خارجی از کشور عزیز ما بیرون رانده می‌شوند و در یک افغانستان آزاد و مستقل، ما یک دولت اسلامی را برای سعادت مردم تأسیس خواهیم کرد».<sup>1</sup>

در حالی که جمعیت اصلاح نسبت به دولت افغانستان منتقد است، اما از بعضی سیاست‌های آن حمایت می‌کند؛ برای نمونه، در اپریل 2015، تصمیم دولت افغانستان برای حمایت از جنگ به رهبری عربستان سعودی در یمن را ستود. این سازمان بر آوردن تغییرات در سطح ریشه‌ای متمرکز بوده و از طرح‌های دولت برای توسعه اجتماعی و اقتصادی پشتیبانی می‌کند. در 13 جولای 2015، جمعیت اصلاح مقاله‌ای را در فیسبوک با عنوان «چرا عضویت شانگهای برای افغانستان مهم است؟» منتشر کرد. در این مقاله استدلال شده بود: «روسیه و چین که از قدرتی تعیین‌کننده در سازمان همکاری شانگهای بهره می‌برند، به دنبال راه‌های جایگزینی برای حفظ ثبات در منطقه از طریق افغانستان هستند. از سوی دیگر، در کنار مسایل امنیتی، اعضای سازمان همکاری شانگهای در حال تلاش برای کار بیشتر در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی هستند و این برای افغانستان اهمیت دارد ... با استفاده از این فرصت‌های ایجادشده توسط کشورهای قدرتمند و توسعه‌یافته در منطقه، افغانستان می‌تواند از مزایای موقعیت استراتژیک خود از طریق جاده ابریشم جدید و اتحادیه یوراسیا بهره‌برند».<sup>2</sup>

جمعیت اصلاح همچنین بر تلاش‌های ریشه‌ای و مسئولیت شهروندان در مبارزه با فساد تأکید می‌کند. در 20 مارچ 2015، این سازمان مقاله‌ای را در صفحه فیسبوک خود به قلم «نصیراحمد نویدی» رئیس کمیته مرکزی سازمان با عنوان «سال نو، امیدهای نو» منتشر کرد. در این مقاله آمده است: «ما همه از فساد که پیرامون ما را گرفته است، خسته‌ایم ... همه ما شکایت می‌کنیم، اما آیا هرگز به هیچ راه‌حلی برای این مشکل اندیشیده‌ایم؟ نقش ما در مقابله با تمام این‌ها چیست؟ بیایید به منظور ریشه‌کن کردن فساد بسیج شویم و از خود آغاز کنیم».<sup>3</sup>

1. حزب اسلامی افغانستان، صفحه رسمی فیسبوک، دیده‌شده در 3 اپریل 2015

<http://www.eslahonline.net/?p=59573>

2. عضویت دایمی شانگهای، برای افغانستان چرا مهم است؟ اصلاح آنلاین، افغانستان 13 جولای 2015

3. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده‌شده در 6 می 2015

## 4.2.2. دخالت خارجی و توافق‌نامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده

در رابطه با حضور نیروهای خارجی در افغانستان و توافق‌نامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده، بیشتر گروه‌هایی که مورد بررسی قرار گرفتند، روایت‌های مشابهی را به اشتراک می‌گذارند: مداخله غرب در افغانستان را رد می‌کنند. برای طالبان و حزب اسلامی، خروج تمام نیروهای خارجی از افغانستان یکی از پیش‌شرطها برای هر گونه مذاکره صلح با دولت افغانستان است. سایر گروه‌های فعال اسلام‌گرا شامل حزب‌التحریر و جمعیت اصلاح، نیروهای غربی در افغانستان را به عنوان کفار و استعمارگران محکوم می‌کنند. در مباحثی که علیه حضور نیروهای خارجی در افغانستان و توافق‌نامه امنیتی دوجانبه با ایالات متحده مطرح می‌شود، این گروه‌ها با استناد به تلفات ملکی که نیروهای خارجی باعث آن شده‌اند یا اتهام توهین غربی‌ها به ارزش‌های اسلامی، اشارات واضحی به ناامیدی‌های موجود نسبت به چالش‌های جنگ می‌کنند.

در 6 می 2015، طالبان بیانیه رسمی خود را در رابطه با گفتگوهای صلح پاگواش در قطر، در صفحه فیسبوک اش منتشر کرد. در این بیانیه آمده بود: «آمریکا و دوستانش بر یک کشور مستقل (افغانستان) تجاوز نظامی کرده‌اند. در اینجا هزاران تن را به شهادت رسانده‌اند، زندانی کرده‌اند؛ به مقدسات دینی ملت توهین و بی‌حرمتی کرده‌اند؛ خانه‌ها، باغ‌ها و زمین‌هایشان را ویران ساخته‌اند. پس باید مادر تمام این مصائب که اشغال است، در قدم نخست پایان یابد؛ تا زمینه صلح و تفاهم اجتماعی بین افغان‌ها مساعد گردد ... بناءً دوام اشغال به معنای ادامه جنگ است»<sup>1</sup>

جالب اینجاست که فعالانی که مستقیماً با سازمان‌های شبه‌نظامی مرتبط نیستند، نیز چنین دیدگاهی دارند. بحث مشابهی توسط عبدالظاهر داعی، عالم مذهبی برجسته افغان، از طریق کانال یوتیوب «پیام حق» (یک کانال یوتیوب که عمدتاً شامل سخنرانی‌های مذهبی توسط علمای افغانستان است) مطرح شد. در یکی از سخنرانی‌های داعی بر روی کانال یوتیوب، او تأکید کرد: «حضور نیروهای خارجی در افغانستان دلیل ادامه جنگ است ... زمانی یک خبرنگار گفت که جنگ افغانستان، جنگی میان آمریکا و طالبان است؛ اما من گفتم که نه، شما فریب خورده‌اید. این جنگی میان ملت مسلمان و کفار است ... این جنگی علیه امت مسلمان است»<sup>2</sup>

1. الاماره، صفحه فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در 6 می 2015

2. عبدالظاهر داعی، قوت‌های خارجی در افغانستان باید نباشد، پیام حق (دیده شده در 17 دسامبر 2015):

<https://www.youtube.com/watch?v=3RVb1or9cPM>,



تصویر 4: تصویر پست‌شده توسط حزب اسلامی در صفحه رسمی فیسبوکش

در 16 مارچ 2012، عبدالسلام عابد، یک عالم مذهبی برجسته و عضو جمعیت اصلاح در کانال یوتیوب این سازمان، اصلاح آنلاین، دیدگاه خود را در مورد تعامل با غیرمسلمانان چنین بیان کرده بود:

«ایمان داشته باشید و شکایت نکنید که چرا دشمن قرآن را سوزانده است؟ چرا دشمن به من توهین کرده است یا به حضرت محمد توهین کرده است؟ شما باید درک کنید که ما نمی‌توانیم از دشمنان انتظار خوبی داشته باشیم ... دشمنان ما اسلام را خصم خود می‌بینند، اما متأسفانه مسلمانان یا مسلمان‌نماهایی هستند که سعی می‌کنند ما را آشتی بدهند. آنها تلاش دارند تا دشمنان ما را به عنوان دوستانمان معرفی کرده و ما را وادار کنند با آنها تعامل داشته باشیم. من می‌خواهم این را روشن بسازم که کسانی که مسلمان نیستند، دشمن ما هستند و ما بر همین اساس با آنها مقابل خواهیم شد»<sup>1</sup>.

در 9 جون 2015، حزب‌التحریر در واکنش به تلفات ملکی در نتیجه حمله یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در ولایت خوست، مقاله‌ای را با عنوان «دست‌نشاندها و سرورانشان در حال بازی با خون ما هستند» در صفحه فیسبوکش منتشر کرد. در این مقاله آمده است: «در روز نخست سال 2015، اوپاما پایان عملیات نظامی در افغانستان را اعلام کرد. اما از آن روز تا کنون، هواپیماهای بدون سرنشین در حال

<https://www.youtube.com/watch?v=YLKmqQevncg>

1. عبدالسلام عابد، چگونه از قرآن دفاع کنیم؟ (دیده‌شده در 16 مارچ 2015).

بمب افکنی هستند و هر روز به غیرنظامیان حمله کرده، خانه‌ها را جستجو کرده و مردم را دستگیر می‌کنند»<sup>1</sup>. مثال روشن این مسأله، حملات به اصطلاح «سبز بر آبی» است. این حملات زمانی اتفاق می‌افتد که اعضای نیروهای امنیتی افغانستان، مریبان و مشاوران خارجی یا همکاران افغان خود را مورد حمله قرار می‌دهند. گروه‌های شبه‌نظامی دلایل روشنی برای تحریک چنین حملاتی دارند. در 8 اپریل 2015، یک سرباز افغان به نام عظیم‌خان، در جلال‌آباد بر نیروهای آمریکایی آتش گشود و یکی از افسران ارتش آمریکا را کشته و چندین نفر دیگر را پیش از کشته شدنش زخمی کرد. اندکی بعد، صفحات رسانه‌های اجتماعی حزب اسلامی ادعا کردند که عظیم‌خان یکی از اعضای آنها بوده است و از او به عنوان شهید تجلیل کردند. عکس‌های او در صفحات فیسبوک حزب اسلامی منتشر می‌شد و صدها نفر از طرفداران حزب اسلامی آن پیام‌ها را به اشتراک گذاشته و او را به عنوان یک قهرمان ستایش می‌کردند.



تصویر 5: ویدیوکلیپ پست‌شده توسط جمعیت اصلاح در یوتیوب، که در آن، عبدالسلام عابد یک عالم مذهبی برجسته و عضو این سازمان، دیدگاه خود را در رابطه با تعامل با غیرمسلمانان توضیح می‌دهد.

در یکی از پیام‌ها که نشان می‌دهد چگونه این گروه‌ها اعضای خود را مانند قهرمان تشخیص می‌دهند، یکی از پیروان حزب اسلامی اظهار داشت: «بزرگ‌ترین آرزوی شهید عظیم‌خان در طول عمرش این بود که آمریکایی‌ها را بکشد و شهید شود. او زمانی که هشت آمریکایی را به جهنم فرستاد و خودش به شهادت

1. The Puppets and Their Masters are Playing With Our Blood, The Khilafah, June 9, 2015: <http://www.khilafah.com/the-puppet-rulers-and-the-crusader-invaders-are-equally-playing-with-our-blood/> Afghanistan

رسید، به هدف خود دست یافت»<sup>1</sup> جالب توجه است که جمعیت اصلاح، اخبار حمله را بدون موضع‌گیری صریحی منتشر کرد؛ اما صدها نفر از بازدیدکنندگان صفحه فیسبوک این سازمان، اقدام عظیم‌خان را با ارسال نظرات ستایش‌آمیز تجلیل کردند.



تصویر 6: جمعیت اصلاح اخبار مرگ یک سرباز افغان به نام عظیم‌خان را در یک حمله «سبز بر آبی» منتشر کرد. تعدادی از مردم عمل او را در بخش پیام‌ها ستودند.

#### 4. 2. 3. نگرانی‌های اجتماعی – فرهنگی

گروه‌های اسلام‌گرا، هم فعالان صلح‌طلب و هم گروه‌های ستیزه‌جو، در نگرانی‌های خود در رابطه با امور اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان اشتراک نظر دارند؛ و تمرکز ویژه آنها بر آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی در افغانستان پس از 2001 است. این نگرانی‌ها طیف گسترده‌ای از مسایل را پوشش می‌دهند که شامل: تأثیرات فرهنگ خارجی مانند برنامه‌ها و جشنواره‌های موسیقی در کانال‌های تلویزیونی خصوصی کشور و مراسم سنتی که از نظر آنها اسلامی به حساب نمی‌آیند، مانند جشن نوروز (جشن سال نو فارسی) می‌شود. صفحات رسانه‌های اجتماعی برای ترویج تفسیرهای بنیادگرایانه از اسلام و محکوم‌کردن اعمالی که گفته می‌شود در تضاد با تفاسیر سخت‌گیرانه از اسلام هستند، استفاده می‌شوند.

برای تمام گروه‌های افراط‌گرا، فضای نسبتاً آزاد اجتماعی فراهم‌شده در دوران پس از 2001 در مراکز شهرهای مهم افغانستان، موضوع اصلی نگرانی محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین این نگرانی‌ها در رابطه با

1. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده‌شده در 8 اپریل 2015.

موسیقی و آوازخوانی، به خصوص آوازخوانی زنان است که توسط کانال‌های رادیو و تلویزیون کشور پخش می‌شود. برای مثال در 21 مارچ 2015، جمعیت اصلاح مقاله‌ای از عبدالله استانکزی با عنوان «پایان سال 1393 و آغاز سال 1394 با برهنگی و ذلالت» منتشر کرد. در این مقاله استدلال شده بود: «نهادهای کثیر کمونیستی دیروز و دموکراتیک امروز توسط برنامه‌های مختلف طرح‌شده توسط بزرگان‌شان کوشش دارند تا جوانان ما را از مسیر بشریت، افغانیت و اسلامیت دور کنند؛ و تمام انرژی و وقت خویش را در خدمت این فساد قرار داده اند. و ما، احزاب، نهادها، بنیادها و سایر جمعیت‌های بزرگ اسلامی کشور که خود را پیروان نهضت اسلامی دیروز می‌دانیم، امروز فقط مصروف بعضی از بازی‌های مشروع و نامشروع سیاسی هستیم ... بالای ما فرض است که به جوانان و این ملت برنامه‌های تربیوی داشته باشیم تا هیچ دسیسه بیرونی و سیکولری بالای این ملت تأثیرگذار نباشد ... ما توانمندسازی خویش و سایر جوانان را در پروگرام‌هایی مانند «ستاره افغان»<sup>1</sup> و سایر پروگرام‌های بی‌ناموسی، جایی که ارزش‌های یک جوان و جوانی زیر پا می‌شود، نمی‌دانیم».<sup>2</sup>

گاهی این نگرانی‌های اجتماعی - فرهنگی در رابطه با برنامه‌های مشخصی که توسط فعالان و جوانان انجام می‌شود، مطرح می‌گردند. برای مثال در 6 مارچ 2015، گروهی از فعالان مرد تلاش کردند با ظاهر شدن در مرکز شهر کابل با پوشش چادری توجه عمومی را جلب کنند. این حرکت با واکنش شدیدی از سوی بیشتر گروه‌های اسلام‌گرای برجسته از جمله طالبان، حزب اسلامی و جمعیت اصلاح مواجه شد که آن را محکوم کردند. قابل ذکر است که این گروه‌ها در مخالفت با آزادسازی ظاهری، از همان عبارت‌هایی استفاده می‌کنند که برای اهریمن جلوه‌دادن و سلب مشروعیت از دولت افغانستان و نیروهای خارجی به کار می‌گیرند. برای مثال، در واکنش به این اعتراض سمبولیک، حزب اسلامی مقاله‌ای در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد که می‌پرسید: «چرا کفار و منافقان چادری را اجبار می‌بینند؟». در این نوشته بحث می‌شود: «دیروز در کابل یک گروه شیطنانی به حجاب اسلامی توهین کرد. این گروه ملعون استدلال می‌کردند که چادری بر زنان تحمیل می‌شود. چادری یک حجاب کامل است که شامل تمام ویژگی‌های حجاب می‌شود».<sup>3</sup>

بیشتر گروه‌های فعال اسلام‌گرا، در مورد موقعیت اجتماعی زنان و شیوه ظاهر شدن آنها در انظار عمومی، نگرانی جدی مشترک دارند. برای مثال، در 30 می 2015، جمعیت اصلاح مقاله‌ای را در صفحه فیسبوکش

1. رقابت سالانه آوازخوانی زنده که توسط کانال تلویزیون خصوصی طلوع برگزار می‌شود.

2. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده‌شده در 21 می 2015.

3. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده‌شده در 6 مارچ 2015.

منتشر کرد که به زنان در رابطه با نیت‌های شیطانی مردان اخطار می‌داد. این مقاله تأکید می‌کرد: «مردانی که به سوی زنان نگاه می‌کنند؛ همانند درندگانی هستند که به دور گوشت‌ها می‌چرخند». این مقاله به زنان توصیه می‌کند: «اگر برای نیازهای ضروری قصد کردی به بازار بروی، به شرط رعایت پاره‌ای از آداب مهم اشکالی ندارد:

- 1- اجازه گرفتن از ولی، والدین یا شوهر.
- 2- یکی از محارم تو را همراهی کند و جایز نیست با راننده تنها باشی.
- 3- پس نباید با فروشنده و دیگران به نرمی و با عشوه سخن بگویی.
- 4- از اختلاط با مردان در فروشگاه‌ها و راه‌ها پرهیز<sup>1</sup>.



تصویر 7: تصویر یک زن که توسط یک حساب جعلی پست شده است و نشان می‌دهد زنان مسلمان چگونه باید لباس بپوشند.

با این حال، گروه‌های اسلام‌گرا همچنین علاقه دارند بر حقوق زنان در چارچوب قانون شریعت تأکید کنند. در 6 می 2015، طالبان در اعلامیه‌ای مطبوعاتی بر روی صفحه فیسبوک خود تأکید کردند: «[امارت



اسلامی] در تمام بخش‌های زندگی به تمام حقوق زنان خود را متعهد می‌داند که دین مبارک اسلامی برایشان داده است. زن در اسلام حق انتخاب شوهر را دارد. حق ملکیت دارد. حق میراث دارد. حق آموزش علم و کار را دارد. امارت اسلامی این حقوق زنان را طوری محفوظ خواهد نمود که نه حقوق جایز آنان زیر پا گردد و نه هم کرامت انسانی و ارزش اسلامی‌شان با تهدید مواجه گردد»<sup>1</sup>.

به همین ترتیب، حزب التحریر وعدهٔ خلافت اسلامی می‌دهد که در آن زنان می‌توانند به تمام حقوق خود دست یابند. در مارچ 2015، این سازمان مقاله‌ای در صفحهٔ فیسبوک خود منتشر کرد با عنوان «زنان در خلافت اسلامی؛ چالش روایت‌های مربوط به زنان و حقوق اقتصادی آنها». مقاله عنوان کرده بود: «تصویر کلی به‌دست‌آمده از تاریخچه‌های مختلف عثمانی، نشان می‌دهد که در خلافت عثمانی زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، شامل کار کشاورزی و انواع صنایع دستی مانند ریسندگی و بافندگی فعال بوده‌اند. آنها می‌توانند محصولات خود را در بازارها بفروشند؛ مسایل مالی دیگر را مدیریت کنند؛ پول قرض بدهند؛ قرارداد ببندند؛ کسب‌وکار، سازمان و مؤسسه راه‌اندازی کنند؛ کارمند یا کارفرما باشند و در فعالیت‌های مختلف اقتصادی شرکت کنند»<sup>2</sup>.

یک عنصر مهم روایت گروه‌های اسلامی در مورد امور اجتماعی - فرهنگی، نسبت‌دادن مسئولیت آن چیزی که آنها به عنوان تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بیگانه و فاسد می‌بینند، به غربی‌ها و ارزش‌های ایشان است. مسئولیت این مسایل اجتماعی مانند نقض حقوق زنان، بیکاری و حتی افزایش جمعیت معتادان به مواد مخدر، اغلب به ارزش‌های غربی و سکولار نسبت داده می‌شود. برای مثال در 12 می 2015، مطالعه‌ای با بودجهٔ ایالات متحده به این نتیجه رسید که استفاده از مواد مخدر در افغانستان 11 درصد افزایش یافته است؛ و در مجموع 3 میلیون مصرف‌کننده در کشور وجود دارد. حزب التحریر مقاله‌ای در فیسبوک منتشر کرد با عنوان «تحفه‌ای دیگر از استعمار: سه میلیون نفر معتاد به مواد مخدر هستند». در این مقاله گفته شده بود: «مشکل اصلی ما این است که غرب و دولت دست‌نشانده‌اش مردم را با پول و دیگر اندیشه‌های غربی مانند کسب سود مشغول نگه می‌دارند که معیارهای سنجش هر چیزی شده‌اند ... در نتیجه زمانی که رابطه شما با خدا قطع می‌شود، طبیعی است که در نهایت به مواد مخدر رو می‌آورید»<sup>3</sup>.

1. الاماره، صفحهٔ فیسبوک رسمی طالبان، دیده‌شده در 6 می 2015

2. Women Under the Uthmani Khilafah: Challenging the Myths Women and Their Economic Rights, The Khilafah, March 8, 2015: <http://www.khilafah.com/women-under-the-uthmani-khilafah-challenging-the-myths-women-and-their-economic-rights-part-2/>

3. هادف، تحفه‌ای دیگر از استعمار: سه میلیون نفر معتاد به مواد مخدر هستند، حزب التحریر افغانستان، 19 می 2015



مشاجره در مورد معنا و نقش جامعه مدنی، یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی بود که به دنبال حادثه 20 مارچ 2015، قتل بدون محاکمه زنی 27 ساله به نام «فرخنده» توسط گروهی از مردم در مرکز کابل، شکل گرفت. گروه‌های حقوق زنان و جامعه مدنی، تظاهرات‌هایی در کابل به راه انداختند و خواستار محاکمه کسانی شدند که در این کشتار دخیل بودند. تعدادی از آنها مشروعیت و روایات نظام مذهبی را به چالش می‌کشیدند. برخی از فعالان زن، مراسم ختم فرخنده را سازمان‌دهی کرده و علیه سنت‌های رایج، پیکر او را از خانه به قبرستان حمل کردند که خشم بسیاری از ملاهای محافظه‌کار را برانگیخت.

در 27 مارچ 2015، «پیمان فیلم» (یک کانال یوتیوب که عمدتاً شامل سخنرانی‌های مذهبی توسط علمای افغانستان است) یک کلیپ ویدیویی از سخنرانی داکتر عبدالله نور عباد، عالم مذهبی برجسته، را به مناسبت کشته‌شدن فرخنده به دست ارادل و اوباش منتشر کرد: «در نظر من، حمل تابوت فرخنده توسط بعضی فعالان [زنان] جامعه مدنی توهینی شدید به جسد فرخنده بود به مراتب بدتر از ضرب‌وشتم و مرگ او توسط مردان. ما کجا در تاریخ اسلام می‌بینیم که زنان تابوت حمل کنند؟»<sup>1</sup>

گروه‌های اسلام‌گرا، همچنین بسیاری از اعمال سنتی و محلی را که آنها را اسلامی نمی‌دانند، محکوم می‌کنند. برای مثال، تجلیل سال نو افغانستان (نوروز) در سال‌های اخیر، بحث‌های داغی را در میان بسیاری از گروه‌ها برانگیخته است. در 20 مارچ 2015، حزب اسلامی ویدیوکیلیبی از ابو عبیدالله متوکل منتشر کرد که می‌گفت: «مردم برای تجلیل نوروز جمع می‌شوند و بعضی ملاها هستند که آن را تأیید می‌کنند. این نوع مسلمانان ادعا می‌کنند که اسلام و حضرت محمد را دوست دارند، اما دروغ می‌گویند و حضرت محمد آنها را لعنت می‌کند»<sup>2</sup>

#### 4.2.4. استراتژی‌ها برای کنش سیاسی و اجتماعی و دیدگاه‌ها در رابطه با جهاد و مجاهدین

هم طالبان و هم حزب اسلامی، در مقاومت علیه اشغال افغانستان توسط شوروی در دهه 1980 ریشه دارند. جالب است که حزب‌التحریر نیز همین ارجاعات را به دوران جهاد علیه اتحاد جماهیر شوروی دارد، علی‌رغم این حقیقت که هیچ‌گونه حضور یا دخالتی در جهاد آن زمان نداشته است. این سازمان اگرچه میراث کلی جهاد علیه اشغال شوروی را به رسمیت می‌شناسد، رهبران سابق مجاهدین و گروه‌هایی که به همکاری با دولت افغانستان پس از 2001 توافق کرده‌اند را محکوم می‌کند. جمعیت اصلاح نیز خود را به

1. عبدالله نور عباد، حادثه شهادت خواهر فرخنده زیر ذره‌بین اسلام و موقف علما در قبال آن، پیمان فیلم (به‌روز شده در 27 مارچ 2015):

[www.youtube.com/watch?v=Jtkv"ykpTknA](http://www.youtube.com/watch?v=Jtkv)

<https://www.youtube.com/watch?v=iOyl5FGJKaA>

2. ابو عبیدالله متوکل، نوروز و ملاهای شکم‌پرست، راشد مسلم، 16 مارچ 2015

عنوان یک سازمان اسلامی در نظر می‌گیرد که بر اساس ارزش‌های جهادی تأسیس شده است. نکته اصلی اینجاست که این گروه‌ها در برجسته‌سازی ارتباطشان با جهاد افغانستان علیه اشغال شوروی، خود را به عنوان مدافع منافع ملی به تصویر کشیده و مشروعیت مجاهدین سابق را که در توافقات سیاسی پس از 2001 شرکت دارند، زیر سؤال می‌برند.

برای مثال، در 14 و 15 مارچ سال 2015، سالگرد قیام 1979 در هرات علیه رژیم کمونیستی وقت کابل، جمعیت اصلاح به طور کل برای تجلیل این قیام، چندین مقاله منتشر کرد. یکی از مقاله‌ها با عنوان «نگاهی نو به انقلاب 24 حوت ملت مسلمان هرات» بحث کرده است که هدف از قیام هرات، دفاع از ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی مردم افغانستان بود. نویسنده ابراز نگرانی کرده است که آن ارزش‌ها و اعتقادات ارزشمند، بار دیگر مورد تهدید قرار گرفته‌اند: «آنچه امروز روح آن شهدا را آزار می‌دهد: ملت ما به نام زبان، سمت، ملیت و نژاد متفرق و چندپارچه شده است؛ در حالی که ایشان در آن روز به ما اتحاد و یکپارچگی را در میدان عمل آموختند». نویسنده تأکید می‌کند: «امروز تحت سیطره بیگانگان و تهاجم فرهنگی آنان قرار داریم؛ در حالی که ایشان به خاطر آزادی و استقلال و حفظ فرهنگ دینی ما به قربان‌گاه رفتند. در حال حاضر نه‌تنها که ایادی رژیم کمونیستی وقت که قاتلان اصلی دو میلیون هموطنان ما هستند، مجازات نشدند، بلکه عده‌ای از ایشان دوباره بر کرسی قدرت قرار گرفته و در بدنه دولت نفوذ کرده‌اند. بانک‌های سودی، رسانه‌های مبتذل، بی‌حجابی و بی‌بندوباری، فساد و برادرکشی در جامعه ما بیداد می‌کند؛ در حالی که آنان برای نجات ما از چنین خطراتی جان‌های عزیزشان را فدا کردند. و مشکلاتی از این دست»<sup>1</sup>

برای طالبان و جناح مسلح حزب اسلامی، بزرگ‌داشت تاریخ جهاد، دلایل فوری‌تری دارد. آنها معتقد هستند که جهاد در حال انجام است و هر گونه اقدام مسلحانه و خشونت‌آمیز علیه دولت افغانستان و هدف‌های غربی در کشور، از جمله بمب‌گذاری‌های انتحاری، حملات مسلحانه مستقیم، ترورها و حملات سبز بر آبی را، توجیه و تشویق می‌کنند. در این میان، حملات انتحاری شدیدترین شکل افراط‌گرایی است و اوج هرم افراط‌گرایی را نشان می‌دهد. گروه‌های ستیزه‌جو عباراتی مثل: «عملیات استشهادی / شهادت‌طلبانه»، «مجازات اعدام» و در مورد حملات سبز بر آبی، عبارت «اقدامات قهرمانانه» را برای توصیف و توجیه چنین عملیاتی استفاده می‌کنند. این دیدگاه همچنین توسط بعضی از علمای افراطی برجسته‌ای که وابسته به گروه‌های شبه‌نظامی نیستند، نیز به اشتراک گذاشته شده است. برای مثال، ابو عبیدالله متوکل، عالم مذهبی

---

1. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده شده در 15 مارچ 2015.

معتبر، در ویدیو کلیپ منتشر شده در «خراسان طاغوت شکن» (یک کانال یوتیوب)، حملات انتحاری را توجیه کرده و استدلال می‌کند: «خودکشی در اسلام حرام است؛ اما عملیات استشهادی متفاوت است ... امروز برای سرکوب دشمنانی که صاحب تجهیزاتی پیشرفته هستند، راهی غیر از این نوع حملات انتحاری وجود ندارد. اگر امروز کفار شکست خورده‌اند، به دلیل این نوع حملات است. آن دسته از علما که عملیات استشهادی را محکوم می‌کنند، به جهنم می‌روند»<sup>1</sup>



تصویر 9: ابوعبیدالله متوکل، یک عالم برجسته دینی در حال توجیه حملات انتحاری در یک ویدیو کلیپ منتشر شده در کانال یوتیوب «خراسان طاغوت شکن» که از سوی هواداران طالبان اداره می‌شود.

نکته مهم‌تر در این ویدیو رد ادعاهایی است که می‌گویند مهاجمان انتحاری اشخاصی هستند که علاقه خود را برای ادامه زندگی از دست داده‌اند. همچنین شورشیان، کشته شدن غیرنظامیان در چنین حملاتی را انکار می‌کنند. حزب اسلامی برای رد گزارش‌ها مبنی بر تلفات ناشی از بمب‌گذاری انتحاری در میان جمعیت غیرنظامی در تاریخ 16 اپریل 2015، بیانیه‌ای از گلبدین حکمتیار (رهبر حزب اسلامی) در صفحه فیسبوک خود منتشر کرد. حکمتیار استدلال می‌کند: «کسانی که تجربیات نظامی دارند، می‌دانند که بمب‌گذاری‌های کنار جاده‌ای و عملیات استشهادی (شهادت طلبانه) نه تنها موجب تلفات ملکی نمی‌شود، بلکه از چنین تلفاتی پیش‌گیری می‌کند»<sup>2</sup>

در نتیجه ترور مستقیم مقامات دولتی و نیروهای رقیب، توسط طالبان و حزب اسلامی به عنوان اعدام‌های توجیه شده بر اساس قانون شریعت، انجام و تشویق می‌شوند. برای مثال، در 17 جولای 2015،

1. ابوعبیدالله متوکل، حکم عملیات انتحاری، استشهادی، فدایی؟ خراسان طاغوت شکن (دیده شده در 16 اپریل 2015): <https://www.youtube.com/watch?v=sT6xNrHpq-4>,

2. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده شده در 16 اپریل 2015.

طالبان در صفحه فیسبوک خود پیامی گذاشتند و خبر کشته شدن رئیس پلیس منطقه دهرآود ولایت ارزگان را اعلام کردند. در پیام آمده بود: «حاجی طالب سه سال به عنوان رئیس امنیت برای دشمن خدمت کرده است و در طول این زمان مردم را سرکوب و شکنجه نموده و بسیاری از هموطنان عزیزمان را کشته است. الحمدلله امروز او به سزای اعمالش رسید»<sup>1</sup>

در 1 جولای 2015، حزب التحریر به عملیات نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا بر انبار سلاح فرمانده پیشین مجاهدین در پروان واکنش نشان داد. این عملیات واکنش‌های شدیدی را از سوی رهبران جمعیت اسلامی از جمله عبدالله عبدالله (رئیس اجراییه دولت وحدت ملی) برانگیخت. یکی از متن‌های منتشر شده در فیسبوک از سوی این سازمان، نیروهای خارجی را به خاطر انجام حملات و عبدالله را به خاطر واکنش‌های گزینشی‌اش نسبت به وضعیت مجاهدین، محکوم کرد: «ما حملات هوایی اشغال‌گران استعمارگر و بیانیۀ عبدالله را به شدت محکوم می‌کنیم! ... این شرم‌آور و منزجرکننده است که وقتی مسلمانان ستم‌دیده افغانستان شامل زنان، کودکان و افراد مسن و مبارزان حقیقی علیه اشغال‌گران، در دیگر بخش‌های افغانستان کشته می‌شوند، نه عبدالله و نه هیچ کدام از مقامات دولتی دیگر صدای خود را علیه اشغال‌گران بلند نمی‌کنند. با این حال، زمانی که چنین حوادثی برای حامیان خودشان رخ می‌دهد، آنها شروع به ساختن بیانیه‌های میان‌تهی و بیهوده کرده و از فرمانده نیروهای نظامی اشغال‌گران می‌خواهند تا در مورد این حادثه توضیحات ارایه دهد. این واکنش یک‌جانبه و بیانیۀ عبدالله نشان‌دهندۀ تعصب اوست که بر پایه‌ای قبیله‌ای، زبانی و حزبی بنا شده است. همچنین این مسأله برای ملت مجاهد و مسلمان افغانستان روشن می‌سازد که این حاکمان تنها زمانی که منافع شخصی و حزبی خودشان در خطر باشد، تکان می‌خورند. ما همه می‌دانیم که او یکی از به اصطلاح جهادگرانی است که جهاد را ترک کرده و با نیروهای آمریکایی و ناتو قرارداد امضا کرده است. با انجام این کار، او به خون شهدا، یتیمان و بیوه‌های جنگ علیه اتحاد جماهیر شوروی که همه چیز خود را قربانی کرده بودند، خیانت کرد»<sup>2</sup>

اگرچه گروه‌های اسلامی بررسی شده در این مطالعه، اشتراکات مهمی در جهان‌بینی ایدئولوژیک خود دارند، آنها با یکدیگر بر سر جذب منابع مالی و نظامی و به دست آوردن حمایت اجتماعی میان مردم عادی رقابت می‌کنند. همان گونه که مک‌کالی و موسکالانکو (2008) نشان داده‌اند، رقابت میان گروه‌هایی که با

1. الاماره، صفحه فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در 17 جولای 2015.

2. We Strongly Condemn the Airstrike of the Colonialist Invaders and the Statement of Abdullah, Hizb ut-Tahrir, June 30, 2015:  
<http://ht-fghanistan.com/article.php?lang=english&parent=43&category=13&aid=4315,Afghanistan>

انگیزه‌های مشابه یا یکسان شکل گرفته‌اند، می‌تواند ترغیب‌کننده‌ی ایشان برای شکست دادن همدیگر در تلاش برای دستیابی به پایگاه‌های حمایت اجتماعی یکسان یا مشابه باشد؛ و در نتیجه به تشدید فرایندهای افراط‌گرایی بیانجامد.

علی‌رغم تفاوت‌های مهم در شناسایی مشکلات و استراتژی‌های عمل، آنها تشابهات ایدئولوژیکی مهمی دارند. اهمیت این ریشه‌های ایدئولوژیکی با انتشار خبر مرگ ملا عمر، رهبر طالبان، در پایان جولای 2015 مشخص شد. جمعیت اصلاح که بر امور اجتماعی و فرهنگی متمرکز بوده و یک سازمان قانونی ثبت شده در کابل است، پیام‌های هم‌دردی خود را برای مرگ ملا عمر در صفحه‌ی فیسبوکش منتشر کرد. حزب اسلامی نیز پیام تسلیت گلبدین حکمتیار را در صفحه‌ی فیسبوک گذاشت: «ملت افغانستان و امت اسلامی، یک رهبر مجاهد راستین را در زمان نیاز از دست دادند ... مجاهدین باید برای آزادی کشور خود و خروج فوری و بدون پیش‌شرط نیروهای اشغال‌گر مبارزه کنند. ما باید به اتحاد مسلمانان ایمان بیاوریم. به عنوان یک امت اسلامی که در جنگ علیه صلیبیون قرار دارد، مجاهدین باید تلاش‌هایشان را با هم پیوند بزنند. آنها باید در مقابله با اشغال‌گران آمریکایی همان کاری را انجام بدهند که در برابر اشغال‌گران روسی انجام دادند ... استقلال افغانستان، آرزوی ملا محمد عمر مجاهد بود و با کمک خداوند ما آن را به حقیقت می‌رسانیم»<sup>1</sup>

پیش از آن، در تاریخ 18 جولای 2015، حزب اسلامی نامه‌ای سرگشاده را (نوشته شده توسط حبیب‌الله حکمتیار، پسر گلبدین حکمتیار) به ملا عمر رهبر طالبان، در فیسبوک منتشر کرد. در سال 2015، صفحه‌ی فیسبوک پسر رئیس حزب اسلامی، پایگاه مهمی برای انتقال روایت‌های افراطی حزب اسلامی بود.<sup>2</sup> او با همان رویکرد پدرش مقالاتی انتقادی منتشر کرده و برای جهاد علیه کفار فراخوان داده است. در نامه سرگشاده به ملا عمر، حبیب‌الرحمان از او و گروهش به خاطر تلاش برای منزوی کردن دیگر گروه‌های جهادی انتقاد کرده بود: «بسیاری از مجاهدین با انگیزه‌های مذهبی جهاد را آغاز کردند، اما سؤال اینجاست که آیا جبهه شما تنها جبهه مشروع برای انجام جهاد است؟ کسانی که اختلافاتی با امارت اسلامی داشته باشند، حقی برای جهاد ندارند؟ ... شما ادعا می‌کنید که یک هزار عالم دینی با شما بیعت کرده‌اند، اما در انتخابات رهبری حزب اسلامی یک میلیون مجاهد افغان، شامل صدها و هزاران عالم شرکت داشتند. پس چرا شما مخالف حزب اسلامی هستید؟ شما که این حق را برای خود ادعا می‌کنید [رهبری امارت اسلامی] چرا علیه ابوبکر البغدادی [رهبر داعش] که ادعای خلافت دارد، مبارزه می‌کنید؟ چرا شما علیه آنها

1. حزب اسلامی افغانستان، صفحه‌ی فیسبوک رسمی، دیده شده در 2 اگست 2015.

2. حبیب‌الرحمان، صفحه‌ی فیسبوک، دیده شده در 18 جولای 2015.

می‌جنگید؟ آیا جهاد به این شکل موفق شده است یا از طریق همکاری و برادری [میان مجاهدین]؟ ... من از شما می‌خواهم با احزاب افغانستان سازش کرده و یک زمینه منطقی برای درک متقابل ایجاد نمایید»<sup>1</sup>



تصویر 10: ویدیوی پست‌شده توسط حزب اسلامی در کانال رسمی یوتیوب این گروه که اتحاد میان طالبان و حزب اسلامی علیه نیروهای ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان را نشان می‌دهد.

با این حال، با وجود این مشترکات، رقابت درون‌گروهی میان گروه‌های شبه‌نظامی بعد از ظهور دولت اسلامی یا داعش در نقاطی از افغانستان، تشدید شد. از میان گروه‌های شبه‌نظامی اصلی، تنها حزب اسلامی حمایت خود را از گروه‌های وابسته به داعش در افغانستان اعلام کرد. در 13 جولای 2015، حزب اسلامی با انتشار مقاله‌ای در حمایت از داعش در صفحه فیسبوکش، این سؤال را مطرح کرد: «به نظر شما حزب اسلامی باید چه موضعی اتخاذ کند؟». در این مقاله آمده است: «همه می‌دانند که طالبان با حمایت ایران، برای کشتار مجاهدین وابسته به داعش اعلام جنگ کرده است ... همه می‌دانند که این گروه مجاهدین بیش از همه علیه صلیبیون جنگیده‌اند ... اگر این مجاهدین توسط عملیات مشترک طالبان و آمریکایی‌ها کشته شوند، ایالت متحده دیگر هیچ مشکلی با طالبان نخواهد داشت. اکنون شما چه فکر می‌کنید؟ آیا حزب اسلامی که برای جوانمردی‌اش شناخته شده است، نیاز دارد تا به برادران مجاهدش در داعش کمک کند یا

1. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده‌شده در 18 جولای 2015.



نه؟ ... افغان‌هایی هستند که فکر می‌کنند مجاهدین داعش همان فعالیت‌های غیرانسانی را در افغانستان انجام می‌دهند که در عراق انجام دادند؛ اما حوادث در عراق واکنشی به جنایات بی‌شمرانه متعددی بودند که توسط مزدوران ایرانی در عراق انجام شدند که عملاً نسل‌کشی انجام دادند. افراد وابسته به داعش در افغانستان، به این دلیل [از طالبان] جدا شدند که طالبان وابسته به سازمان استخباراتی همسایه هستند. همچنین به دلیل عدم حضور ملا عمر و ترس از اینکه جهاد آنها با معاملات تقسیم قدرت با آمریکا تضعیف نشود»<sup>1</sup>

حضور این گروه بیش از همه تهدیدی برای طالبان بود که ادعا می‌کنند جنبش اصلی مجاهدین در افغانستان هستند. در جون 2015، طالبان نامه‌ای در صفحه فیسبوک خود خطاب به ابوبکر البغدادی رهبر داعش منتشر کرد که در آن علیه راه‌اندازی یک جهاد جداگانه در افغانستان اخطار داده بود.<sup>2</sup> مخالفت طالبان با ظهور داعش، از این نگرانی برمی‌خاست که ممکن بود برخی از جناح‌های ناراضی خود این گروه، جذب تاکتیک‌های افراطی‌تر و خشن‌تری شوند که توسط داعش استفاده می‌شود. تاکتیک‌های وحشیانه داعش آن‌قدر شدید بود که برای دیگر گروه‌های افراطی نیز قابل توجیه نبود. جمعیت اصلاح در محکومیت خشونت داعش، متنی بر روی صفحه فیسبوکش منتشر کرد. یکی از گروه‌هایی که به‌وضوح موضع مخالف خود را بیان کرد، حزب‌التحریر بود. مخالفت حزب‌التحریر در برابر داعش از این رو اهمیت دارد که ادعاهای داعش مبنی بر اینکه این گروه در حال حاضر خلافتی تحت امر ابوبکر البغدادی تأسیس کرده است، در واقع برای دهه‌ها، ایده مرکزی و هدف نهایی حزب‌التحریر بوده است. در نتیجه، حزب‌التحریر آن را به عنوان طرح مورد حمایت آمریکا محکوم می‌کند. در 13 مارچ 2015، حزب‌التحریر مقاله‌ای را در صفحه فیسبوکش منتشر کرد با عنوان «فصل جدیدی از جنگ افغانستان» که در آن آمده است: «آمریکا حضور استعماری بلندمدت خود را در افغانستان، زیر یک سناریوی جدید ایجاد فضای وحشت و خطر برای مردم حفظ می‌کند. حضور داعش در افغانستان می‌تواند به عنوان زیرشاخه چنین سناریویی طبقه‌بندی شود. چراکه تهدید داعش و حضور بلندمدت آمریکا، جنگ و نفرت را میان مردم تشدید می‌کند. بنابراین، برنامه جدیدی برای کشتار وجود دارد به نام داعش و مبارزه با داعش، و سال‌ها خون‌ریزی در انتظار مردم افغانستان است. آمریکایی‌ها می‌خواهند با تفاوت‌هایی جزئی، به منظور شکل‌دادن فصل دیگری از نسل‌کشی و کشتار، همان فاجعه‌ای را در افغانستان خلق کنند که در عراق اتفاق افتاد»<sup>3</sup>

1. حزب اسلامی افغانستان، صفحه فیسبوک رسمی، دیده شده در 13 جولای، 2015

2. الاماره، صفحه فیسبوک رسمی طالبان، دیده شده در 15 جون، 2015

3. د حزب‌التحریر ولایه افغانستان مطبوعاتی دفتر، صفحه فیسبوک رسمی حزب‌التحریر، دیده شده در 13 مارچ 2015

## 4.2.5. امور امت اسلامی

گروه‌های اسلامی خود را به عنوان بخشی از امت مسلمان دانسته و در نتیجه تمرکز آنها بر محیط‌های رسانه‌ای جهانی‌تر است. آنها در شبکه‌های اجتماعی در مورد امور امت مسلمان، از دو جنبه نظر می‌دهند: الف) آنها با ملت‌های مسلمان علیه غربی‌ها و آنچه به عنوان «جهان کفر» می‌شناسند همدلی نشان می‌دهند. ب) آنها رهبران کشورهای اسلامی را به خاطر فساد و ستمگری، یا تنها به دلیل اجرای برنامه‌ای سکولار مورد انتقاد قرار می‌دهند. برای مثال، زمانی که رهبران اخوان المسلمین در مصر محکوم به اعدام شدند، حزب اسلامی و جمعیت اصلاح، پیام‌های خود را در محکومیت این عمل و اعلام حمایت کامل از اخوان المسلمین در فیسبوک منتشر کردند. در 21 می 2015، جمعیت اصلاح مقاله‌ای از نصیر احمد نویدی، رئیس کمیته مرکزی جمعیت منتشر کرد. در این مقاله با عنوان «عدالت را نجات دهید» بحث شده است: «موضع سیاسی آمریکا و بیشتر دولت‌های اروپایی در این رابطه، چیزی غیر از تأیید فیصله‌های شرم‌آور دادگاه‌های مصر و دادن فرصت بیشتر به رژیم کودتایی مصر در جهت سرکوب آزادی و دموکراسی نیست ... بنابراین، تمام کسانی که باور حقیقی به آزادی و عدالت دارند، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و جنسیت، باید از مرسی و پیروانش دفاع کنند ... در غیر این صورت، آنها در دنیا و آخرت در پیشگاه خداوند محکوم بوده و نسل‌های بعدی آنها را نخواهند بخشید»<sup>1</sup>

مفهوم امت اسلامی برای گروه‌های اسلام‌گرای شبه‌نظامی و دیگر گروه‌های اسلام‌گرا در افغانستان، در رویکرد آنها نسبت به مشکلات سیاسی و اجتماعی، نقشی محوری دارد. در 21 جولای 2015، هم حزب‌التحریر و هم جمعیت اصلاح، به مناسبت عید فطر پیام‌های تبریکی در فیسبوک منتشر کردند و هم‌زمان هم‌دردی خود را با مسلمانان به خاطر رنج ناشی از آنچه آنها توطئه علیه مسلمانان در سراسر جهان می‌نامند، ابزار کردند. حزب‌التحریر در پیام خود نوشت: «اگرچه ما این جشن‌ها را تجلیل می‌کنیم، مهم است که بر فجایع متعددی که مسلمین جهان با آن روبه‌رو هستند نیز تأمل داشته باشیم. کشتارهایی که در سوریه، عراق و یمن رخ می‌دهد، بی‌عدالت‌های بی‌شماری هستند که توسط غرب و عوامل آن علیه امت اسلامی ارتکاب یافته‌اند»<sup>2</sup>

در 16 جولای 2015، جمعیت اصلاح با ترکیب ارزیابی خود از اوضاع افغانستان با ارزیابی‌اش از

1. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده‌شده در 21 می 2015.

2. د حزب‌التحریر ولایه افغانستان، مطبوعاتی دفتر، صفحه فیسبوک رسمی حزب‌التحریر، دیده‌شده در 21 جولای 2015.

درگیری در سایر کشورهای مسلمان این پیام را ارسال کرد: «متأسفانه همچنان که عید نزدیک می‌شود، میزان فقر و افسردگی بالاتر از گذشته است و جوانان ما از بیکاری رنج می‌برند. افغانستان با چالش‌های سیاسی و نظامی تازه‌ای مواجه است و مردم نیز از ثبات بهره‌ای ندارند. دولت وحدت ملی و حامیان آن مردم را ناامید کرده‌اند. چشم‌انداز صلح مبهم است. در همین حال، بسیاری از برادران در ملت‌های اسلامی در حال رنج‌بردن هستند. رژیم کودتای مصر در حال کشتار مردم بی‌گناهی است که برای آزادی و کرامت خود مبارزه می‌کنند. توطئه بین‌المللی برای تداوم بحران و تخریب تدریجی سوریه جریان دارد. طرح یهود علیه قبله اول مسلمانان (اورشلیم) ادامه دارد ... مسلمانان میانمار هنوز هم توسط بودایی‌های افراطی کشته می‌شوند ... چین بار دیگر امسال از روزه‌گرفتن مسلمانان سین‌کیانگ جلوگیری کرد. از سوی دیگر، توطئه جدیدی علیه لیبیا و تونس وجود دارد و دشمنان اسلام، از درون و بیرون جوامع مسلمان، جنبش‌های اسلامی و فرزندان امت را از مراکش تا اندونزی تحت فشار قرار می‌دهند؛ تا بتوانند آنها را منزوی کرده و ثروت‌شان را مورد سوءاستفاده قرار دهند»<sup>1</sup>



تصویر 11: ویدیوی پست‌شده توسط جمعیت اصلاح در کانال یوتیوب رسمی آن که گردهمایی هواداران محمد مرسی (رئیس‌جمهور برکنار شده مصر از اخوان المسلمین) را نشان می‌دهد.

تأکید بر یکپارچگی اسلامی فراملی توسط این گروه‌ها به این معناست که مشکلات جهان اسلام در میان مسلمانان عمومیت دارد و در رابطه با یک توطئه بزرگ‌تر به همدیگر مربوط است. مسئولیت رنجوری‌های مسلمانان به قدرت‌های غربی نامسلمان یا دولت‌های ملی نسبت داده می‌شود. قدرت‌های غربی و دولت‌های

1. اصلاح آنلاین، صفحه فیسبوک رسمی جمعیت اصلاح، دیده‌شده در 16 جولای 2015.

ملی به حیث کفار یا دست‌نشانده‌های قدرت‌های امپریالیستی اهریمنی جلوه داده می‌شوند؛ و در مقابل، این گروه‌ها خودشان را به عنوان تنها نیرویی که می‌تواند از منافع امت اسلامی نمایندگی کند و برای مشکلات جاری راه‌حل ارائه دهد، جلوه می‌دهند.

#### 4.3. نقش ترانه‌ها و آهنگ‌های طالبان در روند افراط‌گرایی در افغانستان

ایده‌های افراطی که با استفاده از آهنگ‌های مذهبی توسط طالبان گسترش می‌یابند، معمولاً ترانه‌های طالبان نامیده می‌شوند. این آهنگ‌ها از طریق بلوتوث و توسط افرادی که معمولاً در مناطق روستایی افغانستان زندگی می‌کنند، منتشر می‌شوند. بنابراین آنها چشم اندازه‌های مهمی برای درک جنبه‌های گفتاری شورش طالبان و استراتژی‌های بسیج‌سازی اجتماعی آنها ارائه می‌دهند. این ترانه‌ها نیز مانند پایگاه‌های رسانه‌های اجتماعی در مناطق شهری، پیام‌های طالبان را به گروه‌های اجتماعی که دسترسی اندکی به اینترنت دارند، منتقل می‌کنند. آنها جایگزین کم‌هزینه‌ای برای رسانه‌های اجتماعی هستند، به‌ویژه در مناطق جغرافیایی روستایی افغانستان که دسترسی به اینترنت وجود ندارد. با این حال، در این تحقیق معلوم شد که این ترانه‌ها به طور فزاینده‌ای از طریق صفحات شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و یوتیوب نیز منتشر می‌شوند. تا زمان انتشار این مقاله، تحقیقات قابل توجهی در مورد کاربرد ترانه‌های طالبان انجام نشده است. با این وجود در مطالعه معلوم شد که این ترانه‌ها بصورت نقلی با نگرانی‌هایی که در مورد افراط‌گرایی وجود دارد، مرتبط هستند.

ترانه‌های طالبان موزیک ندارند و محتوای آنها مذهبی هستند. بسیاری از آنها جوانان افغانستان را به مبارزه علیه دولت و نیروهای دولتی فراخوانده و ادعا می‌کنند که مبارزه علیه این حکومت و حامیان آن، وظیفه هر فرد است. درحقیقت، طالبان به‌گونه‌ای فزاینده از این ترانه‌ها برای تشویق جوان استفاده می‌کنند تا سلاح به دست بگیرند و با استفاده از احساسات جوانان، آنها را برای جنگیدن در خط مقدم تشویق می‌کنند. اغلب ترانه‌ها به زبان پشتو هستند و از ساختارهای زبانی ساده‌ای استفاده می‌کنند که آنها را برای افرادی با سطح سواد پایین، که شامل بسیاری از اعضای نیروهای امنیت ملی افغانستان<sup>1</sup> نیز می‌شود، قابل درک می‌سازد. در نتیجه، این ترانه‌ها تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای دارند؛ چراکه تقریباً برای تمام افراد در سطوح مختلفی از آموزش قابل فهم هستند. در این تحقیق 11 مورد از ترانه‌های طالبان که ترویج‌کننده مضامین ذیل هستند، تحلیل شده است:

1. Bilal Sarwari, Anatomy of an Afghan 'Turncoat' Killer, BBC, <http://www.bbc.com/news/magazine-14713523>, Accessed on July 21, 2015

1) موعظه مردم برای پذیرفتن دین

2) انتشار پیام‌هایی در رابطه با جنگ علیه دولت

3) جذب نیروی جوان بیشتر

4) نفوذ در نیروهای امنیتی

5) افزایش خودنمایی میان مردم و جامعه بین‌المللی

6) یادآوری و تجلیل از مرده‌هایشان

اگرچه محتوای این سرودها به راحتی قابل فهم هستند، اما خود این سرودها در بسیاری از مناطق در مقابل پولی اندک به فروش می‌رسند. اغلب این پیام‌ها در بازارهای شهر پیشاور تولید شده و در ابتدا در بازارهای موسیقی آنجا فروخته می‌شوند.<sup>1</sup> علاوه بر آن بازارهای موسیقی، این سرودها در فضای آنلاین نیز در وبسایت‌های مختلفی شامل یوتیوب و وبسایت امارت اسلامی طالبان و دیگر صفحات شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک منتشر می‌شوند. آنها از طریق نوارهای کاست و در کارت‌های حافظه، مخفیانه به افغانستان منتقل می‌شوند. این سرودها در مغازه‌های موبایل‌فروشی، کامپیوترفروشی و موزیک نیز موجود هستند و در بدل کمتر از 2 دالر در این مغازه‌ها در دسترس قرار می‌گیرند.<sup>2</sup>

#### 4. 3. 1. موعظه مردم برای پذیرفتن دین

طالبان یک سازمان مذهبی سنت‌گرا بوده و تصریح دارد که موسیقی در اسلام منع شده است. طالبان در دوران حکومت خود موسیقی را سانسور و فعالیت‌های هنری را محدود کرد. آنها چنین اقداماتی را به عنوان تفریحاتی که موجب حواس‌پرتی و عمل نکردن به اسلام اصیل و عبادت واقعی می‌شوند، در نظر می‌گرفتند. در طول حکومت طالبان، مغازه‌های موسیقی مجاز به فروش هیچ نوع موسیقی غیر از ترانه‌های طالبان و دیگر آهنگ‌های مذهبی نبودند. آنها استدلال می‌کردند که موسیقی در اسلام حرام است، چراکه اعتقادات فرد را تضعیف کرده و باعث می‌شود خدا را فراموش کند. طالبان سرودهای مذهبی را جایگزینی برای موسیقی می‌دانند؛ و در طول حکومت خود تلاش کردند موسیقی‌های محبوب را با ترانه‌های طالبان که توسط مولوی فقیرمحمد و قاری سراج‌الدین و افراد دیگری خوانده می‌شد، جایگزین کنند. آنها در طول حکومت خود به طور

1. مصاحبه با یک خبرنگار افغان، سپتامبر 2015

2. همان

منظم از ترانه‌های‌شان در جلسات رسمی، تجلیل روزهای ملی و تمرین‌ها و رژه‌های نظامی استفاده کردند.

این ترانه‌ها مردم را به اسلام دعوت کرده و بر اهمیت فقه و اعتقادات اسلامی تأکید دارند. همچنین در آنها خصوصیات خداوند و حضرت محمد و نشانه‌هایی از جنت (بهشت) از نکات اصلی هستند. اشاراتی به سفر مذهبی حج به مکه و انجام دیگر امور مذهبی نیز وجود دارد. این سرودها به صورت محلی «نات شریف» نامیده می‌شوند. سرود زیر یکی از نمونه‌هایی است که به خصوصیات حضرت محمد اشاره می‌کند:

محمد، نماد حقیقی عدالت بود.

محمد! تو آرامش قلب‌های عاشقی

با آمدنت، نور عدالت زمین گستر شد.

تاریکی رفته بود، تو نور و روشنایی هستی.

تو آرامش قلب‌های عاشقی.

در این سرود، طالبان با نامیدن حضرت محمد به عنوان نماد حقیقی عدالت، در تلاش برای برجسته‌ساختن فعالیت‌های او هستند و از مردم می‌خواهند گام‌های او را دنبال کنند. ترانه‌های با پیام‌های مذهبی، مخصوصاً در ستایش حضرت محمد، میان مسلمانان در دیگر کشورها نیز محبوب هستند. با این حال، طالبان از آنها برای به‌دست‌آوردن حس هم‌دردی مردم به نفع خودشان، استفاده می‌کنند. این ترانه‌ها از لحاظ احساسی، برای یک مسلمان معتقد بسیار جذاب هستند و زمانی که آنها شروع به گوش‌دادن به آهنگ‌های مذهبی می‌کنند، به آهنگ‌هایی برمی‌خورند که نه‌تنها در مورد مذهب و حضرت محمد صحبت می‌کنند، بلکه ایده‌های افراطی‌تری نیز در آنها مطرح می‌شوند. طالبان از این آهنگ‌ها به عنوان تاکتیک‌هایی برای تأثیرگذاری بر نسل‌های جوان افغانستان به منظور استخدام آنها استفاده می‌کنند.

#### 4. 3. 2. انتشار پیام‌هایی در رابطه با جنگ علیه دولت

به نظر می‌آید در سال‌های اخیر، طالبان هدف قراردادن دولت را با این ترانه‌های مذهبی، افزایش داده باشد. طالبان در این سرودها به فساد، حکومت‌داری ضعیف و سوءمدیریت اشاره کرده و مقامات دولت افغانستان را دست‌نشانده کشورهای غربی می‌نامد. همچنین آنها ترانه‌هایی نوشته‌اند که افراد سرشناس را هدف قرار می‌دهد و از آنها به عنوان ابزاری برای نفوذ مثبت بر مخاطبان خود استفاده می‌کنند. به عنوان

مثال، در سرود زیر، طالبان از رئیس‌جمهور سابق حامد کرزی می‌خواهند تا خارجی‌ها را اخراج کند:

ای کرزی! تو باید انگلیسی‌ها را از این کشور بیرون کنی  
آنها ممکن است مهمان تو باشند، اما دشمنان مرا اخراج کن  
ای کرزی! بگو به رنجرها و هواپیماهای آنها نیاز نداری  
من یک مسلمان خالص هستم، و نه دلارهای آنها و نه کمک‌هایشان را نمی‌خواهم، این را به کرزی بگو

در این ترانه، طالبان می‌گویند خارجی‌ها افغانستان را اشغال کرده‌اند و به عنوان مهمانان رئیس‌جمهور کرزی، کارهای زیادی انجام داده‌اند. هدف طالبان در اینجا تحریک احساسات در میان افغان‌ها علیه حکومت و خارجی‌ها است. طالبان ترانه دیگری در مورد دلرهای آمریکایی منتشر کردند. در اینجا هم طالبان با اشاره به فساد، ادعا کردند که این پول‌ها، افرادی که به اصطلاح رهبران مردم هستند را منحرف کرده‌اند. شعر این است:

بسیاری از مردم را منحرف کرده‌ای  
ای دالر - تو یک جادوگری و جذابیت‌های زیادی داری  
کسی که دیروز رهبر و همچنین واعظ ما بود  
امروز او برده تو است. آه، جادوی دالر، جذابیت‌های زیادی داری

این ترانه، انتقال‌دهنده این پیام است که در 15 سال گذشته، بسیاری از مردم ثروت خود را به شکل غیرقانونی به دست آورده‌اند، از طریق دولتی که توسط خارجی‌ها راه‌اندازی شده است. همچنین طالبان می‌خواهند این پیام را به مردم بفرستند که افراد سرمایه‌داری که صاحب ارزهای خارجی شده‌اند، نشانه‌ای دیگر از دخالت آمریکا در امور جنگ داخلی افغانستان هستند که تعداد زیادی از مردم کشور را به فساد کشیده‌اند.

### 4.3.3. جذب نیروی جوان بیشتر

شواهد قابل توجهی وجود دارد که جوانان، هم در مناطق روستایی و هم در شهرهای بزرگ افغانستان، از این ترانه‌ها الهام گرفته و نقش فعالی در انتشار آنها از طریق بلوتوث و صفحات شبکه‌های اجتماعی دیگر دارند. برای مثال، در یکی از گزارش‌های رادیو آزادی، با چند مرد جوان در کابل در مورد استفاده آنها از ترانه‌های طالبان مصاحبه شده است و تمام آنها می‌گویند که این ترانه‌ها به آنها انگیزه مبارزه داده است. شواهد به طور روزافزون نشان می‌دهد که مردم در شهرهای بزرگ از جمله کابل، به ترانه‌های طالبان گوش

می‌دهند. یک جوان به رادیو آزادی گفته بود که از گوش دادن به ترانه‌های طالبان لذت می‌برد؛ چراکه به او کمک می‌کند درک بهتری از این داشته باشد که چرا باید به طالبان ملحق شود. جوان مصاحبه‌شده دیگری ادعا کرده بود این سرودها باعث شدند او برای شرکت در جهاد ترغیب شود. بر اساس این گزارش، تعداد قابل ملاحظه‌ای از جوانان افغانستان این ترانه‌ها را در موبایل‌های خود دارند و آنها را به راحتی از طریق بلوتوث با دیگران شریک می‌کنند.<sup>1</sup>

تمرکز عمده ترانه‌های طالبان بر جذب نیروهای جدید است. از آنجا که این ترانه‌ها در حال حاضر در اینترنت قابل دسترس هستند، بالقوه این قابلیت را دارند تا بر جوانانی که دسترسی آسان به اینترنت دارند، و همچنین جوانانی که این ترانه‌ها را از طریق بلوتوث در مناطقی که دسترسی به اینترنت وجود ندارد دریافت می‌کنند، تأثیر بگذارند. بعلاوه، طالبان از این ترانه‌ها و آهنگ‌های مذهبی در پس‌زمینه بعضی از ویدیوهای خود به عنوان بخشی از استراتژی جذب نیرو استفاده می‌کنند. مردم عادی فیلم‌های تبلیغاتی طالبان را تماشا کرده و به ترانه‌های آنها در موبایل‌های خود گوش می‌دهند. برای نمونه، طالبان در سرود زیر، جوانان را خطاب قرار داده و استدلال می‌کند که: «نشستن در خانه کاری است که زنان انجام می‌دهند» و اینکه «مردان باید به میدان نبرد بروند».

برو چوری بیانداز، مانند زنان

گلدانی بردار، مانند زنان و آب بیاور

اگر نمی‌خواهید مبارزه کنید، به چه درد می‌خورد موهای بلندتان

تمام آنچه انجام می‌دهید، فقط خوردن است

و کسانی که در جنگ سهم نمی‌گیرند، باید به سرهایشان شلیک شود

کسانی که در جنگ شرکت نمی‌کنند، در سایه می‌خوابند

کرزی تمام روز لباس‌هایی به رنگ‌های مختلف می‌پوشد

او می‌خورد و می‌نوشد و می‌خوابد

و آنها که به میدان جنگ نمی‌روند

سرود دیگری که برای جذب و استخدام جوانان استفاده می‌شود می‌گوید:

کاش کفش‌های خدمتی داشتم و راکتی سبز بر شان‌هایم می‌گذاشتم

آرزو می‌کنم کاش فقط یک دختر نبودم

---

1. سمیع بصری، چرا شنیدن ترانه‌های طالبان در میان جوانان افغان بیشتر شده است؟ رادیو آزادی، افغانستان، 10 جولای 2011  
<http://da.azadiradio.org/content/article/24261145.html>



آرزو می‌کنم فقط یک دختر نبودم و می‌جنگیدم علیه یهودها در کوهها

آرزو می‌کنم فقط یک زن نبودم و زندگی من پر از مبارزات بود

آرزو می‌کنم کاش فقط یک زن نبودم و می‌توانستم ماشه بکشم با استفاده از گلوله‌های خودتان

محمداسماعیل یون، صاحب رسانه ژوندون و رئیس جنبش ملی، در مصاحبه با رادیو آزادی گفت که این ترانه‌ها امکان خلق خشم و نارضایتی میان جوانان علیه دولت و نیروهای خارجی را نیز دارند. این آهنگ‌ها احساسات آنها را تحریک کرده و حس هم‌دردی با طالبان خلق می‌کنند. به گفته آقای یون، گوش دادن به این آهنگ‌ها مانند «پخش موسیقی برای مار» است و می‌تواند تأثیر شدیدی بر مردم داشته باشد و نتیجه‌ی آن به نفع افغانستان نیست. او همچنین اضافه می‌کند که توافق نظری وجود دارد که طالبان از این ترانه‌ها به عنوان ابزار تأثیرگذاری برای ترویج برنامه‌های خود استفاده می‌کنند. این یک واقعیت آشکار است. از آنجا که اکنون طالبان نمی‌توانند از رادیو یا تلویزیون برای تبلیغات خود استفاده کنند، بنابراین با تولید نوارهای کاست حاوی این ترانه‌ها، جایگزینی برای دسترسی به جمعیت بزرگ‌تر فراهم می‌کنند.

طالبان از این ترانه‌ها، زمانی که گروه‌ها را جمع کرده و با آنها ملاقات دارند، به عنوان ابزار موثری استفاده می‌کنند. در مصاحبه‌ای<sup>1</sup> با یکی از ساکنان منطقه چهاردره ولایت هلمند، مشخص شد که طالبان گاه‌گاهی به مسجدهای محلی سر می‌زنند و این ترانه‌ها را با استفاده از بلندگوهای مساجد منتشر می‌کنند. او همچنین اضافه کرد که در ابتدا علاقه‌ای به گوش دادن به این ترانه‌ها نداشته است. با این حال، پس از اصرار از سوی برخی از اعضای طالبان، او شروع به گوش دادن به این ترانه‌ها کرده بود. به تدریج علاقه بیشتری به آنها پیدا کرده و این اندیشه در او شکل گرفته بود که باید از طریق مبارزه علیه کفار به خداوند خدمت کند. این نمونه، نشان می‌دهد که این ترانه‌ها چگونه بر مردمی که به طور منظم به آنها گوش می‌دهند، تأثیر می‌گذارد. چندین عامل وجود دارد که چرا مردم تحت تأثیر این ترانه‌ها قرار می‌گیرند. محتوای این ترانه‌ها برای مسلمانانی که در افغانستان زندگی می‌کنند، بسیار جذاب هستند. برای مثال، ترانه‌ای که در بالا ذکر شد، در مورد رئیس‌جمهور قبلی افغانستان حامد کرزی بود که تعلیمات اساسی دین اسلام را دنبال نمی‌کند. در این ترانه، طالبان ادعا می‌کند که کرزی به زندگی مرفه خود مشغول است و می‌خواهد و شراب می‌نوشد. نکته مهم آنجاست که در اسلام، هر شکلی از الکل حرام است و طالبان این مسایل را در مورد مقامات دولتی برجسته می‌کنند تا رنجش و خشم مردم علیه آنها را که در نهایت به نفع طالبان تمام می‌شود، افزایش دهند.

1. مصاحبه با یک خبرنگار افغان، 15 سپتامبر 2015.

#### 4.3.4. نفوذ در نیروهای امنیتی

شواهد نشان می‌دهند که ترانه‌های طالبان در میان نیروهای امنیتی، عمدتاً به دلیل سطح پایین سواد در میان آنها، محبوب هستند. بیشتر کارکنان بخش امنیتی در افغانستان یا از سطح پایین آموزش برخوردارند یا هیچ‌گونه آموزش رسمی ندیده‌اند.<sup>1</sup> طبق یافته‌های طلوع نیوز، نزدیک به 70 درصد از کارمندان وزارت داخله بی‌سواد هستند.<sup>2</sup> ترانه‌های طالبان به زبانی ساده نوشته شده و پیام‌های آنها برای مخاطبانشان کاملاً روشن است. نیروهای امنیت ملی افغانستان مانند سایر مردم این کشور، دسترسی آسانی به این ترانه‌ها دارند. این ترانه‌ها مستقیماً به عنوان دلیل حداقل یکی از حملات «سبز بر آبی» که در نوامبر 2010 اتفاق افتاد، ذکر می‌شود. در این حمله،<sup>3</sup> عزت‌الله وزیرول یکی از پلیس‌های مرزی که تحت آموزش آمریکایی‌ها بود، به تعدادی از مربیان خود که در حال استراحت بودند، حمله کرد. او پیش از آنکه توسط سایر نیروهای امنیتی کشته شود، 6 سرباز آمریکایی را کشت. یک تحقیق بی‌بی‌سی که پس از آن انجام شد،<sup>4</sup> فاش کرد که عزت‌الله این حمله را پس از آنکه تحت تأثیر طالبان قرار گرفته بود، انجام داد. یکی از دوستان نزدیک او به بی‌بی‌سی گفته بود که در آن زمان، عزت‌الله به سرودهای طالبان گوش می‌داد. این مسأله پس از تحقیقات توسط نیروهای امنیت ملی افغانستان نیز تأیید شد و آنها سرودهای طالبان را که چنین حملاتی را تشویق می‌کرد، از موبایل او بازیابی کردند. دو سرود زیر از موبایل عزت‌الله بازیابی شده است:

برو چوری بیانداز، مانند زنان

گلدانی بردار، مانند زنان و آب بیاور

اگر نمی‌خواهید مبارزه کنید، به چه درد می‌خورد موهای بلندتان

تمام آنچه انجام می‌دهید، فقط خوردن است

زمانی که خبر شهادت تو را شنیدم، اشک از چشمانم جاری شد

مرگ تو مرا در میان غم و اندوه قرار داد، در سراسر لغمان اشک و ماتم بود

تلاش کردم خودم را آرام کنم، اما نمی‌توانم

به خدا سوگند، نمی‌توانم تحمل کنم

---

1. Farid Hussainkhail, 60,000 Afghan Police Are Illiterate, Tolonews, April 22, 2015: <http://www.tolonews.com/en/afghanistan/19181-60000-afghan-police-are-illiterate>, Afghanistan  
2. Ibid  
3. Bilal Sarwari, Anatomy of an Afghan 'Turncoat' Killer, BBC, October 21, 2011: <http://www.bbc.com/news/magazine-14713523>  
4. Ibid

سرودهای طالبان، به وضوح جوانان را فرامی‌خوانند تا اسلحه به دست گرفته و به منظور مبارزه با کفار به صفوف طالبان بپیوندند. در سرود اول، طالبان مردان جوانی را که در جنگ در کنار طالبان سهم نمی‌گیرند، با زنان مقایسه کرده‌اند. جوانانی که در جامعهٔ مردسالاری مانند افغانستان زندگی می‌کنند، هرگز نمی‌خواهند با زنان مقایسه شوند. بنابراین، این سرودها برای آن طراحی شده‌اند که احساسات جوانان را تحریک کرده و آنها را برای اثبات شجاعت‌شان تشویق به پیوستن به طالبان کنند.

#### 4.3.5. افزایش خودنمایی میان مردم و جامعهٔ بین‌المللی

همان گونه که قبلاً ذکر شد، طالبان دسترسی منظم و مستقیم به امکانات رسانه‌ای معتبر مانند تلویزیون، رادیو یا نشریه‌ای که آنها را قادر بسازد پیام‌هایشان را منتشر کنند، ندارند. شواهد نشان می‌دهد که طالبان چند ایستگاه رادیویی در مکان‌های محدودی دارند. با این حال، یک ابزار عمده برای انتشار ایدئولوژی افراطی که همچنین کارآمدترین، امن‌ترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین شیوه برای انتشار پیام‌هایشان به حساب می‌آید، همین ترانه‌ها است. آنها پیام‌های روشنی برای دولت افغانستان و جامعهٔ بین‌المللی در مورد مسایل مختلفی از جمله اینکه چرا طالبان علیه آنها می‌جنگند، می‌فرستند. ترانهٔ زیر به جامعهٔ بین‌المللی توضیح می‌دهد که چرا طالبان علیه آنها مبارزه می‌کند:

من شب‌های تاریک را مخفیانه در کوه‌ها به سر می‌برم

با این حال، شما مرا سرزنش می‌کنید

خانه‌ام بمباران شده است و کودکانم آواره

و شما مردم جهان، هنوز هم مرا سرزنش می‌کنید

این بیگانگان به خانه‌ام تجاوز کردند

آنها مرا وادار به جدایی از دینم می‌کنند

شما مهاجمان

این شاید برای شما مسألهٔ اندکی باشد، اما برای من مهم است

و شما مردم جهان هنوز هم مرا سرزنش می‌کنید

طالبان در این ترانه به روشنی بیان می‌کند که نیروهای بین‌المللی به افغانستان تجاوز نموده، خانه‌های بسیاری از مردم را بمباران کرده، و برای تغییر اعتقادات مردم افغانستان تلاش می‌کنند. همچنین طالبان این مسأله را تأکید می‌کند که هدف اصلی نیروهای خارجی نه آوردن صلح، بلکه هدف پنهانی دیگری است.

آنها استدلال خود را بر این اساس بنیاد نهاده و جهاد علیه نیروهای خارجی را توجیه می‌کنند. طالبان در ترانه‌ای دیگر از موفقیت‌های خود در برابر نیروهای خارجی صحبت می‌کنند. طالبان تلاش دارند تا به مردم بگویند آنها قوی و در حال پیروزی هستند و می‌توانند با نیروهای افغان و حامیان بین‌المللی‌شان مبارزه کنند.

#### 4. 3. 6. یادآوری و تجلیل از کسانی که مرده‌اند

همچنین ترانه‌های طالبان، شهادت در جنگ‌ها را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها و لحظات افتخارآمیز تجلیل می‌کنند. برای مثال، ترانه‌ی زیر یکی از فرماندهان طالبان به نام فرمانده ملا شهزاد را که در ولسوالی نوزاد ولایت هلمند کشته شده است، ستایش می‌کند:

ای قبرستان! عزیزان ما را فراموش نکنی  
ملا شهزاد، نماد موفقیت ما را فراموش نکنی  
یک شاخه گل رز سفید از قلب «نوزاد» بیرون آمده است  
او نتیجه‌ی سرکوب و تهاجم است  
او در آغوش تو پناه می‌جوید  
نباید جنگجویان و مسافران را فراموش کنی  
نباید ملا شهزاد، نماد موفقیت ما را فراموش کنی

طالبان در این ترانه از غرور و افتخار برای فرماندهان خود صحبت می‌کنند. این ترانه فرمانده را یک شهید نامیده و ادعا می‌کند این بهترین راه مردن است. طالبان همچنین تلاش کرده‌اند تا دیگران را متقاعد سازند به اینکه مبارزه علیه بدی‌ها و به‌خاطر سپاردن مردگان، وظیفه‌ی آنها است. بخش دیگری از ترانه طالبان به ستایش جنگجویان اختصاص یافته است. به نمونه‌ی بعدی توجه کنید:

آه، مسافر کوه‌های بلند که در هجوم بادهای قوی هستی  
من خود را برای شما قربانی می‌کنم  
من خود را برای سرباز دین قربانی می‌کنم  
شما بسیار رنج برده‌اید  
من خود را برای شما قربانی می‌کنم  
اما هر بار، شما در میدان‌های جنگ بوده‌اید  
من خود را برای شما قربانی می‌کنم

شما مدافع درمانده‌ها بوده‌اید  
 من خود را برای شما قربانی می‌کنم  
 شما سرباز دین بوده‌اید  
 شما سرکوب‌گران را نگه داشته‌اید  
 من خود را برای شما قربانی می‌کنم  
 شما سرباز دین هستید  
 من خود را برای شما قربانی می‌کنم

باز هم در این ترانه اشاره‌های مهمی به میدان جنگ شده است؛ و اینکه چگونه مردم تشویق به برداشتن سلاح شده و به میدان جنگ بروند. این شعر از کسانی که در میدان‌های نبرد رنج برده و با وجود سپری کردن دورانی دشوار، هنوز میدان جنگ را ترک نکرده‌اند، ستایش می‌کند. در این ترانه، کسانی که از سرکوب‌شدگان دفاع می‌کنند، ناجی درماندگان نامیده می‌شوند که علیه سرکوب‌گران می‌جنگند. این بدان معناست که طالبان مبارزان خود را به عنوان جنگجویان و قهرمانانی می‌بیند که از فقیران و درماندگان در مقابل نیروهای امنیتی دولتی و خارجی دفاع می‌کنند.



تصویر 12: یک صفحه فیسبوک پر از آهنگ‌های طالبان که مردگانش را تجلیل کرده و تبلیغات علیه دولت افغانستان و متحدان بین‌المللی‌اش را منتشر می‌کند.

#### 4.4. درک مردم در مورد روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی

هدف این بخش برجسته‌کردن تصورات و تجارب مردم افغانستان در مورد روند افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی در 4 ولایت افغانستان (هرات، جلال‌آباد، کابل و مزار شریف) است. به منظور پشتیبانی از اطلاعات مبتنی بر واقعیتی که در بخش‌های قبلی این مقاله برجسته شد، ما برای درک بیشتر از شیوه‌هایی که افراد و گروه‌های افراطی پیام‌های خود را منتشر می‌کنند، با کاربران فعال رسانه‌های اجتماعی در شهرهایی مذکور، مصاحبه کرده‌ایم. برای دستیابی به دیدگاه‌های مختلف در رابطه با این موضوع، 72 مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ژرف‌کاوانه با افرادی شامل دانشگاہیان، خبرنگاران، فعالان جامعه مدنی، رهبران مذهبی، دانشجویان و مقامات دولتی و امنیتی صورت گرفت. با این حال، ما می‌دانیم که مصاحبه با 72 کاربر شبکه اجتماعی، از تمام جمعیت کاربران رسانه‌های اجتماعی در افغانستان نمایندگی نمی‌کند. اما این بخش تصویری کلی را از دیدگاه و برداشت مردم در مورد انواع مختلف روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

#### 4.4.1. استفاده از رسانه‌های اجتماعی در افغانستان

محبوب‌ترین صفحات رسانه‌های اجتماعی در میان مصاحبه‌شوندگان، فیسبوک، به‌دنبال آن تویتر، یوتیوب، اینستاگرام و گوگل پلاس هستند. کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در هرات، جلال‌آباد، کابل و مزار شریف، عمدتاً از فیسبوک برای برقراری تماس با خانواده‌ها و دوستانشان و همچنین پی‌گیری اخبار و امور جاری و تبادل نظر در امور سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کنند. تنها تعداد کمی از شرکت‌کنندگان در جلال‌آباد باور داشتند که رسانه‌های اجتماعی برای بسیج سیاسی و اجتماعی در افغانستان، مانند تظاهرات خیابانی و غیره استفاده می‌شود. برخی از دانش‌آموزان مصاحبه‌شده در جلال‌آباد، از رسانه‌های اجتماعی برای ارتباط داشتن با تعدادی از چهره‌های آکادمیک برجسته در کشورهای غربی استفاده می‌کنند. در حالی که تعداد اندک دیگری، فعالانه در انجمن‌های مختلف برای مقابله با انتشار ایدئولوژی‌های افراطی سهم می‌گیرند. مردم مصاحبه‌شده در کابل، هرات و مزار شریف، عمدتاً از رسانه‌های اجتماعی برای پی‌گیری اخبار و امور جاری، تبادل دیدگاه در مورد امور اجتماعی و سیاسی و برقراری ارتباط با خانواده‌ها و دوستانشان استفاده می‌کنند.

با افزایش استفاده از اینترنت در افغانستان، وابستگی به شبکه‌های اجتماعی نیز افزایش یافته است.

پاسخ‌دهندگان در هر چهار شهر نشان دادند که جوانان تا حد زیادی برای به‌روزرسانی اخبار به رسانه‌های اجتماعی وابسته هستند؛ و به راحتی توسط روایت‌های مختلف افراطی در رسانه‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. برای مثال، یک استاد دانشگاه مصاحبه‌شده در جلال‌آباد، ادعا کرد که در سال 2014 در طول بحران انتخابات ریاست‌جمهوری، او تغییرات قابل‌ملاحظه‌ای در میان جوانان جامعه‌اش مشاهده کرده است. این اظهار نظر توسط تعداد دیگری از استادان دانشگاه جلال‌آباد نیز تأیید شد. آنها گفتند که فیسبوک در گذشته به عنوان یک ابزار سرگرمی دیده می‌شد، اما مردم اخیراً بحث و گفت‌وگو در رابطه با مسایل سیاسی را آغاز کرده‌اند که پس از سردرگمی‌ها بر سر انتخابات ریاست‌جمهوری، برای چندین ماه ادامه داشت. به عبارت دیگر، انتخابات 2014 نقطه عطفی در استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای بیدارسازی سیاسی و مدنی در افغانستان بود.

یکی از استادان در جلال‌آباد گفت که بازدید از صفحات مختلف رسانه‌های اجتماعی، یک عمل رایج میان دانشجویان شده است؛ و ادعا کرد که 100 درصد محصلانی که در رسانه‌های اجتماعی فعال هستند، توسط مسایل افراطی جاری، به یک شکلی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. وی افزود که مشاهده می‌شود بیشتر جوانان در پست برخی چهره‌های شناخته‌شده در فیسبوک لایک و نظر می‌گذارند و اکثریت این جوانان تعدادی از پست‌ها را بدون بررسی اطلاعاتی که در آنها ذکر شده است، به اشتراک می‌گذارند. چندین مصاحبه دیگر نشان دادند که جوانان توسط عناصر مختلف افراطی در فیسبوک و دیگر رسانه‌های اجتماعی فریب خورده و ناخودآگاه نظراتی هم‌راستا با عناصر تندرو بیان می‌کنند. اکثریت پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد، در پاسخ به این سؤال که «آیا رسانه‌های اجتماعی برای بسیج اجتماعی در افغانستان استفاده می‌شود؟» ادعا کردند که شبکه‌های اجتماعی تنها به عنوان ابزاری برای سرگرمی و منبع خبری استفاده می‌شود. با این حال، چند تن از پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد ادعا کردند که در گذشته، رسانه‌های اجتماعی در شهرها برای اعلام مسایلی مثل خاموشی برق و تظاهرات علیه سوزاندن قرآن استفاده شده است. کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در هرات و کابل، فعالانه از رسانه‌های اجتماعی برای بسیج اجتماعی از طریق اعلام برنامه‌رویدادهای عمومی در فیسبوک و تویتر استفاده می‌کنند.

اطلاع‌رسانی به افراد هم‌فکر در زمینه‌های مختلف و بحث و بررسی مشکلات جاری که مردم با آن مواجه هستند، از طریق رسانه‌های اجتماعی ساده‌تر است. یکی از فعالان جامعه مدنی در هرات ادعا کرد که او و دوستانش از رسانه‌های اجتماعی برای پرکردن شکاف میان افراد لیبرال و مذهبی استفاده می‌کنند؛ در حالی که

تعداد کمی از مردم مصاحبه‌شده در مزار شریف ادعا کردند که آنها در مقابله با ایدئولوژی‌های افراطی، برای افشای مردمی که حساب‌های جعلی می‌سازند، تلاش می‌کنند. یکی از فعالان جامعه مدنی مصاحبه‌شده در مزار شریف گفت که او در همکاری با سازمان‌های مختلف جامعه مدنی، برای بسیج مردم و بالابردن سطح آگاهی عمومی علیه عناصر افراطی در بین مردم و در رسانه‌های اجتماعی، از این رسانه‌ها استفاده می‌کند.

#### 4.4.2. استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط عناصر افراطی

تنها چند نفر از پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت معتقد بودند که گروه‌های تندرو از رسانه‌های اجتماعی به منظور جذب نیرو استفاده می‌کنند. با این حال، اتفاق نظر میان تمام کاربران شبکه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده این بود که عناصر تندرو از رسانه‌های اجتماعی عمدتاً برای به‌دست‌آوردن حمایت نسبت به اهدافشان استفاده می‌کنند و به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند. یکی از خبرنگاران مصاحبه‌شده در کابل ادعا کرد که رسانه‌های اجتماعی عمدتاً برای شستشوی مغزی و استخدام جوانان برای اعمال خشونت‌آمیز به علت‌های مختلف استفاده می‌شود. او به مبارزه آنلاین داعش برای جذب نیرو از میان جنگجویان خارجی اشاره داشت.<sup>1</sup> به گفته وی، طالبان نیز از رسانه‌های اجتماعی با هدف جذب نیرو استفاده می‌کنند. او هشدار داد که اگر دولت افغانستان سیاست‌های مناسبی برای جلوگیری از فعالیت‌های عناصر افراطی در رسانه‌های اجتماعی اجرا نکند، این می‌تواند به مشکلاتی جدی برای آینده افغانستان بیانجامد. یک دانش‌آموز و یک کارمند دولت مصاحبه‌شده در کابل، ادعا کردند که عناصر افراطی با استفاده از عکس‌های جعلی و نام دختران حساب‌های جعلی می‌سازند و از آن برای جذب جوانان استفاده می‌کنند. دارندگان این حساب‌ها سعی می‌کنند دخترانی را به تصویر بکشند که برای مردان جوان جذابیت دارند؛ در حالی که ایده‌های افراط‌گرایانه خود را انتشار می‌دهند تا زمانی که در متقاعد کردن جوانان برای پیوستن به آنها موفق شوند.

یک محقق مصاحبه‌شده در کابل گفت که گروه‌های افراطی پیام‌هایی را ترویج می‌کنند که بر ایده‌هایی با ریشه‌های عمیق در متون مذهبی مسلمانان تکیه دارد. او اشاره کرد که واژه‌هایی مانند جهاد و کافر و جملاتی مانند «اسلام در خطر است»، معمولاً در صفحات رسانه‌های اجتماعی متعلق به عناصر افراطی که هدفشان عمدتاً ایجاد انگیزه برای جوانان برای پیوستن به آنهاست، استفاده می‌شود. او چنین استدلال کرد که ممکن است جذب نیرو توسط عناصر افراطی برای دستیابی به اهدافشان، آشکارا دیده نشود؛ اما پیام‌های آنها

---

1. ویس بارکزی، جلب و جذب برای داعش از طریق فیسبوک، صفحه رسمی فیسبوک: (دیده‌شده در 7 اگست 2015)  
<https://www.facebook.com/WaisBarakzai/videos/vb.367376293298903/891482617554932/?type=2&theater>



کاملاً روشن است. تندروان نه تنها خواستار هم‌دردی و حمایت هستند، بلکه همچنین مردمی را می‌خواهند که کنار آنها در میدان نبرد مبارزه کنند.

#### 4.4.3. مواجهه پاسخ‌دهندگان با روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی

اکثریت پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت، ادعا کردند که آنها به طور روزمره با پیام‌های افراط‌گرایانه در رسانه‌های اجتماعی برخورد کرده‌اند. به طور کل، کاربران رسانه‌های اجتماعی با دو نوع پیام افراط‌گرایانه مواجه می‌شوند:

(1) پیام‌های افراطی مذهبی که برای جهاد و استقرار دولت اسلامی فراخوان می‌دهند.

(2) پیام‌های افراطی قومی که تنفر قومی را میان گروه‌های مختلف قومی تحریک می‌کنند.

پاسخ‌دهندگان در جلال‌آباد ادعا کردند که آنها با انواع روایت‌های افراطی برخورد می‌کنند که توسط افراط‌گرایان مذهبی منتشر می‌شوند؛ در حالی که پاسخ‌دهندگان در کابل و مزار شریف با پیام‌های افراطی که هدف آنها گروه‌های قومی مختلف و تحریک نفرت‌های نژادی هستند، نیز مواجه می‌شوند. علاوه بر این دو نوع روایت‌های افراطی یافت‌شده در رسانه‌های اجتماعی، پاسخ‌دهندگان در هرات ادعا کردند که آنها به روایت‌های افراط‌گرایانه‌ای از سوی افراد سکولار که آشکارا اعتقادات مذهبی را نقد می‌کنند نیز برمی‌خورند. پیام‌های مذهبی عمدتاً برای ایجاد دولت اسلامی (خلافت) و جنگ علیه کفار، حجاب برای زنان، محکومیت عملیات‌های ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان و دیگر کشورهای مسلمان جهان و همچنین محکوم کردن رسانه‌ها بخاطر نشر برنامه‌های ضد ارزش‌های اسلامی، فراخوان می‌دهند.

موضوعات دیگری نیز در رابطه با عقاید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک گروه‌های مختلف در رسانه‌های اجتماعی بحث می‌شود. یک فعال جامعه مدنی در هرات ادعا کرده است که حامیان اشرف‌غنی و عبدالله، با توجه به اختلافات متعددی که میان رئیس‌جمهور و رئیس اجرائیه دولت وحدت ملی وجود دارد، در حال نفرت‌پراکنی میان پشتون‌ها و تاجیک‌ها هستند. علاوه بر این، پاسخ‌دهندگان در هرات باور داشتند که تنش‌های جدیدی میان نوگرایان و سنت‌گرایان به دلیل تفاوت‌های ایدئولوژیک آنها وجود دارد.

یک فعال مدنی مصاحبه‌شده در مزار شریف ادعا کرد که گروه‌های افراطی، پیام‌های مذهبی و قومیتی را ترکیب می‌کنند. او پیام‌هایی علیه پشتون‌ها را با برجسب‌زدن این قوم به عنوان بمب‌گذار انتحاری توصیف کرد؛ در حالی که اقوام دیگر برای تبدیل دین خود به مسیحیت، سرزنش می‌شوند. یکی دیگر از فعالان

جامعه مدنی که در هرات با او مصاحبه شده بود، ادعا کرد که گروه‌های افراطی به منظور گسترش نفرت میان اقوام مختلف، تصاویر فتوشاپ‌شده‌ای را با هدف بدجلوه‌دادن گروه‌های قومی خاص منتشر می‌کنند. بعضی از پاسخ‌دهندگان متعلق به جامعه شیعه هزاره ادعا کردند که آنها بسیار مورد هدف قرار می‌گیرند.

با این حال، پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت توافق دارند که گروه‌های تندرو به طور عمده، دولت افغانستان و جامعه بین‌المللی را هدف قرار می‌دهند. این دیدگاه توسط مردمی که در هرات با آنها مصاحبه شده بود، تأیید شد. آنها باور داشتند گروه‌های افراطی، اقوام خاصی را هدف قرار می‌دهند؛ اما هدف اصلی آنها نفرت‌پراکنی علیه دولت افغانستان، به منظور تضعیف آن است. چندین پاسخگویی دیگر از مزار شریف و هرات ادعا کردند که گروه‌های افراطی، زنان را هدف قرار داده و مخالف آموزش مختلط زنان و مردان در مؤسسات آموزشی هستند.



تصویر 13: یک حساب جعلی فیسبوک که با منسوب کردن پشتون‌ها به قوم بنی‌اسرائیل، نفرت قومی را علیه آنها ترویج می‌کند.

یک خبرنگار مصاحبه‌شده در کابل ادعا کرد که او به طور مستقیم با مطالب افراطی در رسانه‌های اجتماعی برنخورده است. با این حال، او باور داشت که دوستان او با این مطالب مواجه شده‌اند. به گفته او، مطالب افراطی در رسانه‌های اجتماعی متفاوت هستند. برخی مردم دیدگاه‌های افراطی خود را با اشتراک در بحث‌هایی که دیدگاه‌هایی بنیادگرایانه و تندروانه در آن مطرح می‌شود، بیان می‌کنند؛ در حالی که دیگران، علاوه بر انتشار و انتقال مطالب و تصاویر خشونت‌آمیز، به طور مداوم در حال پست‌کردن، لایک‌زدن، اشتراک‌گذاری و نظردادن در صفحات شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های شناخته‌شده افراط‌گرا هستند. این دیدگاه نشان می‌دهد که گروه‌ها یا افراد افراطی کاربران رسانه‌های اجتماعی را جذب محتوای بحث‌های خود کرده و آنها را وارد بحث می‌کنند. هیچ یک از پاسخ‌دهندگان عوامل و دلایل این امر را توضیح نداده‌اند و نیاز است این مسأله در تحقیقات آینده تحلیل و بررسی شود.

اکثریت مصاحبه‌شوندگان باور داشتند که ساده‌ترین و مؤثرترین تاکتیک‌های استفاده‌شده توسط افراد یا گروه‌های افراطی برای به‌دست‌آوردن حمایت، تغییردادن آموزه‌های دینی طبق اهداف خودشان است. برای مثال، یک معلم مصاحبه‌شده در جلال‌آباد ادعا کرد که افراط‌گرایان پیام‌های خشونت‌آمیز را منتشر کرده و بنا بر یک تفسیر کاملاً غلط از متون دینی، آن را به قرآن ارجاع می‌دهند. وی افزود گروه‌های افراطی مختلف، جوانان را هدف قرار می‌دهند که به دلیل ضعف برنامه‌های آگاهی‌دهی عمومی در افغانستان، به آسانی طعمه تبلیغات آنها می‌شوند. تمام پاسخ‌دهندگان توافق داشتند که جوانان هدف اصلی گروه‌ها و افراد افراطی هستند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ادعا کردند که پیام‌های افراطی در شبکه‌های اجتماعی در چند سال اخیر افزایش یافته است. آنها اشاره می‌کنند که مسایلی چون ماهیت غیراسلامی دولت افغانستان، نقض تعالیم اسلام توسط توانمندسازی زنان و ترویج سکولاریسم، ناسازگاری چندین برنامه تلویزیونی با ارزش‌های اسلامی و غیره، از سوی افراد و گروه‌های افراطی مختلف برای توجیه ایده‌هایشان استفاده می‌شود.

یک پاسخ‌دهنده ادعا کرد که بیشتر صفحه‌های افراطی از طریق حساب‌های جعلی اداره می‌شوند. ناشناس بودن و استفاده از حساب‌های جعلی، انتشار هر گونه محتوای افراطی را برای این افراد نسبت به کسانی که با هویت شناخته‌شده این کار را انجام می‌دهند، آسان‌تر کرده است. برای مثال، یک رهبر مذهبی مصاحبه‌شده در جلال‌آباد ادعا کرد که برخی مردم با وجود اینکه با دولت افغانستان و سازمان‌های جامعه مدنی کار می‌کنند، به طور ناشناس در شبکه‌های اجتماعی، حضور آمریکا در افغانستان را تهاجم کفار می‌نامند. این صفحه‌ها به شکل مستقیم، مردم را به جنگ علیه کفار و حضور جامعه بین‌المللی و ایالات متحده در افغانستان دعوت می‌کنند.

تمام پاسخ‌دهندگان مدعی هستند که روایت‌های افراطی، عمدتاً گروه خاصی از مردم را هدف حمله قرار می‌دهند که به برداشت غربی از مفهوم دموکراسی و آزادی اعتقاد دارند. همچنین باور بر این است که گروه‌های افراطی، علاوه بر حضور جامعه بین‌المللی در افغانستان، مقامات دولتی و نیروهای امنیت ملی افغانستان را نیز هدف قرار می‌دهند. تعدادی از پاسخ‌های دیگر به این مسأله اشاره دارد که تمام گروه‌های افراط‌گرا، فرقی نمی‌کند که گروه‌های افراطی قومی یا مذهبی یا سکولار باشند، هر کسی را که با ایدئولوژی آنها مخالف باشد، هدف قرار می‌دهند. تمام گروه‌های افراطی که در بالا ذکر شدند، جوانان را تشویق می‌کنند در برابر افرادی که متعلق به دین یا قوم دیگری هستند، بیشتر محافظه‌کار باشند.

بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که گروه‌های افراطی مردم را به طور مستقیم به اعمال خشونت‌آمیز

دعوت نمی‌کنند. آنها اظهار داشتند که به جای آن، این روند با دعوت مردم به حمایت از انگیزه‌های آنها شروع می‌شود که اولین قدم به سمت افراط‌گرایی است. با این حال، بسیاری از پاسخ‌دهندگان به صفحه‌هایی اشاره کردند که توسط افراد ناشناس با استفاده از حساب‌های جعلی اداره می‌شوند؛ و مردم را به جهاد و اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولت، حضور جامعه بین‌المللی در افغانستان و هر کسی که از دولت یا ایالات متحده یا ناتو حمایت کند، فرامی‌خوانند. این صفحه‌ها معمولاً ادعا می‌کنند که اقدامات خشونت‌آمیز علیه ماهیت سکولار دولت افغانستان، از لحاظ دینی توجیه‌شده است. علاوه بر این، آنها دولت افغانستان را با اشاره به ضعف در نظام سیاسی کنونی مورد انتقاد قرار داده و به دلیل روابط خوب آن با کشورهای غیراسلامی، سرزنش می‌کنند.

یکی از پاسخ‌دهندگان در مزار شریف ادعا کرد که او توسط یکی از عناصر افراطی از طریق رسانه‌های اجتماعی دعوت شده بود تا برای گروه فیسبوکی آنها به عنوان یک مبلغ کار کند؛ و بعدها به دلیل امتناع از انجام این کار، تهدید شده بود. با این حال، یک خبرنگار مصاحبه‌شده در کابل دیدگاه متفاوتی نسبت به محتوای افراطی در فضای آنلاین داشت. او گفت مشاهده شده است که تنها بخش کمی از محتوای تحریک‌کننده در رسانه‌های اجتماعی آنلاین، در خارج از آن تبدیل به عمل می‌شوند. او استدلال کرد که رسانه‌های اجتماعی جوانان افغانستان را بسیار تنبل کرده است. آنها خود را در فضای آنلاین ابراز می‌کنند، اما در زندگی حقیقی، همچنان به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند. با این وجود، تحریک جوانان با انتشار پیام‌های نفرت‌آمیز توسط لایک‌ها و اشتراک‌گذاری‌ها آسان شده؛ چنانکه برای تعدادی از کاربران، استفاده از رسانه‌های اجتماعی به نوعی اعتیاد تبدیل شده است.

گروهی از مردم متعلق به جامعه شیعه هزاره در کابل ادعا کردند که آنها با روایت‌های افراطی مذهبی و همچنان قومی مواجه شده‌اند. آنها باور داشتند که عناصر افراطی گاهی دین و قومیت و فرهنگ را با هم ترکیب می‌کنند. پاسخ‌دهندگان با استناد به جشن نوروز، به عنوان نمونه، گفتند که افراط‌گرایان مذهبی هم‌زمان تجلیل از نوروز و مردمان فارسی‌زبان متعلق به گروه‌های قومی تاجیک و هزاره را که از آن تجلیل می‌کنند، محکوم می‌کنند. علاوه بر این، پاسخ‌دهندگان افزودند که برخی افراد آشکارا در پست‌های خود در رسانه‌های اجتماعی از دین انتقاد می‌کنند که این باعث ایجاد تنش میان افراد مذهبی میانه‌رو و افراط‌گرایان می‌شود. برای مثال، چند تن از مصاحبه‌شوندگان از یک کاربر تحصیل‌کرده که خود را سکولار می‌داند یادآوری کردند که در صفحه فیسبوک خود مطلبی منتشر کرده بود با این ادعا که جنگ میان امام حسین (نوه حضرت محمد) و یزید

بن معاویه در کربلا مقدس نیست؛ بلکه تنها جنگی میان دو خاندان برای به دست آوردن قدرت بوده است. طبق گفته‌های کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده، استدلال‌هایی از این دست احساسات مسلمانان به‌ویژه جامعه شیعه را که علاقه قلبی بسیاری به امام حسین دارند، خدشه‌دار می‌کند.

#### 4.4.4. واکنش جامعه مدنی و مردم به پیام‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی

پاسخ‌دهندگان به طیف گوناگونی از واکنش‌ها به پیام‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی اشاره کردند. برای مثال، تعدادی از پاسخ‌دهندگان آشکارا با افراد و گروه‌های افراط‌گرا بحث می‌کنند. یک مشاور تجارتي مصاحبه‌شده در جلال‌آباد ادعا کرد که او در بحث‌های مختلفی به رهبری افراد و گروه‌های افراطی شرکت کرده و آشکارا ایدئولوژی آنها را نقد می‌کند. در هرات، تنها چند نفر از پاسخ‌دهندگان گفتند که پیام‌های افراطی را نادیده می‌گیرند. اکثریت پاسخ‌دهندگان ادعا کردند آنها بلافاصله هر نوع روایت افراطی را رد کرده و ایده‌های میانه‌رو را در رسانه‌های اجتماعی ترویج می‌کنند. برای مثال، یک فعال جامعه مدنی مصاحبه‌شده در هرات گفت که او تلاش دارد تا با مردم مختلف از میان گروه‌های میانه‌رو و افراط‌گرا در تماس باشد تا بتواند دیدگاه‌های متعادلی را در رابطه با مذهب گسترش دهد. برخی از مصاحبه‌شوندگان در مزار شریف، به پیام‌هایی واکنش نشان می‌دهند که هدف آنها گسترش نفرت در میان اقوام مختلف افغانستان باشد. آنها ادعا کردند که اگرچه تلاش می‌کنند تا با حامیان طالبان بحث منطقی داشته باشند، اما تأکید کردند که اعضای طالبان به منطقی و عقل باور ندارند؛ و بنابراین، هر گونه تلاش برای گفتگو با طالبان تا حد زیادی اتلاف وقت است.

برخی از پاسخ‌دهندگان ترجیح داده‌اند تنها با حساب‌های متعلق به افرادی با هویت معلوم وارد بحث شوند. این پاسخ‌دهندگان به خطرات ناشی از پاسخ به نویسندگان ناشناس اشاره کردند. برای مثال، یکی از استادان مصاحبه‌شده در جلال‌آباد، انتقاد روایت‌های افراطی را کار خطرناکی توصیف کرد. به طور مشابه، یکی از دانشگاهیان مصاحبه‌شده در کابل نیز از پاسخ‌گویی به پیام‌های پست‌شده توسط افرادی با هویت جعلی اجتناب می‌کند؛ اما به پیام‌های افراطی کسانی که هویت معتبری دارند، پاسخ می‌دهد. او باور دارد که انتقاد از پست‌های افراطی ناشناس، آشکارا یک خطر بزرگ است؛ چراکه ممکن است آن شخص در نزدیکی شما زندگی کند. با این حال، یک استاد دانشگاه جلال‌آباد چنین استدلال کرد که پیام‌های افراطی تحریک‌کننده هستند و علی‌رغم خطراتی که دارد، برخی افراد نمی‌توانند از شرکت در بحث پیرامون آن در بخش نظرات پست‌های فیسبوکی خودداری کنند.

گروهی از پاسخ‌دهندگان استراتژی متفاوتی را اتخاذ کرده بودند. آنها تمام انواع مطالب و روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی را نادیده می‌گرفتند. برای مثال، یک فعال جامعه مدنی مصاحبه‌شده در هرات گفت که او عمداً از مطالب افراطی در رسانه‌های اجتماعی چشم‌پوشی می‌کند. به گفته او عناصر افراطی در پی جلب توجه و واکنش مردم هستند تا محبوبیت به دست بیاورند. او اظهار داشت که بهترین راه برای مقابله با چنین مردمی سرکوب آنها از طریق نادیده‌گرفتن کامل پیام‌هایشان است. این دیدگاه توسط یک فعال جامعه مدنی دیگر از مزار شریف و یک خبرنگار در کابل نیز تأیید شد که باور داشت بهترین راه برای مواجهه با افراد و گروه‌های افراطی در فیسبوک یا هر رسانه اجتماعی دیگر، نادیده‌گرفتن یا مسدود کردن آنهاست. به این ترتیب، افراد می‌توانند از دریافت پیام‌های افراطی جلوگیری کنند.



تصویر 14: تصویر پست‌شده توسط حزب‌التحریر در صفحه فیسبوک رسمی آن، نشان‌دهنده گردهمایی دانشجویان در محکومیت دموکراسی و نظری از یک کاربر میانه‌رو رسانه‌های اجتماعی که نوشته است: «عجیب است با استفاده از فضای ایجادشده به اساس معیارهای دموکراسی که آزادی بیان را تضمین می‌نماید، گروهی به نام محصل! در تلاش خفه‌نمودن این امکان حداقلی برآمده‌اند».

گروهی دیگر از پاسخ‌دهندگان، رویکرد کاملاً متفاوتی را برای مقابله با روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی در پیش گرفته‌اند. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان در هرات ادعا کرد که او هر شکلی از پیام‌های افراط‌گرایانه در رسانه‌های اجتماعی را محکوم می‌کند، چه علیه دولت افغانستان باشند یا علیه مردمی که به شدت معتقد به هنجارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی در رابطه با دموکراسی و حقوق بشر هستند، و یا اگر پیامی از فردی لیبرال باشد که هدف آن صدمه‌زدن به احساسات افراد مذهبی است. یکی از زنان فعال حقوق زنان در هرات، پست‌هایی در فیسبوک و تویتر خود منتشر می‌کند که با هدف توسعه حقوق

زنان در افغانستان، در آنها ارجاعاتی به متون دینی و قوانین بین‌المللی دارد. یک فعال جامعه مدنی مصاحبه‌شده در مزار شریف ادعا می‌کند او سعی در برجسته‌سازی چالش‌هایی دارد که در حال حاضر افغانستان با آن مواجه است؛ و همچنین بر حقایق تاریخی تأکید می‌کند که می‌تواند افغانستان را به ناپودی بکشاند. او برای مقابله با روایت‌های افراطی که هر گروه یا فردی را در رسانه‌های اجتماعی هدف می‌گیرند، این شیوه را برگزیده است. به گفته او، مهم است که مردم در مورد پیامدهای خشونت و ایده‌هایی که بالقوه می‌توانند به خشونت بیانجامند، آگاهی داشته باشند.



تصویر 15: صفحه فیسبوک ایجادشده توسط تعدادی از فعالان جامعه مدنی که خواستار عدالت برای فرخنده هستند.

با این حال، پاسخ‌دهندگان در تمام چهار ولایت اتفاق نظر داشتند که هیچ تلاش جمعی برای مقابله با روایت‌های افراطی در رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد. آنها اشاره کردند که افرادی از دولت، جامعه مدنی، جوانان تحصیل‌کرده و دانشگاهیان با این روایت‌ها در فضای آنلاین مقابله می‌کنند؛ و از افرادی نام بردند از جمله: ویس بارکزی، عنایت‌الله کاکر، حمدالله عرب، داوود وفا، اجمل پسرلی، مطیع‌الله عابد، دولت وزیر، بختیار تلاش، عبدالفتاح جواد و خوشحال خلیل. این افراد فعالانه در مقابله با روایت‌های افراط‌گرایانه‌ای که روزانه در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند، سهم می‌گیرند؛ و همچنین هر گونه حمله تروریستی در خاک افغانستان را محکوم می‌کنند. علاوه بر این، این افراد ایده‌هایی در حمایت از دموکراسی و حقوق زنان را ترویج می‌دهند. یکی از پاسخ‌دهندگان در کابل گفت که افرادی مانند ویس بارکزی - که به دلیل نقش فعالی که در بازجویی مطالب تحریک‌آمیز دارد، طرف‌داران زیادی را جمع کرده است - سعی می‌کنند با به‌اشتراک گذاشتن پیروزی‌های ورزشی و مانند آن، مردم را در رویدادهای شادی آور گرد هم بیاورند.

همچنین تعدادی از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند افغان‌ها علیه تهدیدات از سوی کشورهای همسایه در حال متحدشدن هستند. این مسأله با توجه به واکنش‌های مختلف ارسال‌شده در رسانه‌های اجتماعی که بلافاصله پس از رخ دادن یک حمله انتحاری در افغانستان منتشر شدند، واضح می‌شود. تمام افرادی که در رسانه‌های اجتماعی از ایران یا پاکستان حمایت می‌کنند، بلافاصله محکوم می‌شوند. احساسی از نفرت در میان عامه مردم در برابر این کشورها وجود دارد که دلیل آن نقش منفی‌شان در افغانستان است. برای مثال، یک سازمان داخلی به نام «تغییر مثبت در جامعه» و تعدادی از افراد مانند هجرت‌الله اختیار، عبدالصبور مبارز، سید شینواری، مهندس ظهیر، مجیب لمر و شاپور بختیار، از کمپاین «تحریم پاکستان و محصولات پاکستان» در فیسبوک به دلیل ارتباط پاکستان با انفجارهای کابل، حمایت کردند.<sup>1</sup> یک محقق مصاحبه‌شده در کابل مثال‌هایی از یک صفحه فیسبوک به نام «افغانستان عشق من (Afghanistan My Passion)» ذکر کرد که در واکنش به ادعای دخالت پاکستان در انفجارهای متعدد در سراسر افغانستان، مردم را به تحریم محصولات پاکستانی در افغانستان فرامی‌خواند. او افزود که استفاده از هشتگ «31 هزاره را بازگردانید (bringback31hazaras)» توسط کاربران رسانه‌های اجتماعی، مردم سراسر کشور را بسیج کرده و دولت را مجبور کرد تا برای بازگرداندن 31 هزاره ربه‌شده توسط مردان مسلح ناشناس در فبروری 2015 در زابل اقدام کند.<sup>2</sup>

دیگر پاسخ‌دهندگان ادعا کردند که رسانه‌های اجتماعی در بالابردن سطح آگاهی مردم افغانستان در مورد امور سیاسی و اجتماعی روزمره کمک می‌کنند. تعدادی از آنها به تظاهرات‌هایی که پس از قتل یک زن افغان به نام فرخنده توسط ارادل و اوباش به اتهام سوزاندن کپی قرآن برگزار شد، استناد کردند.<sup>3</sup> در مثال دیگر، تعدادی از پاسخ‌دهندگان به مورد «کابل تاکسی (Kabul Taxi)» اشاره کردند. در این مورد، نیروهای دولتی تعدادی از خبرنگاران را به اتهام ارتباط با صفحه «کابل تاکسی» بازجویی کردند. «کابل تاکسی» یک صفحه طنز در فیسبوک بود که دولت افغانستان را به دلیل شکست در جلوگیری از خشونت، افزایش بیکاری، فساد، سقوط اقتصادی و مسایل دیگر انتقاد می‌کرد.<sup>4</sup> در واکنش به این عمل دولت، کاربران رسانه‌های اجتماعی در سراسر کشور، دولت را به خاطر تلاش برای محدودکردن حق آزادی بیان محکوم کردند.

---

1. Mokhtar Wafayi, Afghans Boycott Pakistani Goods Over Taliban Claims, The Observers, August 20, 2015:

<http://observers.france24.com/en/20150820-taliban-attacks-afghanistan-boycott-pakistan-goods>

2. Afghanistan kidnap: Gunmen seize 30 Hazara men in Zabol, BBC, February 24, 2015:

<http://www.bbc.com/news/world-asia-31600476>

3. Zarghuna Kargar, Why was a Young Woman Killed by a Mob in the Streets of Kabul?, Prospect Magazine, August 4,

2015: <http://www.prospectmagazine.co.uk/world/why-was-a-young-woman-killed-by-a-mob-in-the-streets-of-kabul-farkhunda-afghanistan>

4. Sudarshan Raghavan and Mohammad Sharif, Afghan Flock to Kabul Taxi, a Satirical Facebook Page that Spares no one,

The Washington Post, July 11, 2015: [https://www.washingtonpost.com/world/asia\\_pacific/afghans-flock-to-kabul-taxi-a-satirical-facebook-page-that-spare-no-one/2015/07/11/64d17208-2737-11e5-b621-b55e495e9b78\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/afghans-flock-to-kabul-taxi-a-satirical-facebook-page-that-spare-no-one/2015/07/11/64d17208-2737-11e5-b621-b55e495e9b78_story.html)



دیگر مصاحبه‌شوندگان نشان دادند که تعدادی از کاربران رسانه‌های اجتماعی، فعالانه مخالف هر نوع ایدئولوژی افراطی هستند. برای مثال، امام مسجد جامع هرات (مجیب‌الرحمان) در تابستان سال 1391 کنسرت یک خواننده جوان افغان به نام شفیق مرید را تحریم کرد. بعد از انتشار خبر، مردم آن را در رسانه‌های اجتماعی مطرح کرده و تحریم کنسرت از سوی امام را محکوم کردند.<sup>1</sup> کاربران رسانه‌های اجتماعی در هرات، همچنین ادعا کردند که آنها هر گونه فعالیت‌های غیرانسانی و تمام افرادی که از آن حمایت کنند را نیز محکوم می‌کنند. تعدادی از پاسخ‌دهندگان نیز معتقد بودند حقوق زنان حمایت‌های زیادی در رسانه‌های اجتماعی به دست آورده است. آنها به انتصاب سیما جوینده به عنوان والی ولایت غور استناد می‌کردند.<sup>2</sup> در پی آنکه برخی از عناصر افراطی شامل تعدادی از ملاها انتصاب او را محکوم کردند، افراد زیادی در رسانه‌های اجتماعی از انتصاب او حمایت کرده و پیام‌هایی در حمایت از حقوق زنان و محکومیت افرادی که با انتصاب او مخالف بودند، منتشر کردند. در جامعه مردسالاری مانند افغانستان، زنان همواره قربانیان خشونت‌های خانگی می‌شوند و موارد متعددی در سراسر کشور اتفاق افتاده است. با این حال، پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که با ظهور رسانه‌های اجتماعی، مردم این خشونت‌ها را در این رسانه‌ها محکوم می‌کنند. برای مثال، کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در هرات، به نمونه‌ای اشاره کردند که یک مرد، بینی و لب همسرش را پس از مخالفت او با فروش جواهراتش برای خرید مواد مخدر برای آن مرد، بریده بود.<sup>3</sup> این عمل به طور گسترده توسط کاربران رسانه‌های اجتماعی در سراسر کشور محکوم شده و برخی افراد نیز پیشنهاد کردند که برای تأمین هزینه‌های درمان آن زن، کمک‌های مالی ارایه دهند.

#### 4.4. واکنش دولت به روایت‌های افراط‌گرایانه و رویکرد ضد افراط‌گرایی

علاوه بر مصاحبه با کاربران رسانه‌های اجتماعی، مصاحبه‌هایی با مقامات ارشد وزارت دفاع، وزارت داخله، ریاست امنیت ملی، وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز انجام شد. تمام این وزارت‌خانه‌ها از رسانه‌های اجتماعی با اهداف سازمانی برای انتشار فعالیت‌ها و برنامه‌های خود و همچنین ارتباطات مردمی استفاده می‌کنند. از میان پنج وزارت‌خانه‌ای که در بالا ذکر شد، وزارت داخله، وزارت دفاع و ریاست امنیت ملی، به دلایل امنیتی بر رسانه‌های اجتماعی نظارت می‌کنند. با این

1. کنسرت شفیق مرید در ولایت هرات لغو شد، شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، 31 اسد 1391:

<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=40359>,

2. رشاد شکوه، برگزاری تظاهرات در مخالفت و حمایت از سیما جوینده والی غور، خبرگزاری افق، 26 میزان، 1394:

<http://www.ufuqnews.com/archives/21181>

3. Syed Zafar Mehdi, 'Refused Money to Buy Drugs, Husband Chops off Wife's Nose, Lips', Afghan Zariza, December 18, 2013: <http://www.afghanzariza.com/2013/12/18/refused-money-to-buy-drugs-husband-chops-off-wifes-nose-lips>

حال، ریاست امنیت ملی، مسئولیت اصلی نظارت بر شبکه‌های اجتماعی را در رابطه با انتشار پیام‌های افراط‌گرایانه بر عهده دارد؛ در حالی که وزارت امور داخله و وزارت دفاع، عمدتاً برای رسیدگی به سؤالات و مشکلات مردم و علاوه بر آن، برخورد با تبلیغات دروغینی که توسط گروه‌های افراطی علیه دولت افغانستان منتشر می‌شوند، بر رسانه‌های اجتماعی نظارت می‌کنند.

یک مقام ارشد وزارت داخله ادعا کرد که این وزارت دارای یک بخش نظارتی برای پی‌گیری فعالیت‌های مختلفی است که در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد. اما او گفت که آنها هیچ‌گونه تحقیقات یا کنترلی بر مطالب اجرا نمی‌کنند؛ بلکه بیشتر آنچه در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد را پی‌گیری کرده و تلاش می‌کنند تا به سؤالات مطرح‌شده توسط مردم، پاسخ دهند.

ریاست امنیت ملی، افراد و گروه‌های افراطی را که در رسانه‌های اجتماعی در سراسر افغانستان نفرت‌پراکنی می‌کنند، مورد نظارت قرار می‌دهد. به گفته یک مقام ارشد ریاست امنیت ملی، دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، حزب‌التحریر، جنبش اسلامی ازبکستان و طالبان، فعال‌ترین گروه‌های افراطی هستند که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. علاوه بر توجه به گروه‌های افراطی که در بالا ذکر شد، اداره امنیت ملی صفحات و وبسایت‌های متعلق به سایر گروه‌های اسلام‌گرا مانند جمعیت اصلاح را نیز برای یافتن هر گونه شواهدی که نشان‌دهنده دخالت آنها در فعالیت‌های خشونت‌آمیز باشد، پی‌گیری می‌کند.<sup>1</sup>

ریاست امنیت ملی، داعش را به عنوان اصلی‌ترین گروه پیکارجویان در انتشار ایدئولوژی‌های افراطی و جذب نیرو به صورت آنلاین در نظر می‌گیرد و جنبش اسلامی ازبکستان و طالبان در درجه‌های بعدی قرار دارند. این مقام افزود که طالبان تاکتیک‌های خود را در مواجهه با ظهور داعش تغییر داده‌اند. پیش از این، طالبان از کاربران فعال و تأثیرگذار رسانه‌هایی مانند رادیو و وبسایت‌ها برای جذب نیرو بودند؛ اما با ظهور تبلیغات داعش در افغانستان، طالبان کمپاین‌های جذب نیروی خود در رسانه‌های اجتماعی را افزایش داده‌اند. یک مقام ارشد وزارت دفاع در مصاحبه گفت که وزارت دفاع به طور کامل با ریاست امنیت ملی در نظارت بر مطالب افراطی که دولت افغانستان را از طریق رسانه‌های مختلف هدف قرار می‌دهند، همکاری می‌کند.

در ماه اگست 2015، ریاست عمومی امنیت ملی با انتشار ویدیویی از اعضای دستگیرشده داعش در

---

1. مصاحبه با یک مقام ارشد ریاست امنیت ملی.

افغانستان، تأیید کرد که داعش آنها از طریق فیسبوک استخدام کرده است. به گفته ریاست امنیت ملی، داعش پیش از این تعدادی از دختران افغان را که در کابل زندگی می‌کردند، برای پیوستن به صفوف شان در سوریه جذب کرده است. با این حال، هنوز هیچ مدرکی وجود ندارد که ثابت کند مواد تبلیغاتی داعش در افغانستان تولید می‌شود. برای مثال، یک مقام ارشد ریاست امنیت ملی گفت که کلیپ‌های ویدیویی حافظ سعید (والی انتصابی داعش در ولایت خراسان که اوایل امسال کشته شد) در پاکستان تولید شده و از طریق صفحات اصلی رسانه‌های اجتماعی داعش در عراق به نشر می‌رسیدند. مثال دیگر، ویدیویی منتشر شده توسط داعش در اگست 2015 است که اعدام تعدادی از افغان‌ها توسط اعضای داعش را نشان می‌دهد. داعش ادعا کرده بود که این اعدام‌ها در ولایت ننگرهار انجام شده است. با این حال، پس از تحقیقات کامل توسط ریاست امنیت ملی افغانستان، مشخص شد که این ویدیو در پاکستان ثبت شده و مردمی که کشته شده‌اند، افغان نبوده‌اند.

هر سه وزارت‌خانه مسئول تأمین امنیت در افغانستان، ادعا کردند که منابع اصلی ایدئولوژی‌های افراطی، گروه‌های مسلح افراطی مانند داعش و طالبان هستند. در طول مصاحبه‌ها مشخص شد که ریاست امنیت ملی و وزارت داخله بیشتر در مورد روند افراط‌گرایی مذهبی نگران هستند؛ در حالی که نگرانی اصلی وزارت دفاع، تنش‌های قومی و زبانی در میان نیروهای امنیت ملی افغانستان است.

در مصاحبه‌ای با یک مقام ارشد امنیت ملی، او ادعا کرد که ریاست امنیت ملی متعهد به پی‌گیری گروه‌های افراطی و تروریستی است. با این حال، او حاضر نشد استراتژی‌های فعلی یا استراتژی‌هایی که ریاست امنیت ملی در گذشته برای مقابله با روند افراط‌گرایی در افغانستان اتخاذ کرده است، را افشا کند. ریاست امنیت ملی ادعا می‌کند که سازمان اطلاعاتی افغانستان، یکی از بهترین‌ها در منطقه است. با این وجود، این سازمان فاقد پشتیبانی دیگر سازمان‌های دولتی افغانستان است که این امر، خود مانعی برای تلاش‌های آنها در جهت پی‌گیری عناصر افراطی در افغانستان است.

یک مقام ارشد وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی ادعا کرد که این وزارت برای پی‌گیری هر گروه یا فردی که ایدئولوژی‌های افراطی را از طریق رسانه‌های اجتماعی به نشر برسانند، همکاری نزدیکی دارد. این وزارت در گذشته برای پی‌گیری افراد و گروه‌های افراط‌گرا، با پولیس اینترنتی، ریاست امنیت ملی، دادگاه و سارنوالی کل، همکاری کرده است. به عنوان مثال، پس از دریافت درخواست رسمی از ریاست امنیت ملی، وزارت مخابرات علیه تعدادی از کاربران رسانه‌های اجتماعی که تبلیغات دروغین و نگران‌کننده‌ای در مورد

مرگ مارشال فهیم (معاون سابق رئیس‌جمهور کرزی که در سال 2014 درگذشت) منتشر می‌کردند، اقدامات قانونی روی دست گرفته و صفحات تبلیغاتی آنها را در رسانه‌های اجتماعی شناسایی و مسدود کرد.<sup>1</sup> با این حال، مقام مصاحبه‌شده پذیرفت که با وجود این نمونه‌ها، کمبودهای متعددی وجود دارند که به منظور اجرای قانون جرایم اینترنتی، نیازمند رسیدگی هستند. با توجه به گفته‌های یک مقام ارشد دیگر، وزارت اطلاعات و فرهنگ به تازگی رسانه‌های اجتماعی را در قانون رسانه‌های همگانی شامل کرده است. بر اساس این تعریف، شکایات علیه افراد یا گروه‌های خاص در رسانه‌های اجتماعی، با توجه به قانون رسیدگی خواهد شد. همچنین وزارت اطلاعات و فرهنگ، برای اطمینان از اینکه کارمندان رسانه‌های اصلی به طور آگاهانه یا ناآگاهانه، از طریق انتشار پیام‌ها در رسانه‌ها از جمله رسانه‌های اجتماعی، اقدام به انتشار ایدئولوژی‌های افراطی نکنند، در حال تهیه یک مرام‌نامه برای خبرنگاران افغانستان است. یک مقام ارشد وزارت اطلاعات و فرهنگ ادعا کرد که این وزارت کمیسیون‌هایی را به منظور ترویج آزادی بیان و دفاع از وضعیت خبرنگاران ایجاد کرده است؛ از جمله: کمیسیون دسترسی آسان به اطلاعات، کمیسیون جلوگیری از خشونت علیه خبرنگاران، کمیسیون دفاع از وضعیت حقوقی خبرنگاران و کمیسیون تهیه پیش‌نویس قانون‌نامه رفتاری برای خبرنگاران. این گام‌های قانونی فضایی برای خبرنگاران فراهم می‌کند تا آزادانه عقاید خود را در رسانه‌های مختلف از جمله شبکه‌های اجتماعی مطرح کنند؛ و هم‌زمان تضمین می‌کند که خبرنگاران به هیچ عنوان پیام‌های نفرت‌پراکنی منتشر نکنند. با این حال، هیچ‌گونه سیاست‌گذاری رسمی آشکاری توسط دولت افغانستان برای مقابله با افراط‌گرایی یا روایت‌های افراطی در شبکه‌های اجتماعی، شکل نگرفته است.

#### 4.4.6. دیدگاه پاسخ‌دهندگان در مورد سیاست‌های دولت برای مقابله با افراط‌گرایی

اکثریت پاسخ‌دهندگان در هر چهار ولایت به فقدان سیاست‌های دولتی برای مقابله با افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی اشاره کردند. یکی از معلمان مصاحبه‌شده در جلال‌آباد گفت که غیر از چند اعلان تلویزیونی برای بالابردن آگاهی مردم، هیچ‌گونه سیاست خاصی توسط ریاست امنیت ملی برای پی‌گیری افرادی که روایت‌های افراطی را گسترش می‌دهند یا سیاست‌های ضد افراط‌گرایی، وجود ندارد. این دیدگاه توسط پاسخ‌دهندگان در مزار شریف نیز تأیید شد که باور داشتند فقدان سیاست‌های مناسب برای پی‌گیری از افراط‌گرایی، کمکی به عناصر افراط‌گرا است. یکی از استادان در شهر جلال‌آباد استدلال کرد که مشکل در

1. مصاحبه با یک مقام ارشد وزارت مخابرات و تکنولوژی معلوماتی، سپتامبر 2015.

درون سیستم نهفته است. به گفته او، اخیراً چند نفر که پیام‌های افراطی منتشر می‌کردند، توسط ریاست امنیت ملی ردیابی و دستگیر شده‌اند. این بدان معناست که دولت برای ممانعت افراد افراطی از انتشار ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه خیلی دیر وارد عمل می‌شود. یک کارمند دولتی از کابل نیز دیدگاه مشابهی داشت و می‌گفت که دولت، اغلب با مسدودکردن یا ازبین‌بردن صفحات فیسبوک و تویتر طالبان، تمام تلاش خود را برای پیش‌گیری از انتشار ایده‌های رادیکال انجام می‌دهد؛ اما این هرگز به معنای یک سیاست ضد افراط‌گرایی نیست. تعدادی از پاسخ‌دهندگان ادعا کردند که سیاست ضد تروریسم تا حدی به عنوان یک عامل بازدارنده برای افراط‌گرایی عمل می‌کند؛ اما دولت افغانستان هنوز به انجام اقداماتی موثر برای مقابله با افراط‌گرایی نیاز دارد. یک فعال حقوق زنان که در کابل با او مصاحبه شده بود، اظهار داشت که هیچ‌گونه سیاست رسمی برای مقابله با اثرات افراط‌گرایی از طریق رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد. او همچنین افزود که او از یک استراتژی ملی برای جلوگیری از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز حمایت می‌کند.

تعدادی از پاسخ‌دهندگان پیشنهاداتی به دولت افغانستان برای مقابله با افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی ارائه دادند. برای مثال، یکی از پاسخ‌دهندگان از مزار شریف پیشنهاد کرد که دولت باید مراکز «گزارش شهرونده» ایجاد کند، جایی که مردم افغانستان بتوانند شکایت‌های خود را در مورد هر فرد یا گروهی که ایده‌های افراط‌گرایانه در شبکه‌های اجتماعی ترویج می‌کنند، مطرح کنند. مخاطب دیگر پیشنهاد می‌دهد که دولت پیش از آنکه بتواند به مردم افغانستان کمک کند تا با عناصر افراط‌گرا مبارزه کنند، نیازمند مهار فساد درون دولت است. تعدادی دیگر بر این باور بودند که دولت افغانستان بسیار ضعیف است و نیاز به یک استراتژی درازمدت دارد تا انتشار ایدئولوژی‌های افراطی در شبکه‌های اجتماعی را کنترل کند. مصاحبه‌شوندگان در کابل توصیه کردند که باید یک وزارت‌خانه ویژه برای جوانان ایجاد شود که تنها به بررسی مشکلات جوانان در افغانستان پرداخته و استراتژی‌های مؤثری برای پیش‌گیری از به‌دام‌افتادن جوانان در تبلیغات دروغین عناصر افراطی پیاده کند.

کاربران رسانه‌های اجتماعی مصاحبه‌شده در این تحقیق، نسبت به رویکرد اتخاذشده توسط دولت افغانستان برای مقابله با افراط‌گرایی، رضایت ندارند. اکثریت آنها بیان داشتند که دولت افغانستان هیچ‌گونه سیاست رسمی برای مقابله با افراط‌گرایی در رسانه‌های اجتماعی ندارد.

## 5. نتیجه گیری

بخش ارتباطات آنلاین افغانستان به سرعت در حال رشد است؛ و این امر پیامدهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی اساسی را در پی داشته است. ظهور کامل اثرات منتج از قرارگرفتن جامعه افغانستان در معرض نیروهای جهانی سازی از طریق اینترنت، به مرور زمان رخ خواهد داد. با این حال، آنچه مسلم است آن است که گروه‌های اجتماعی و سیاسی مختلفی از جمله فعالان افراطی، میانه‌رو، ستیزه‌جو و صلح‌طلب، به‌وضوح نشان داده‌اند ظرفیت انطباق‌پذیری بالایی در پذیرش تغییرات در تکنولوژی‌های ارتباطی دارند.

این تحقیق بر انتشار روایت‌های ایدئولوژیک و سیاسی از طریق رسانه‌های اجتماعی در افغانستان تمرکز داشته است. این مطالعه، تعدادی از صفحات رسانه‌های اجتماعی گروه‌های فعال اسلام‌گرای صلح‌طلب و همچنین گروه‌های شبه‌نظامی شناخته‌شده را به شکل انتخابی مورد بررسی قرار داده است. در گروه اول، روایت‌هایی شناسایی شدند که در رابطه با نگرانی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گروه‌های فعال صلح‌طلب مانند جمعیت اصلاح و حزب‌التحریر شکل گرفته‌اند؛ و در گروه دوم، روایت‌ها و سخنان خشونت‌آمیز از گروه‌های مسلحی مانند طالبان، شاخه نظامی حزب اسلامی و داعش بررسی شده‌اند. در حالی که گروه‌های صلح‌طلب از لحاظ ایدئولوژی و الهیاتی، مشترکات زیادی با گروه‌های خشونت‌طلب دارند، همیشه باعث برانگیخته‌شدن نگرانی‌های امنیتی فوری نیستند.

با توجه به این مسأله، بخش‌های محافظه‌کار اجتماعی جامعه و فعالان مذهبی صلح‌طلب، می‌توانند به عنوان قاعده هرم افراط‌گرایی در نظر گرفته شده و در جنبه گفتار یا استدلال افراط‌گرایی سهم بگیرند. روایت‌های گروه‌های صلح‌طلب، نگرانی‌های اساسی اجتماعی و سیاسی مانند ناامیدی نسبت به فساد در دولت افغانستان را با درجات مختلفی از روایت‌ها و جهان‌بینی‌های افراطی در هم ادغام می‌کنند. برعکس، گروه‌های ستیزه‌جو اگرچه برای جلب حمایت بخش‌های محافظه‌کار جامعه رقابت می‌کنند، اما تمرکز اصلی آنها بر استراتژی‌های خشونت‌آمیز و مسلحانه در تعقیب برنامه‌های اجتماعی و سیاسی‌شان است. نکته کلیدی این است که هر دو گروه در جنبه‌های مهمی از روایت‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی در مورد افغانستان پس از 2001 اشتراک نظر دارند؛ البته یک روایت بر تهاجم فرهنگی خارجی‌ها و دیگری بر مداخلات نظامی و سیاسی غربی‌ها تأکید دارند.

به هر حال، افراط‌گرایی الهام‌گرفته از مذهب، باید تنها به عنوان یکی از اشکال پدیده گسترده‌تر رفتارها و ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و ناروادارانه در نظر گرفته شود. چنانکه تعدادی از پاسخ‌گویان مصاحبه‌های این

تحقیق تأکید داشتند افراط‌گرایی باید به عنوان بخشی از فرایند گسترده‌تر گرایش‌های رفتاری و ایدئولوژیکی دیده شود. در نتیجه، اگرچه این مهم است که خطرات افراط‌گرایی الهام‌گرفته از مذهب در افغانستان را بپذیریم، دیگر اشکال افراط‌گرایی شامل افراط‌گرایی الهام‌گرفته از قومیت، ملیت و ایدئولوژی‌های سکولار نیز ممکن است به همان میزان خطرات قابل توجهی ایجاد کنند. بسیاری از پاسخ‌دهندگان به نفوذ ایدئولوژی‌های نفرت‌آمیز، متعصبانه و روایت‌های خشونت‌بار از سوی کاربران قوم‌گرا - ملی‌گرا در رسانه‌های اجتماعی افغانستان اشاره کرده‌اند.

با وجود اینکه رسانه‌های اجتماعی مسلماً در دسترس و مورد استفاده هر دو گروه افراط‌گرا و ستیزه‌جو؛ و محافظه‌کار و لیبرال قرار دارند، به نظر می‌رسد گروه اول محرک‌های مشخصی برای بهتر عمل کردن از دومی در استفاده مؤثرتر از این تکنولوژی‌ها دارد. افراط‌گرایی بر اساس تعریف، به این معناست که افراد و گروه‌هایی که ایدئولوژی‌های افراطی را پذیرفته‌اند، نسبت به میانه‌روها، آماده مصرف زمان و منابع بیشتری برای پیشبرد اهداف مشخص ایدئولوژیکی و سیاسی - اجتماعی خود هستند. در مقایسه، گروه‌ها و افراد میانه‌رو احتمال دارد که علایق متنوع‌تری داشته باشند؛ و این مسأله همچنین می‌تواند تمرکز و پرداختن پروفایل‌های رسانه‌های اجتماعی میانه‌رو به دسته گسترده‌تری از مسایل را توضیح بدهد. این بدان معناست که در مقایسه با گروه‌ها و افراد میانه‌رو که استفاده‌های متفاوتی از رسانه‌های اجتماعی می‌کنند، از سرگرمی و ارتباطات شخصی گرفته تا بحث‌های سیاسی، گروه‌های افراطی انگیزه‌های بیشتری برای پیشی گرفتن از دیگران در استفاده جدی و مداوم از این تکنولوژی برای به‌اشتراک‌گذاری و پست‌کردن روایت‌های ایدئولوژیک و سیاسی دارند.

در نتیجه، فضای رسانه‌های اجتماعی افغانستان، آینه‌ای از محیط سیاسی و اجتماعی استراتژیک افغانستان است، که ویژگی آن مداخلات خارجی‌ها، جنگ و خشونت مداوم و عدم اطمینان و بدگمانی ریشه‌دار است. ادامه درگیری‌های مسلحانه در دوران پس از 2001 به این معناست که تصاویر جنگ و خشونت به تعداد زیادی توسط کاربران رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده و دیده می‌شوند؛ حتی اگر آنها هیچ کدام از جهان‌بینی‌های ستیزه‌جویانه و افراط‌گرایانه را نپذیرفته باشند. در حالی که اقتباس تکنولوژی‌های مدرن به عنوان بخشی از استراتژی بسیج اجتماعی و سازمانی گروه‌های افراط‌گرا، باید نگرانی‌های قابل توجهی را برانگیزد. رسانه‌های اجتماعی افغانستان کاملاً تیره و تاریک هستند. تکنولوژی‌های رسانه‌ای و تلفن‌های موبایل، همچنین توسط گروه‌هایی که هدف آنها مقابله با ایدئولوژی‌های افراطی و ستیزه‌جویانه است و فعالان

جامعه مدنی که حامی اصلاحات سیاسی و اجتماعی‌اند، به سرعت در حال تبدیل شدن به ابزارهای مهمی برای بسیج اجتماعی و سیاسی است.

با درنظرداشت خطرات و فرصت‌های ایجادشده در نتیجه گسترش اخیر رسانه‌های اجتماعی، دولت افغانستان باید ابتکاراتی برای کنترل قابلیت آن با هدف تغییرات سیاسی و اجتماعی مثبت، روی دست بگیرد: - نخست، دولت افغانستان باید یک سیاست ضد افراط‌گرایی را تدوین و تطبیق کند که به جنبه‌های مختلف افراط‌گرایی به عنوان یک فرایند سیاسی و اجتماعی بپردازد، به شمول انتشار ایدئولوژی‌های افراطی از طریق رسانه‌های اجتماعی.

- دوم، دولت باید دامنه مباحث جاری در رابطه با قانونمندساختن رسانه‌های اجتماعی را با همکاری جامعه مدنی افغانستان، مؤسسات آموزشی، گروه‌های فعال اسلام‌گرا و سازمان‌های رسانه‌ای گسترش بدهد. یک چارچوب قانونی و نظارتی برای رسانه‌های اجتماعی در آینده، باید میان مقررات استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نگرانی‌ها در رابطه با محدودشدن آزادی بیان توازن برقرار کند.

- در نهایت، رسانه‌های اجتماعی هنوز یک پدیده تازه - اگرچه به سرعت در حال گسترش - در افغانستان هستند. اثرات گسترده‌تر سیاسی و اجتماعی آن، شامل نقش آن در فرایندهای افراط‌گرایی ممکن است در طول زمان آشکارتر شود؛ و در نتیجه، جامعه جهانی باید دولت‌هایی شکننده مانند افغانستان را با حمایت از تحقیقات آینده و ارایه مشورت و مهارت‌های تخصصی برای طراحی سیاست‌های مناسب، پشتیبانی کند.



## منابع و مأخذ:

- بارکزی، ویس، جلب و جذب برای داعش از طریق فیسبوک، صفحه رسمی فیسبوک: (دیده شده در 7 اگست 2015)  
<https://www.facebook.com/WaisBarakzai/videos/vb.367376293298903/891482617554932/?type=2&theater>,
- بصری، سمیع، چرا شنیدن ترانه‌های طالبان در میان جوانان افغان بیشتر شده است؟ رادیو آزادی، افغانستان، 10 جولای 2011:  
<http://da.azadiradio.org/content/article/24261145.html>
- داعی، عبدالظاهر، قوت‌های خارجی در افغانستان باید نباشد، پیام حق: (دیده شده در 17 دسامبر 2015)  
<https://www.youtube.com/watch?v=3RVb1or9cPM>,
- خواهرم! مواظب باش، بازار کمین‌گاه گرگ‌هاست، اصلاح آنلاین، 7 اپریل 2013:  
<http://www.eslahonline.net/?p=42317>
- شکوه، رشاد، برگزاری تظاهرات در مخالفت و حمایت از سیما جوینده والی غور، خبرگزاری افق، 26 میزان، 1394:  
<http://www.ufuqnews.com/archives/21181>
- عابد، آیا حزب اسلامی ته منصوب نور دولتی مامورین به استعفا ورکری؟ «آیا اعضای حزب اسلامی در مناصب دولتی استعفا می‌دهند؟»، شهادت، 23 جون 2015:  
[http://www.dailyshahadat.com/site/lekani\\_details/1106](http://www.dailyshahadat.com/site/lekani_details/1106)
- عابد، عبدالسلام، چگونه از قرآن دفاع کنیم؟ (دیده شده در 16 مارچ 2015)  
<https://www.youtube.com/watch?v=YLKmqQevnng>,
- عرفانی، محمد، آخرالزمان فرهنگ، پدیدارها: (دیده شده در 20 جولای 2014):  
[http://padidarha.blogspot.com.es/2015/01/blog-post\\_97.html](http://padidarha.blogspot.com.es/2015/01/blog-post_97.html),
- عضویت دایمی شانگهای برای افغانستان چرا مهم است؟ اصلاح آنلاین، 13 جولای 2015:  
<http://www.eslahonline.net/?p=59573>
- ندا، فرشته، مخالفان با ایجاد صفحات جعلی در فیسبوک میان افغان‌ها تفرقه‌اندازی می‌کنند، رادیو آزادی، 7 اکتبر 2015:  
<http://da.azadiradio.org/content/article/27292802.html>
- نورعباد، عبدالله، حادثه شهادت خواهر فرخنده زیر ذره‌بین اسلام و موقف علما در قبال آن، پیمان فیلم، (دیده شده در 27 مارچ 2015):  
[https://www.youtube.com/watch?v=Jtkv"ykpTknA//](https://www.youtube.com/watch?v=Jtkv):
- کانسرت شفیق مرید در ولایت هرات لغو شد، شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، 31 اسد 1391:  
<https://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=40359>
- متوکل، ابو عبیدالله، حکم عملیات انتحاری، استشهادی، فدایی؟ خراسان طاغوت‌شکن: (دیده شده در 16 اپریل 2015)  
<https://www.youtube.com/watch?v=sT6xNrHpq-4>,
- متوکل، ابو عبیدالله، نوروز و ملاهای شکم‌پرست، راشد مسلم، 16 مارچ 2015:  
<https://www.youtube.com/watch?v=iOy15FGJKaA>
- معروف، آصف، جبهه جنگ تبلیغاتی طالبان، بی‌بی‌سی فارسی، 2 اکتبر 2015:

- [www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/10/151002\\_taliban\\_propaganda\\_war\\_asif\\_maroof](http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2015/10/151002_taliban_propaganda_war_asif_maroof)
- Afghanistan kidnap: Gunmen seize 30 Hazara men in Zabul, BBC, February 24, 2015, <http://www.bbc.com/news/world-asia-31600476>
  - Akil N. Awan, Radicalization on the Internet? The Virtual Propagation of Jihadist Media and its Effects, RUSI, June 2007, <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A46728254DE4AE/#.VhzkAuyqpHw>
  - Arun Kundnani, 'Radicalization: The Journey of a Concept', Race & Class, 2012, <http://rac.sagepub.com/content/54/2/3.short?rss=1&ssource=mfr>
  - Bashir Ahmad Gwakh, The Taliban's Internet Strategy, Radio Free Europe Radio Liberty, September 9, 2011, [http://www.rferl.org/content/the\\_talibans\\_internet\\_strategy/24323901.html](http://www.rferl.org/content/the_talibans_internet_strategy/24323901.html)
  - Bilal Sarwari, Anatomy of an Afghan 'Turncoat' Killer, BBC, <http://www.bbc.com/news/magazine-14713523>, Accessed on July 21, 2015
  - Bill Gertz, Inside the Ring: Taliban infiltrate social media, The Washington Times, August 22, 2012 <http://www.washingtontimes.com/news/2012/aug/22/inside-the-ring-taliban-inflate-social-media/?page=all>
  - Borhan Osman, The Fall of Kunduz: What does this tell us about the strength of post-Omar Taliban?, Afghanistan Analysts Network, September 30, 2015, <https://www.afghanistan-analysts.org/the-fall-of-kunduz-what-does-it-tell-us-about-the-strength-of-the-post-omar-taliban/>
  - Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayes, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>
  - Caleb T. Carr & Rebecca A. Hayes, 'Social Media: Defining, Developing, and Divining', Taylor Francis Online, 2015, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/15456870.2015.972282>
  - Clark McCauley & Sophia Moskalenko, 'Mechanisms of Political Radicalization: Pathways towards Terrorism', Taylor Francis Online, 2008, <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09546550802073367>
  - Della Porta, 'Guest Editorial: Processes of Radicalization and De-Radicalization', International Journal of Conflict and Violence, 2012, <http://ijcv.uni-bielefeld.de/index.php/ijcv/article/view/266>
  - Farid Hussainkhail, 60,000 Afghan Police Are Illiterate, Tolonews, April 22, 2015, <http://www.tolonews.com/en/afghanistan/19181-60000-afghan-police-are-illiterate,Afghanistan>
  - Haroro J. Ingram, Three Traits of the Islamic State's Information Warfare, RUSI, December 2014, <https://www.rusi.org/publications/journal/ref:A54AAAB6F80360/#.VhznIOyqpHw>
  - Henry Farrell, 'The Consequences of the Internet for Politics', Annual Reviews, 2012, <http://www.annualreviews.org/doi/full/10.1146/annurev-polisci-030810-110815>
  - J. M. Berger & Jonathan Morgan, The ISIS Twitter Census: Defining and Describing the Population of ISIS Supporters on Twitter, Brookings, March 2015, <http://www.brookings.edu/research/papers/2015/03/isis-twitter-census-berger-morgan>
  - Jennifer Earl, 'Studying Online Activism: The Effects of Sampling Design on Findings', Mobilization, 2013, <http://www.mobilization.sdsu.edu/articleabstracts/184Earl.html>

- Joshi Herrmann, How Social Media is Empowering Young Afghan Women: The Facebook Effect, The Independent, February 10, 2015, <http://www.independent.co.uk/life-style/gadgets-and-tech/features/how-social-media-is-empowering-young-afghan-women-the-facebook-effect-10375022.html>
- Larry Diamond, Liberation of Technology, Journal of Democracy, 2010, Volume 21, Issue 3, Pages 69-83
- Mark Mazzetti & Michael R. Gordon, ISIS Is Winning the Social Media War, U.S. Concludes, The New York Times, June 12, 2015, [http://www.nytimes.com/2015/06/13/world/middleeast/isis-is-winning-message-war-us-concludes.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2015/06/13/world/middleeast/isis-is-winning-message-war-us-concludes.html?_r=0)
- Mokhtar Wafayi, Afghans Boycott Pakistani Goods Over Taliban Claims, The Observers, August 20, 2015, <http://observers.france24.com/en/20150820-taliban-attacks-afghanistan-boycott-pakistan-goods>
- Peter R. Neumann, The Trouble with Radicalization, Chatham House, July 2013, <https://www.chathamhouse.org/publications/ia/archive/view/193091>
- Robert Zaman & Abdul Ahad Mohammadi, Trends in Student Radicalization across University Campuses in Afghanistan, Afghan Institute for Strategic Studies, Kabul, 2014, <http://www.aiss.af/wp-content/uploads/2015/09/English-version-Trends-in-Radicalization-across-Unregistered-Madrassas-in-Afghanistan.pdf>
- Saifullah Mustanir, The Peace Process in Afghanistan is a Political Suicide, The Khilafah, March 9, Afghanistan, 2015, <http://www.khilafah.com/the-peace-process-in-afghanistan-is-political-suicide>
- Social Media in Afghanistan: Measuring the Usage & Perceptions of the Afghan Population, GIZ, Kabul, 2014, [http://ez-afghanistan.de/fileadmin/content/news/Social\\_Media\\_251114.pdf](http://ez-afghanistan.de/fileadmin/content/news/Social_Media_251114.pdf)
- Stefania Milan, ‘Social Movements and Their Technologies Wiring Social Change’, Palgrave Macmillan, London, November 2013, <http://www.palgrave.com/page/detail/social-movements-and-their-technologies-stefania-milan/?K=9780230309180>
- Sudarshan Raghavan and Mohammad Sharif, Afghan Flock to Kabul Taxi, a Satirical Facebook Page that Spares no one, The Washington Post, July 11, 2015, [https://www.washingtonpost.com/world/asia\\_pacific/afghans-flock-to-kabul-taxi-a-satirical-facebook-page-that-s pares-no-one/2015/07/11/64d17208-2737-11e5-b621-b55e495e9b78\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/asia_pacific/afghans-flock-to-kabul-taxi-a-satirical-facebook-page-that-s pares-no-one/2015/07/11/64d17208-2737-11e5-b621-b55e495e9b78_story.html)
- Syed Zafar Mehdi, ‘Refused Money to Buy Drugs, Husband Chops off Wife’s Nose, Lips’, Afghan Zariza, December 18, 2013, <http://www.afghanzariza.com/2013/12/18/refused-money-to-buy-drugs-husband-chops-off-wifes-nose-lips>
- Telecom Sector’s Recent Achievements, Official Website of the Ministry of Telecommunication and Information Technology (MCIT), <http://mcit.gov.af/en/page/4876/6005>, Accessed on October 27, 2015
- The Puppets and Their Masters are Playing With Our Blood, The Khilafah, June 9, 2015, <http://www.khilafah.com/the-puppet-rulers-and-the-crusader-invaders-are-equally-playing-with-our-blood/> Afghanistan
- We Strongly Condemn the Airstrike of the Colonialist Invaders and the Statement of Abdullah, Hizb ut-Tahrir, June 30, 2015, <http://ht-afghanistan.com/article.php?lang=english&parent=43&category=13&aid=4315>

- Women Under the Uthmani Khilafah: Challenging the Myths Women and Their Economic Rights, The Khilafah, March 8, 2015, <http://www.khilafah.com/women-under-the-uthmani-khilafah-challenging-the-myths-women-and-their-economic-rights-part-2>
- Zarghuna Kargar, Why was a Young Woman Killed by a Mob in the Streets of Kabul?, Prospect Magazine, August 4, 2015, <http://www.prospectmagazine.co.uk/world/why-was-a-young-woman-killed-by-a-mob-in-the-streets-of-kabul-farkhunda-afghanistan>

## ضمیمه‌ها

### ضمیمه 1: پرسش‌نامه

1. شما چه مدت است که از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنید؟
  2. مهم‌ترین پایگاه‌های رسانه‌های اجتماعی میان دوستان و اطرافیان شما کدام هستند؟
  3. شما به چه شیوه‌هایی از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنید؟
- الف) سرگرمی
- ب) در تماس بودن با اعضای خانواده و دوستان
- ج) پی‌گیری اخبار و امور جاری
- د) تبادل نظر در مورد امور سیاسی و اجتماعی
4. کسانی که شما می‌شناسید، تا چه میزان برای پی‌گیری اخبار و تبادل نظر بر رسانه‌های اجتماعی تکیه دارند؟
  5. آیا شما در شبکه‌های اجتماعی با پیام‌ها و روایت‌های خشونت‌آمیز و افراطی برخورد داشته‌اید؟ اگر بله، مشکلات / مسایل اصلی که این روایت‌ها و ایده‌ها بر مبنای آن شکل گرفته‌اند، چه چیزهایی هستند؟
  6. آیا این ایده‌ها و روایت‌ها مخاطبان مشخصی دارند، مانند جوانان یا هر کدام از جوامع خاص دیگر؟
  7. آیا این ایده‌ها و روایت‌های افراطی علیه گروه‌های سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفته‌اند؟
  8. این ایده‌ها و روایت‌ها تا چه میزان به استراتژی‌ها و تاکتیک‌های خشونت‌آمیز دعوت می‌کنند؟
  9. شما یا مردمی که می‌شناسید، به چه شیوه‌هایی نسبت به پیام‌ها و ایده‌های افراط‌گرایانه و خشونت‌آمیزی که در رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند واکنش نشان می‌دهد؟ لطفاً یکی از گزینه‌ها را انتخاب کرده و توضیح بدهید.

الف) نادیده می‌گیرم و کاری انجام نمی‌دهم.

ب) راجع به محتوا و پیامدهای آن با دوستان و اعضای خانواده بحث و اظهار نظر می‌کنم.

ج) فعالانه با آن مخالفت کرده و ایده‌های ضد افراط‌گرایی را ترویج می‌کنم.

د) شیوه‌های دیگر (لطفاً مشخص کنید) .....

10. رسانه‌های اجتماعی به چه شیوه‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا بسیج اجتماعی را در منطقه شما تسهیل کنند؟ لطفاً یک گزینه را انتخاب کرده و توضیح بدهید.

الف) اعلام برنامه‌های رویدادهای عمومی و اطلاع‌رسانی به کسانی که قصد شرکت دارند.

ب) برنامه‌ریزی و هماهنگی آمادگی‌ها برای رویدادهای عمومی.

ج) انتشار اخبار و پیام‌های رویدادها به شکل عمومی (لطفاً توضیح بدهید) .....

11. گروه‌های افراط‌گرا و خشونت‌آمیز چگونه از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند؟ لطفاً یک گزینه را انتخاب کرده و توضیح بدهید.

الف) جذب، استخدام و آموزش اعضای جدید

ب) انتشار و انتقال روایت‌ها و ایده‌هایی که دعوت به اقدامات خشونت‌آمیز می‌کنند

ج) همکاری و سازمان‌دهی فعالیت‌های خشونت‌آمیز

د) موارد دیگر (لطفاً توضیح دهید) .....

12. مهم‌ترین روایت‌ها / ایده‌های ضد افراط‌گرایی که در شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده شما، منتشر می‌شود، کدام هستند؟

13. نمونه‌هایی از واکنش‌های گروه‌های جامعه مدنی و فعالان مستقل به روایت‌های افراط‌گرایی را بگویید.

14. اگر سیاست‌های رسمی دولتی برای مقابله یا محدودکردن تأثیرات افراط‌گرایی از طریق رسانه‌های اجتماعی وجود دارند، توضیح بدهید.

## ضمیمه 2: معرفی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد مستقل تحقیقاتی است که در اکتبر 2012 با هدف ایجاد فضای تحقیقاتی برای بررسی مسایل استراتژیک مرتبط با افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأسیس شد. ترویج گفتگو بین ذی‌نفعان، ابزار اساسی و نهایی برای دستیابی به اهداف AISS است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تلاش دارد تا با انجام‌دادن تحقیقات مستقل، ترجمه و چاپ کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی، به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و ... در جامعه کمک کند.

هیئت‌مدیره مشاورین انستیتوت:

- سفیر کای آیدی (بازنشسته)، نماینده خاص پیشین دبیر کل سازمان ملل
- پروفیسور رادا کومار، رئیس عمومی، دهلی پالیسی گروپ (DPG)
- آقای نادر نادری، رئیس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU)، و رئیس بنیاد انتخابات آزاد و منصفانه در افغانستان (FEFA)
- داکتر بارنت روبین، رئیس و عضو ارشد مرکز همکاری‌های بین‌المللی، و پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه نیویورک
- داکتر سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (AIHRC)
- داکتر رنگین دادفر سپنتا، مشاور پیشین امنیت ملی دولت افغانستان
- پروفیسور شهربانو تاج‌بخش، مشاور ارشد علمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، مدیر برنامه امنیت بشری در ماستری امور عامه انستیتوت مطالعات سیاسی ساینس‌پو در پاریس، و محقق در انستیتوت تحقیق صلح اسلو (PRIO)
- داکتر دیوید ساموئل سدنی، معاون دستیار سابق سازمان دفاع برای امور امنیتی آسیا و اقیانوسیه
- پروفیسور وانگ جیسی، رئیس دانشکده مطالعات بین‌المللی و رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی دانشگاه پکنگ

## معرفی نویسندگان

نعمت‌الله ابراهیمی (پژوهشگر دیپارتمنت مطالعات صلح انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان): آقای ابراهیمی فعلاً در حال کار روی تز داکتری خود در دانشگاه ملی استرالیا است. او در زمینه مسایل سیاسی، تاریخ و اوضاع جاری افغانستان به طور گسترده تحقیق انجام داده و نوشته است. او ماستری‌اش را در رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن گرفته است.

مصعب عمر (هماهنگ‌کننده پروژه‌ها و پژوهشگر دیپارتمنت مطالعات صلح انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان): حوزه خاص مطالعات او بر خشونت سیاسی و افراط‌گرایی و همکاری منطقه‌ای تمرکز دارد. آقای عمر در زمینه جریان‌های افراط‌گرایی در مدارس غیررسمی و نیز افراط‌گرایی در میان دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان تحقیقاتی انجام داده است. او همچنان در پروسه قلب آسیا تحقیقی را با تمرکز به امنیت و انکشاف افغانستان و همسایگانش انجام داده است. آقای عمر قبلاً در مورد ایتم و زنان بیوه در مناقشه کشمیر تحقیق کرده و نیز در ارزیابی نظام مدارس که دولت هند آن را تطبق کرده، همکاری داشته است. او ماستری‌اش را در رشته تحلیل مناقشه و صلح‌آفرینی از مرکز نلسون ماندلا برای صلح و حل مناقشه، جامعه ملی اسلامی دهلی‌نو به دست آورده است.

محمد عرفانی (پژوهشگر دیپارتمنت مطالعات صلح انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان): آقای عرفانی قبلاً با تعدادی از رسانه‌های بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی و دویچه‌وله و تعدادی از رسانه‌های داخلی افغانستان کار کرده است. او در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه ابن‌سینای کابل مدرک لیسانس دارد. آقای عرفانی از اعضای گروه جامعه‌شناسی افغانستان است و مقالاتی از او در زمینه مسایل اجتماعی و فرهنگی منتشر شده است.





## تماس با ما:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS)

قلعه 9 برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

پست بکس: 5214 پسته خانه مرکزی

[www.aiss.af](http://www.aiss.af)

[contact@aiss.af](mailto:contact@aiss.af)

[www.facebook.com/afghaninstituteofstrategicstudies](https://www.facebook.com/afghaninstituteofstrategicstudies)

Twitter: @aissofficialpag

Linkedin: Afghan Institute for Strategic Studies

استفاده تجاری از تمام نشرات انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، بدون موافقت کتبی این نهاد جداً ممنوع است.

تجزیه و تحلیل‌های ارائه شده در این گزارش، متعلق به تیم تحقیقاتی انستیتوت بوده و موضع رسمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) و مؤسسه ایالات متحده برای صلح (USIP) نمی‌باشد.